



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

مدیر مسئول: محمد ناصری
سر دبیر: مسعود جوادیان
مدیر داخلی: محمد حسین معتمد راد
هیئت تحریریه: دکتر فرج الله احمدی
مسعود جوادیان
دکتر عطاء الله حسینی
دکتر عبدالرسول خیراندیش
دکتر نیره دلیر
دکتر نصرالله صالحی
دکتر طوبی فاضلی پور
دکتر حسین مفتخری
ویراستار: جعفر ربانی
طراح گرافیک: مهسا قباویی
نشانی مجله:
تهران صندوق پستی ۶۵۸۵-۱۵۸۷۵
تلفن امور مشترکین: ۷۷۲۳۵۱۱۰ و ۷۷۳۳۶۵۵۶
نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸
تلفن مجله: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹
داخلی: ۲۳۴
پیام گیر نشریات رشد:
۸۸۳۰۱۴۸۲-۸۸۸۳۹۲۳۲
پیامک: ۳۰۰۰۸۹۹۵۹۷
مدیر مسئول: ۱۰۲
دفتر مجله: ۱۱۳
امور مشترکین: ۱۱۴
پیام نگار: tarikhh@roshdmag.ir
وبگاه: www.roshdmag.ir
چاپ: شرکت افست (سهام عام)
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

چه باید کرد؟ / مسعود جوادیان / ۲

تاریخ نخوانده‌ای که استاد و مؤلف تاریخ شد! (پای صحبت استاد سیروس غفاریان) /

جعفر ربانی / ۴

مطالعه تطبیقی دو کتاب درسی / مجتبی مقصدی / ۸

تحلیل محتوای کتاب تاریخ معاصر و تاریخ ایران و جهان ۲ با تأکید بر سطح خوانایی /

رزا معماری / ۱۹

بازی ایفای نقش / معصومه درویش / ۲۶

زکریای رازی؛ دانشمند بزرگ ایران / ربابه طهماسبی / ۲۸

الله‌وردی خان کیست؟ / جمشید سمیع پور / ۳۴

بلوچستان در دوره صفوی / دکتر نصرت خاتون علوی / ۳۸

ره‌آورد سفر / مسعود جوادیان / ۴۳

شدنی است، اگر بخواهیم (گپ و گفت با حمیده شهبازی) / ۴۴

نقش ایران در سیاست‌های شرقی ناپلئون بناپارت / دکتر شکوه‌السادات اعرابی هاشمی،

الهام محمدی گهروئی / ۴۶

ملاقاتی دوباره با استاد محمد بهرامی / مسعود جوادیان / ۵۱

نادرشاه افشار و خلیج فارس / عباس رضایی / ۵۲

تاریخ و مورخان از دیدگاه روسو / مریم احمدیان / ۵۸

معرفی کتاب / مبانی علم تاریخ / سید حسین رضوی خراسانی / ۶۲

اخبار / ۶۴

قابل توجه نویسندگان و مترجمان:

● مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و رویکردهای آموزشی تربیتی فرهنگی این مجله مرتبط باشند و نباید قبلاً در جای دیگری چاپ شده باشند. ● مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشند و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید. ● مقاله یک خط در میان، در یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله‌ها می‌توانند با نرم افزار word و بر روی CD و یا از طریق رایانامه مجله ارسال شوند. ● نشر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. ● محل قراردادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. ● مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف‌ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود. ● کلمات حاوی مفاهیم نمایه (کلید واژه‌ها) از متن استخراج و روی صفحه‌ای جداگانه نوشته شوند. ● مقاله باید دارای تیتراژ اصلی، تیتراژ فرعی در متن و سوتیتر باشد. ● معرفی نامه کوتاهی از نویسنده یا مترجم پیوست شود. ● مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. ● مقالات دریافتی بازگردانده نمی‌شود. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.



چهاربایگ کرد؟

مقاله‌ای درباره نادر شاه بنویسد. چند روز بعد آمد و مقاله را تحویل داد؛ اما مدتی بعد دریافتیم که آن مطلب را عیناً از یکی از آثار دکتر رسول جعفریان رونویسی کرده است!

روزی دیگر، خانمی به گروه رجوع کرد. از جایی دور آمده بود، با مقاله‌ای درباره ایران باستان؛ مقاله‌ای وزین و خواندنی. آن را تحویل داد و رفت. مقاله هم چاپ شد. چندی بعد دوباره آمد. این بار درباره ایران دوره اسلامی مطلبی تهیه کرده بود؛ بهتر از مطلب قبل! به روال معمول مطلب را برای ارزیابی نزد دکتر مفتخری فرستادم.

چند روز بعد دکتر تماس گرفت و گفت مقاله عیناً کپی‌برداری از نوشته خود اوست! حیرت کردم! دکتر مفتخری گفت که خودش به خانم مذکور زنگ زده و مطلب را به او گفته است. پیامکی برای خانم نویسنده فرستادم با این مضمون که لطفاً دیگر برای ما مطلب نفرستید.

یک بار هم همکاری، از یکی از استان‌ها مقاله‌ای پژوهشی و متین و محکم درباره مناسبات ایران و هندوستان فرستاده بود. وقتی به یاد می‌آورم برای ویرایش، حروفچینی، نمونه‌خوانی و تهیه منابع بصری آن مقاله چقدر وقت صرف کردم خیلی دلم می‌سوزد! روزی برای کاری نزد دکتر جمشید نوروزی که آن وقت‌ها با ما کار می‌کرد رفتم. کتابی درباره تاریخ و فرهنگ هند روی میزش بود که توجهم

موضوعی را که می‌خواهم در این شماره مطرح کنم نکته تازه‌ای نیست، ولی آن اندازه اهمیت دارد که بارها تکرار شود! در دوره دانشجویی - دوره لیسانس - همکلاسی داشتیم که اهل خطه شمال بود. روزی دیدم ماتم زده و عصبانی است. علت را جویا شدم. گفت: «چندی پیش شعری درباره ایران باستان سروده و نسخه‌ای از آن را به فلانی - یکی از اساتید - داده‌ام. اکنون آن شعر در فلان نشریه منتشر شده است؟ به نام همان استاد!» بعدها از مرحوم استاد زرین کوب خواندم که فلان نویسنده همواره منتظر بوده است تا اثر تازه‌ای از استاد منتشر شود، تا وی با مختصر تغییری آن را، با نامی تازه، به نام خودش منتشر کند! در این جا می‌خواهم نمونه‌هایی را مرتبط با رشد آموزش تاریخ ارائه کنم و البته نه از تفنن و سرگرمی بلکه به عنوان یک معضل و دغدغه شغلی!

چند سال پیش، زمانی که در گروه تاریخ دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی بودم، روزی فردی به گروه آمد. ضمن معرفی خود به عنوان دبیر تاریخ اظهار داشت که علاقه‌مند است به عنوان کارشناس گروه تاریخ به سازمان منتقل شود. من که شناختی از او نداشتم، نتوانستم پاسخ فوری به او بدهم. به او گفتم که بهتر است مدتی برای مجله چیز بنویسد تا بهتر و بیشتر بشناسمش و او را ارزیابی کنم. قرار شد، برای شروع،

تاریخ‌نخوانده‌ای که استاد و مؤلف تاریخ شد!

پای صحبت استاد سیروس غفاریان

جعفر ربانی

اشاره

سیروس غفاریان در تألیف برخی از کتاب‌های درسی تاریخ، به‌ویژه در حوزه تاریخ معاصر ایران و جهان، در سال‌های پس از انقلاب، همکاری داشته است؛ و این به‌جز کارهای بسیاری است که در نوشتن انجام داده است؛ نوشتن حدود دو هزار مقاله سیاسی برای مطبوعات مختلف، در دهه‌های ۶۰، ۷۰ و ۸۰ مجلات رشد، نشریات عمومی و حتی برای سازمان‌ها. علاوه بر این وی کتاب‌هایی نیز به‌طور مستقل تألیف کرده که در پایان گفت‌وگو به آن‌ها خواهیم پرداخت.

گفت‌وگو با سیروس غفاریان، به‌ویژه که ایشان رسماً در رشته تاریخ تحصیل نکرده بلکه از رهگذر مطالعات فردی به این دانش و مهارت دست یافته است، ضرورتی بود که از مدت‌ها پیش احساس می‌شد و خوشبختانه اینک جامه عمل پوشیده است. شما را به مطالعه متن این گفت‌وگو دعوت می‌کنیم.

سال ۱۳۳۸، وقتی که سال چهارم ریاضی در دبیرستان اقبال آشتیانی تهران تحصیل می‌کردم، عضو کتابخانه ملی شدم. در آن زمان دانش‌آموزان سیکل دوم متوسطه را با معرفی‌نامه دبیرستان در کتابخانه ملی می‌پذیرفتند. از آن زمان تاکنون ۵۵ سال است که عضو این کتابخانه‌ام و در این نیم‌قرن موفق به مطالعه کتاب‌های تاریخ، فلسفه و جامعه‌شناسی بسیاری شده‌ام. علاوه‌بر آن در مخزن مطبوعات، موفق به مطالعه پاره‌ای از مطبوعات مورد علاقه‌ام گردیده‌ام. حاصل این مطالعات مستمر آن بود که تاکنون نزدیک به دو هزار مقاله تاریخی، اجتماعی و سیاسی در مطبوعات مختلف نوشته‌ام.

● آقای غفاریان، از جناب عالی تشکر می‌کنیم که در گفت‌وگو با رشد تاریخ شرکت کردید. لطفاً برای آشنایی همکاران و دبیران ارجمند مختصری از شرح حال خود را بیان فرمایید.

○ من در ۱۰ اردی‌بهشت ۱۳۲۲ در قمصر کاشان متولد شدم. چون در همان اوایل با خانواده به تهران آمدم، تحصیلات ابتدایی و متوسطه و عالی خود را در تهران به پایان رساندم. شغل پدرم در زمینه فرش و نقشه فرش بود. از این رو من به نقاشی هم علاقمند شدم و می‌توانستم در این رشته پیشرفت کنم ولی بیشتر جذب مطالعه و خواندن کتاب شدم. به‌ویژه از

رشته گرایش یافتید؟

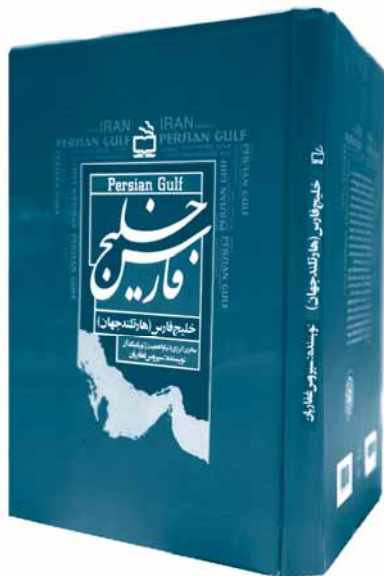
○ باید بگویم، در دهه ۱۳۳۰، از اواخر دوره ابتدایی من شاهد نهضت ملی شدن صنعت نفت بودم. چون منزل ما در یکی از محلات بازار تهران به نام کوچه حمام چال واقع در گذر **لوطی صالح** قرار داشت که مثل خیلی جاهای دیگر کانون گفت‌وگوها و حرف و حدیث‌ها درباره نفت بود، ذهن مرا تحت تأثیر قرار داد. محلات اطراف بازار مانند سبزه میدان، پانچنار، سراسر خیابان بوذرجمهری (۱۵ خرداد فعلی) و نقاط دیگر، از جمله میدان‌های بهارستان و مخبرالدوله، به علت کثرت دکه‌های روزنامه‌فروشی، کانون بحث‌های داغ سیاسی درباره نفت بود. روزنامه‌ها از قرارداد داری، امتیاز نفت شمال، رقابت‌های روسیه شوروی و انگلیس در تمام شئون ایران به‌ویژه نفت، و ضمناً از قرارداد گس-گلشائیان بحث می‌کردند. تفسیرهایی در جراید مختلف، از اطلاعات و کیهان گرفته تا باختر امروز... نوشته می‌شد که مقالات آن از موضوعات درهم تنیده سیاسی، اقتصادی و تاریخی بود. پدر من که در بازار کار می‌کرد، جراید متفاوت را می‌خرید و من نیز با مطالعه آن‌ها به مسائل تاریخ معاصر ایران و مسائل بین‌المللی از جمله جنگ کره آشنا می‌شدم. مطالعه مطبوعات و آگاهی به تحولات ایران و جهان، ذهن مرا به مسائل تاریخی کشانید و مجذوب موضوعات تاریخی شدم تا آنکه به سیکل دوم دبیرستان، رشته ریاضی در دبیرستان اقبال آشتیانی، رفتم. در آن مدرسه دبیر تاریخ و جغرافیای ما، مرحوم **فضل‌الله صفا**، تنها دبیری بود که سفیدی‌های کتاب را تدریس می‌کرد! بدین معنی که چون حجم کتاب‌های درسی محدود بود و مؤلف یا مؤلفان مجبور بودند مطالب را خلاصه و کوتاه بنویسند، صفا طوری تدریس می‌کرد که کاستی و کمبودهای کتاب را جبران کند. مثلاً به یاد دارم روزی که می‌خواست تاریخ جنگ جهانی دوم را تدریس کند، نقشه اروپا را روی تابلو نصب کرد و اول

از هر چیز این جمله را گفت:

«جغرافیا بستر مسائل

سیاسی و تاریخی است.» او

سپس استراتژی و تاکتیک‌های جنگی **مارشال ژوکف** روسی را در برابر حملات مارشال‌های آلمانی طوری تشریح می‌کرد که گویا آقای صفا و ما دانش‌آموزان، همه در یک اطاق جنگ هستیم و به تنگناها و امکانات نظامی دو کشور روسیه شوروی و آلمان نازی آگاهی داریم. وجود چنین دبیری، من و خیلی‌های دیگر را مشتاق تاریخ کرد.



اولین بار، با نوشتن مقاله‌ای تحت عنوان «تجاوز چیست» در مجله رنگین کمان، حمله ارتش سرخ به چکاسلواکی را محکوم کردم (۱۳۴۷). انتشار این مقاله آغاز فعالیت‌های مطبوعاتی من شد.

● پس از دریافت دیپلم دبیرستان چه مراحل را پیمودید؟

○ اول به خدمت نظام رفتم و پس از طی دوره آموزشی، ادامه سربازی خود را در سال ۱۳۴۴ در دورافتاده‌ترین روستاهای شهرستان ملایر، در کسوت معلمی، یعنی سپاهی‌دانش، گذراندم. چون سپاهی ممتاز شدم اجازه پیدا کردم در آزمون ورودی دانشگاه ابرویحان (مامازن آن روز) که بعد از انقلاب با تعدادی دیگر از مؤسسات آموزش عالی مجموعاً دانشگاه علامه طباطبایی را تشکیل دادند شرکت کنم. شرکت کردم و با رتبه اول در رشته علوم تربیتی پذیرفته شدم و این دوره را با دریافت مدرک لیسانس با موفقیت به پایان رساندم. خوشبختانه در آن دانشگاه استادان باسواد و برجسته‌ای تدریس می‌کردند و من از آن‌ها خیلی استفاده کردم.

از اواخر دوره لیسانس مدتی به **دانشکده مکاتبه‌ای**، که هسته اولیه دانشگاه پیام نور امروز بود، دعوت و با عنوان «مربی فلسفه» به کار مشغول شدم. در آن مدت توانستم دو رفرنس (یعنی فهرست منابع درسی) برای آن دانشکده تهیه کنم. یکی رفرنس منابع تاریخ ایران باستان و دیگری رفرنس تاریخ فلسفه غرب. آن مدت زیاد طول نکشید چون وقتی لیسانس گرفتم باید به خدمت در آموزش و پرورش بازمی‌گشتم.

● بنابراین پست تازه‌ای به شما دادند؛ آن پست کجا بود؟

○ سال ۱۳۵۳ بود. مرا به بابلسر فرستادند تا هم به‌عنوان دبیر دبیرستان‌ها و هم به‌عنوان مشاور تحصیلی مدارس راهنمایی در آنجا خدمت کنم. تا سال ۱۳۶۲ در بابلسر بودم و سپس به تهران منتقل شدم.

● در تهران به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی امید؛ چگونه؟

○ دوستانی در سازمان که از زمان دانشجویی با هم بودیم و از سابقه فعالیت‌های علمی و قلمی من اطلاع داشتند مرا به سازمان معرفی کردند. سازمان هم از من خواست که در گروه تاریخ دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی مشغول به کار شوم که پذیرفتم و به سازمان منتقل شدم.

● می‌دانیم که شما دانش‌آموخته رشته تاریخ، به لحاظ دانشگاهی نیستید و رشته اصلی شما در دانشگاه تعلیم و تربیت بوده است. با این حال طبق آن چه برآورد شده است کتاب‌های درسی که شما در دو سه دهه اخیر تألیف کرده‌اید از موفقیت و مقبولیت خوبی نزد دانش‌آموزان و دبیران تاریخ برخوردار شده است. چه شد که شما به رشته تاریخ و تدریس و تألیف در این

به پیشنهاد او بود که مسئولان مدرسه اقبال آشتیانی دانش‌آموزان را جهت مطالعه به کتابخانه ملی معرفی کردند. همان‌طور که گفتم، من از اوایل سال ۱۳۳۹ با اخذ کارت مطالعه به کتابخانه ملی که در آن زمان در خیابان ۳۰ تیر، پشت موزه ایران باستان بود مراجعه می‌کردم. در آن زمان دانش‌آموزان را هم در کتابخانه ملی برای مطالعه می‌پذیرفتند ولی در حال حاضر که کتابخانه به بزرگراه حقانی منتقل شده از فوق‌لیسانس کمتر را به عضویت قبول نمی‌کند. آن‌وقت‌ها دکتر ابراهیم صفا- برادر مرحوم دکتر ذبیح‌الله صفا- رئیس کتابخانه ملی

بود. حتی وقتی در روستاهای ملایر بودم در تعطیلات سه ماه تابستان که به تهران می‌آمدم هر روز به کتابخانه ملی می‌رفتم. مشتری همیشگی کتابخانه در بخش آرشیو مطبوعات و کتاب‌های تاریخی بودم. ابتدا کتاب‌های تاریخی دبیرستان را که از ۱۳۱۰ هجری شمسی به بعد به وسیله مرحوم عباس اقبال تألیف شده بود مرور کردم و سپس مسائل تاریخی را که در پاره‌ای از مطبوعات منتشر شده بود می‌خواندم. می‌توانم به جرئت بگویم که پاره‌ای از مطبوعات را غنی‌تر از بعضی از کتاب‌های تاریخی یافتم. مطالعه کتاب‌های تاریخی و بعضی از مطبوعات به موازات هم کشش و جاذبه‌ای جهت نوشتن مطالب تاریخی و تدریس این ماده درسی در من ایجاد کرد به طوری که فکر نوشتن مقالات تاریخی سیاسی در ذهن من قوت گرفت.

● به نکته خوبی اشاره کردید. شما در دو عرصه «خواندن تاریخ» و «نوشتن تاریخ»، هر دو موفق بوده‌اید. چه شد که به نوشتن تاریخ روی آوردید؟ گفتید اولین مقاله‌تان را در مجله رنگین کمان نوشتید. در این باره بیشتر توضیح دهید.

○ آرزوی هر فرد اهل مطالعه این است که محفوظات خود را به صورت مرتب و نظام‌دار روی کاغذ بیاورد تا با گذشت زمان، که عامل فراموشی بسیاری از آموخته‌هاست، از بین نرود. من از این نظر به نوشتن مقالات تاریخی و اجتماعی پرداختم و دنبال نشریه‌ای بودم که آثارم را چاپ کند. از قضا، زمانی که با تجاوز شوروی به جمهوری چکاسلواکی و سقوط الکساندر دوبچک، رهبر انقلاب مردم چک، معروف به بهار پراگ، جهان دچار شوک سیاسی شد، من که قبلاً چگونگی کشاندن

کشورهای اروپای شرقی به پشت پرده آهنین و کمونیستی کردن رژیم‌های این کشورها را مطالعه کرده بودم مقاله‌ای تحت عنوان «تجاوز چیست» را در مجله رنگین کمان نو در ۹ شهریور ۱۳۴۷ منتشر کردم. در آن زمان آموزگار روستاهای ملایر بودم. بعد از این مقاله، زمانی که دانشجوی رشته علوم تربیتی دانشگاه ابریحان شدم دو مقاله هم در مجله آن دانشگاه در کنار مقالات استادان نوشتم که اولین آن را با عنوان تاریخ چیست و دومی را با عنوان ریشه‌های عرفان، با استناد به منابع معتبر نوشتم که مورد تأیید استادان، مرحوم دکتر نادر وزین‌پور، قرار گرفت.

● شما در دبیرستان‌ها زیاد تاریخ تدریس کرده‌اید.

لطفاً مراحل و سال‌های آن را بیان فرمایید.

○ از سال ۱۳۵۳ به موازات کار مشاوره در دوره راهنمایی، در دبیرستان هم درس تاریخ رشته‌های اقتصاد اجتماعی، فرهنگ و ادب، علوم تجربی و ریاضی را، که به وسیله مرحوم خلیلی گرکانی و کارشناسان تاریخ آن زمان دفتر تألیف که در حجم بسیار زیادی نوشته شده بود در دبیرستان‌های بابلسر تدریس می‌کردم. بعد از آنکه در سال ۱۳۶۲ از بابلسر به تهران (آموزش و پرورش منطقه چهار) منتقل شدم، همان‌طور که گفتم، هفته‌ای سه روز (به‌عنوان کارشناس تاریخ در زمان ریاست مرحوم جلیل افسری در دفتر تألیف، سرپرستی دکتر زرگری‌نژاد در گروه تاریخ و ریاست دکتر حداد عادل بر سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی) در تهیه منابع تألیف کتاب‌های درسی مشارکت داشتم؛ و در سال‌هایی که آقایان مهندس قریشی و سلسبیلی بر واحد تربیت معلم دفتر تألیف مسئولیت داشتند، به درخواست آنان و حمایت و مساعدت دکتر خیراندیش مسئول وقت گروه تاریخ، کتاب تاریخ معاصر کشورهای اسلامی را برای دانش‌جویان مراکز تربیت معلم رشته‌های

علوم اجتماعی و پرورشی نوشتم.

● شیوه تدریس شما در کلاس چگونه بود که سبب جذب دانش‌آموزان می‌شد؟

○ برای بیان شیوه تدریس تاریخ در طول خدمتم باید عرض کنم، شیوه‌ای را که در تاریخ معاصر، به‌ویژه تاریخ دوره قاجاریه، به کار می‌بردم این بود که همواره چند کتاب تاریخی مرجع نظیر تاریخ بیداری ایرانیان نوشته ناظم‌الاسلام کرمانی و



یک جلد تاریخ رجال ایران نوشته مهدی بامداد و بالاخره دیوان اشعار نسیم شمال را، که همه اشعار آن طنز است، با خود به کلاس می‌بردم. همیشه سعی می‌کردم که نکات شیرین یا واقعی و آمیخته به طنز را با بحث‌های تاریخی همراه کنم تا دانش‌آموزان کاملاً متوجه مبحثی که تدریس می‌کردم بشوند. با این روش کلاس سراپا گوش می‌شد. زیرا نکته‌های شیرینی که چاشنی درس می‌شد به علاقمندی دانش‌آموزان این درس می‌افزود. مثلاً وقتی به زندگی ناصرالدین‌شاه می‌رسیدیم به این نکته اشاره می‌کردم که درست است که این پادشاه خطاها و اشتباهات بزرگ و گناهی چون دستور قتل امیرکبیر را داشته ولی صاحب ذوق و هنر نیز بود، نقاش

ماهری بود، زبان فرانسه را از اعتمادالسلطنه آموخت، شاعر ورزیده‌ای بود و... بعد هم چند نمونه از اشعار ناصرالدین‌شاه را که در وصف هفتادودو تن شهیدای کربلا سروده، قرائت می‌کردم یا ماجراهای جالبی را که در طی سه بار سفر او به اروپا رخ داده بود تعریف می‌کردم و در آخر اگر وقتی باقی بود متن بازجویی از میرزا رضا کرمانی را که به وسیله نظم‌الدوله نوری انجام شد از متن کتاب «تاریخ بیداری ایرانیان» برای بچه‌ها می‌خواندم. یا وقتی به مشروطه می‌رسیدیم، عاملی را که باعث انحراف مشروطیت گردید، به کمک اشعار نسیم شمال چاشنی درس می‌کردم؛ مثلاً نمونه‌ای از اشعار او درباره تبعیضات در اجتماع بعد از پا گرفتن مشروطیت را می‌خواندم:

ای خداوند کریم فرد و حی داد ما گیر از فلان السلطنه نیست اصلاً فکر اطفال فقیر نه وکیل و نه امیر و نه وزیر با برگرفتن مطالب ناب از کتاب‌های مختلف، همیشه کلاس‌های من در حالت امن و انضباط خاص به پایان می‌رسید. طوری که در پایان کلاس دانش‌آموزان از من نام منابع تاریخی مفید برای مطالعه را می‌خواستند.

● شما به نقش «قدرت بیان» یا فصاحت کلام معلم در آموزش چقدر اهمیت می‌دهید؟

○ «فصاحت» یا گشاده‌زبانی همیشه همراه «بلاغت» به معنی رسایی سخن و خالی بودن از ضعف، برای هر معلمی «لازم» است ولی «کافی» نیست. نکته مهم این است که همه افراد در هر شغل و حرفه‌ای که باشند کم یا زیاد محروم از فصاحت

بیان‌اند. در مورد معلم چیزی که می‌تواند کمبود فصاحت را جبران کند معلومات اوست. چنانچه دبیری معلومات کافی نداشته باشد هر قدر زبان‌بازی کند و به فصاحت و بلاغت از این شاخ به آن شاخ بپرد و از پاسخ صحیح به دانش‌آموز عاجز باشد آن کلاس به بی‌انضباطی کشانیده خواهد شد.

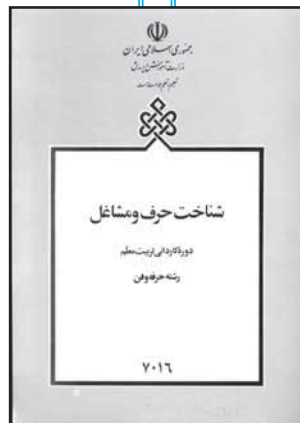
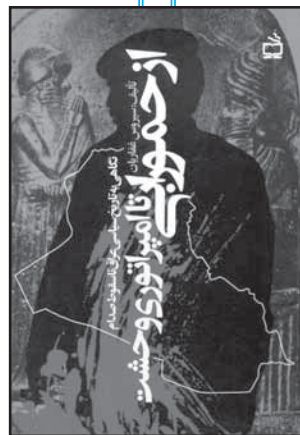
● اگر هنوز معلم بودید و تدریس می‌کردید، درباره ارزش آموزش تاریخ، به دانش‌آموزان چه توصیه‌هایی می‌کردید؟

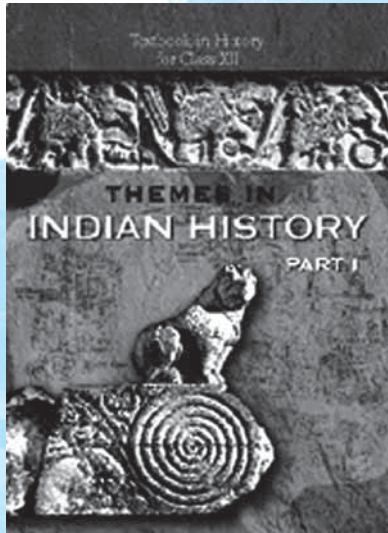
○ درباره ارزش آموزش تاریخ بسیار زیاد می‌توان صحبت کرد. می‌توان به جرئت ادعا کرد که جامعه‌شناسان اولیه برای شناختن جوامع، وام‌دار تاریخ اجتماعی‌اند و جامعه‌شناسان بزرگ در ایران و جهان ابتدا مسلط به علم تاریخ بودند. حتی آموزش تاریخ فلسفه نیاز به آموزش تاریخ دارد و این ادعا که «تاریخ مادر علوم انسانی است» سخن گزافی نیست. مثلاً اگر شما خواستید فلسفه یونان باستان را بشناسید باید به تاریخ حکومت‌های آتن و اسپارت آشنا باشید. اگر به تاریخ عصر روشنگری اروپا نگاه کنیم می‌بینیم فیلسوفانی که در این عصر ظهور کردند در زمره بهترین مورخان بودند. مونتسکیو وقتی روح‌القوانین را نوشت تاریخ روم و یونان باستان را چاشنی موضوعات مطرح شده کرد.

● بار دیگر از شما تشکر می‌کنیم.

آثار سیروس غفاریان

۱. آموزش متوسطه فنی در ایران که متن آن در دانشکده مکاتبه‌ای سابق تکثیر شده و در اختیار دانشجویان قرار گرفته است.
۲. بروشورهای شغلی منشیگری و دندانپزشکی، اداره کل راهنمایی تحصیلی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۵۵.
۳. شناخت حرف و مشاغل، گروه حرفه‌وفن دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی.
۴. تاریخ معاصر کشورهای اسلامی، برای دانشجویان تربیت‌معلم در رشته‌های علوم تربیتی و اجتماعی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۶۴.
۵. سرگذشت سرزمین فلسطین، انتشارات مدرسه، ۱۳۸۴.
۶. خلیج فارس (هارتلند جهان)، انتشارات مدرسه، ۱۳۸۹ (مراسم رونمایی این کتاب از سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش شد).
۷. از حمورابی تا امپراتوری وحشت (تاریخ عراق و زندگی صدام)، انتشارات مدرسه، کتاب برگزیده سال ۱۳۸۶.
۸. حکومتگران کشورهای اسلامی، ۱۳۸۰، انتشارات مدرسه.
۹. تاریخ جهان ۲، برای سال چهارم ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۸۰ (بخش اروپا، از جنگ جهانی اول تاکنون).
۱۰. تاریخچه وزارت امور اقتصادی و دارایی (۸۲-۱۳۸۱) پاورقی در نشریه اخبار وزارت امور اقتصادی و دارایی.
۱۱. دایرةالمعارف کلید دانش، (بخش تاریخ)، انتشارات طلایی، کتاب برگزیده سال ۸۷ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در گروه نوجوانان.
۱۲. فرهنگ‌نامه نام‌آوران، انتشارات طلایی، کتاب سال نوجوانان (۸۸).





مجتبی مقصودی

مطالعه تطبیقی دو کتاب درسی

تاریخ شناسی پیش دانشگاهی و تاریخ پایه دوازدهم هندوستان

اشاره

مطالعات مقایسه‌ای با تطبیقی در آموزش و پرورش به منظور شناخت روش‌های آموزشی کشورهای دیگر در انجام فعالیت‌های مشابه و کسب تجربه در این زمینه انجام می‌شود. مقاله حاضر به منظور مقایسه دو کتاب، یکی «تاریخ شناسی پیش دانشگاهی ایران» و دیگری کتاب «تاریخ پایه دوازدهم کشور هندوستان» توسط آقای **مجتبی مقصودی** انجام شده و در اختیار مجله رشد آموزش تاریخ قرار گرفته است. مجله رشد آموزش تاریخ همچون سال‌های قبل قصد دارد به تدریج به معرفی برنامه‌های درسی تاریخ در کشورهای مختلف مبادرت کند. مطالعه سرفصل‌های کتاب تاریخ پایه دوازدهم هند، به آشنایی مختصری با تاریخ آن کشور نیز منجر می‌شود. پانویست‌هایی که برای توضیح برخی سرفصل‌ها ارائه شده است برای خواننده مفید خواهد بود. اینجانب گرچه با برخی برداشت‌ها و یافته‌های نویسنده موافق نیستم اما مطالعه نوشته حاضر را برای همکاران گرامی و برنامه‌ریزان درسی سودمند می‌دانم.

سردبیر

کلیدواژه‌ها: تاریخ پایه دوازدهم، تاریخ شناسی، تاریخ هندوستان

هدف پژوهش

هدف این مقاله پژوهشی، بررسی مقایسه‌ای بین دو کتاب «تاریخ‌شناسی» پیش‌دانشگاهی و «تاریخ پایه دوازدهم کشور هندوستان» است. در این مقاله ضرورتی دیده نشد که درباره اهمیت مطالعات تطبیقی و انواع آن در نظام‌های آموزشی پرداخته شود لذا خوانندگان محترم را برای کسب بیشتر اطلاعات در مورد این پژوهش به کتاب‌های مربوط ارجاع می‌دهیم^۱. این پژوهش نشان می‌دهد کتاب‌های آموزش تاریخ در دوره پیش‌دانشگاهی، در کشور ما، با پایه مشابه آن در کشور هندوستان چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی دارد و مؤلفان کتاب تاریخ‌شناسی چه درس‌هایی می‌توانند از شیوه تألیف کتاب تاریخ هندوستان بیاموزند.

کتاب تاریخ هندوستان پایه دوازدهم

در نظام آموزشی هندوستان، دوره متوسطه در ایالت‌های مختلف یکسان نیست. دوره متوسطه در بسیاری از ایالت‌ها تا پایان سال دهم است و سال‌های یازدهم و دوازدهم به‌عنوان کالج یا پیش‌دانشگاهی تلقی می‌شوند. موضوعات تاریخ در پایه دوازدهم نظام آموزشی هندوستان در قالب سه کتاب مجزا، جمعاً در ۴۳۲ صفحه ارائه می‌شود. این حجم مطلب، با توجه به ساعات هفتگی اختصاص یافته به آن^۲، قابلیت آن را ندارد که دانش‌آموزان تمام سه کتاب را به‌طور کامل مطالعه کنند. از این رو دانش‌آموزان با توجه به علائق خود و راهنمایی معلمان، برخی از موضوع‌ها را که در آزمون ورودی دانشگاه‌ها یا دریافت گواهینامه پایان تحصیلات مؤثرترند انتخاب کرده و در این زمینه پژوهش‌هایی نیز انجام می‌دهند. درس‌های این کتاب با عنوان تم (موضوع) دسته‌بندی شده و در هر تم یکی از موضوعات مرتبط با تاریخ مطالعه می‌شود. در جدول‌های این مقاله، تم‌های هر سه کتاب تاریخ پایه دوازدهم ارائه شده است. در ستون سمت چپ این جدول‌ها با عنوان «برخی از فعالیت‌ها» به‌منظور کاهش حجم گزارش، تنها یکی از عنوان‌های مقالاتی که دانش‌آموزان باید بنویسند و یکی از دو پروژه پژوهشی برای هر تم بیان شده است.

ارائه مباحث به‌صورت موضوعی

همان‌طور که گفته شد مباحث کتاب درسی هند به‌صورت موضوعاتی ارائه شده و هر موضوع به‌صورت مستقل قابل مطالعه است. شیوه ارائه به‌صورت موضوعی، این ویژگی را دارد که جوانب مختلف موضوع را می‌توان در قالب یک درس یا حتی یک کتاب مطالعه کرد. شیوه موضوعی در کتاب درسی تاریخ‌شناسی پیش‌دانشگاهی در کشور ما نیز مورد توجه بوده، لذا هر یک از درس‌های کتاب تاریخ‌شناسی را می‌توان یک موضوع (تم) در زمینه تاریخ‌شناسی یا مطالعه تاریخ دانست. البته مؤلفان کتاب به این امر اشاره‌ای نکرده‌اند.

رویکرد کتاب درسی تاریخ‌شناسی از منظر راهنمای برنامه درسی

در راهنمای برنامه درسی تاریخ دوره پیش‌دانشگاهی این‌گونه بیان شده است که رویکرد این کتاب دیسیپلینی است و اضافه شده که در رویکرد دیسیپلینی، انتقال دانش و اطلاعات تاریخی به مخاطبان هدف اصلی آموزش تاریخ نیست، بلکه هدف اصلی، آن است که دانش‌آموزان با ماهیت، روش‌ها و منابع تاریخ آشنا شوند و با کسب نگرش علمی به تاریخ بتوانند در نقش جوینده اطلاعات و حقایق تاریخی ظاهر شوند. بدیهی است در انجام پژوهش‌های تاریخی از دانش‌آموز انتظار نمی‌رود مانند یک پژوهش‌گر حرفه‌ای تاریخ عمل کنند بلکه انجام این نوع پژوهش‌ها باید به‌عنوان تمرینی برای آشنایی آنان با سطوح اولیه پژوهش تاریخی قلمداد شود.^۳

مراحل انجام پژوهش

برای انجام این پژوهش ابتدا کتاب درسی تاریخ‌شناسی پیش‌دانشگاهی (ایران) مطالعه و محتوای آن به‌صورت سرفصل دروس در یک جدول خلاصه شد. سپس کتاب درسی تاریخ پایه دوازدهم (هند) از سایت مرکز ملی پژوهش‌های آموزشی و تربیت معلم کشور هندوستان دریافت شد. آن‌گاه سرفصل محتوای کتاب که در قالب تم یا موضوع فصل‌بندی شده است ترجمه و در جداول مربوط درج شد. سپس سرفصل‌ها و تم‌های کتاب ترجمه شد و در جاهایی که نیاز به توضیح یک سرفصل بود در پانویس مقاله توضیحات لازم داده شد. ضمناً فعالیت‌هایی که برای این تم به‌عهده دانش‌آموزان واگذار شده، ارائه شده است.

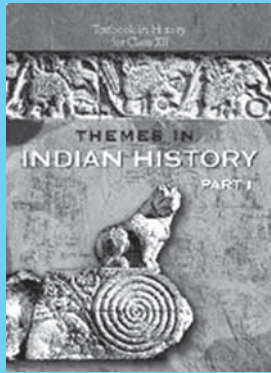
در نظام آموزشی هندوستان برای درس‌های تاریخ، مدنی و جغرافیا تا قبل از پایه ششم، کتاب مستقلی وجود ندارد و این درس‌ها به‌صورت تلفیقی و در کتابی با عنوان مطالعات اجتماعی^۴ در پایه دوم، و علوم اجتماعی^۵ از پایه سوم تا پنجم، ارائه می‌شود. کتاب مستقل تاریخ از پایه ششم به دوره تحصیلی وارد می‌شود و تا پایان پایه دوازدهم ادامه می‌یابد. کتاب‌های درسی تولیدشده در مرکز ملی پژوهش‌های آموزشی و تربیت معلم (NCERT) به سه زبان اصلی کشور هند یعنی زبان‌های هندی، اردو و انگلیسی تألیف می‌شود و مدارس اختیار دارند که یکی از این زبان‌ها را برای آموزش انتخاب کنند. در این پژوهش از نسخه زبان انگلیسی تاریخ پایه دوازدهم استفاده شده است.

شیوه گزارش

در این مقاله، عناوین درس‌ها و سرفصل‌های کتاب تاریخ‌شناسی در قالب یک جدول، و تم‌های هر یک از سه کتاب تاریخ پایه دوازدهم کشور هندوستان در سه جدول آمده است. در پایان گزارش، اطلاعات دو کتاب مقایسه و جمع‌بندی و پیشنهادهایی نیز برای مؤلفان کتاب تاریخ‌شناسی ارائه شده است.

جدول شماره ۱. عناوین درس‌ها و سرفصل‌های کتاب تاریخ‌شناسی (ایران)

درس	موضوع (تم)	سرفصل‌ها
۱	انسان و تاریخ	تاریخ و مشاهده غیرمستقیم آن، تاریخ به‌عنوان شعبه‌ای از علوم انسانی، چگونه از گذشته‌ها مطلع شویم؟ مورخ کیست؟ اهمیت کار مورخان، مراحل انجام پژوهش تاریخی.
۲	زمان و اهمیت آن در تاریخ	پیدایش تقویم و اهمیت آن در زندگی بشر، مهم‌ترین مبدأهای تقویم در جهان، نگاهی به برخی از تقویم‌های جهان، پیشینه تقویم در ایران، تبدیل تاریخ-هجری شمسی، هجری قمری، میلادی
۳	جغرافیا بستر تحولات تاریخی	انسان و محیط جغرافیایی، پیوند جغرافیا و تاریخ، جغرافیای تاریخی، مرزها پدیده‌های جغرافیایی و تاریخی، نقشه‌های تاریخی.
۴	دنیای پر رمز و راز افسانه‌ها و حماسه‌ها	افسانه و تاریخ، فرهنگ شفاهی و پیدایش افسانه‌ها، عصر طلایی در تاریخ ملت‌ها، حماسه‌ها، تاریخ ایران پیش از اسلام براساس شاهنامه، کاربرد حماسه‌ها و افسانه‌ها در تاریخ، درجه اعتبار و ضعف افسانه‌ها در تاریخ‌نویسی، علوم مرتبط با افسانه‌ها و حماسه‌ها.
۵	آثار باستانی، مرز تاریخ و روشن تاریخ	آثار باستانی، باستان‌شناسی و باستان‌شناسان، مراحل کار باستان‌شناسی، تعیین سن آثار باستانی، کاربرد مطالعات باستان‌شناختی در تاریخ‌نویسی، ملاحظات مورخان در استناد به آثار تاریخی، حفظ آثار باستانی به‌عنوان مدارک تاریخی، موزه‌ها گنجینه‌های آثار باستانی.
۶	سکه‌ها آینه گذشته‌ها	سرگذشت سکه، چگونگی ساخت سکه در گذشته و حال، جنس سکه‌ها، واحدهای پول، روش کار در سکه‌شناسی، استفاده‌های تاریخی از هر سکه.
۷	هنر و تاریخ	تجسم گذشته در آثار هنری، نقاشی قدیمی‌ترین هنر انسانی، کاربرد نقاشی در تاریخ‌نویسی، حجاری و مجسمه‌سازی، کاربردهای مجسمه‌سازی و حجاری در تاریخ‌نویسی، نمایش و کاربرد نمایش در تاریخ‌نویسی، فیلم و سینما، کاربرد فیلم و سینما در تاریخ‌نویسی، عکس‌های تاریخی.
۸	ادبیات و تاریخ	مرز تاریخ و ادبیات، ادبیات در آینه تاریخ، تاریخ‌های منظوم، آداب الملوک‌ها، تاریخ در آینه ادبیات، طنز، ادبیات رمزی و تاریخ، منشآت و مکاتبات، شهرآشوب‌ها و تاریخ اجتماعی، ردپای تاریخ در ادبیات عامیانه.
۹	سفرنامه، گشت‌وگذار در سرزمین‌ها	اقامت و مسافرت، انگیزه‌ها و انواع سفر، سفرنامه چیست؟ سفرنامه چه کاربردی در تاریخ‌نویسی دارد؟
۱۰	زندگی‌نامه‌ها و تاریخ	تعریف زندگی‌نامه، زندگی‌نامه‌ها و خاطرات چنان‌نوشته می‌شوند؟ زندگی‌نامه‌ها در تاریخ‌نویسی چه کاربردی دارند؟
۱۱	اسناد تاریخی	اسناد، انواع اسناد، کاربرد اسناد، نکات مهم در مراجعه به اسناد تاریخی، قوت‌ها و ضعف‌های اسناد، بایگانی‌ها و مؤسسات نگهداری اسناد، وظایف مراکز اسناد
۱۲	نشریه‌ها و تاریخ‌نویسی	نشریات و اهمیت آن‌ها در زندگی انسان، انواع نشریات در گذشته و حال، آگاهی‌های تاریخی در نشریات، درجه اعتبار محتوای نشریات در مطالعات تاریخی، نقش نشریات در تحولات تاریخ معاصر ایران و شناخت آن‌ها
۱۳	مورخان و تاریخ ایران	مورخان و تاریخ ایران، دوره‌بندی تاریخ ایران، تاریخ‌نگاری در ایران، مورخان ایران، روش‌ها و بینش‌ها
۱۴	مورخان و تاریخ جهان	تقسیمات تاریخ جهان، تاریخ جهان، تاریخ سراسر کره زمین، تاریخ جهان عرصه وحدت انسانی و حاصل تمدن بشری، نقش پیامبران و مصلحان در تمدن بشری، پیدایش و مرگ تمدن‌ها و عبرت‌آموزی از آن، مسائل عصر ما (ماشینیسیم، آلودگی محیط زیست، ارتباطات)



جدول شماره ۲. (بخش اول)

موضوع (تم)	سرفصل‌ها	برخی فعالیت‌ها
درس ۱ آجرها، مهرها و استخوان‌ها تمدن «هاراپا»	آثار به‌جا مانده از تمدن هاراپا ^۱ مانند مُهرها، خانه‌ها، گلدان، زیورآلات، چگونگی استفاده از شواهد باستان‌شناسی برای کشف شیوه زندگی و فرهنگ، کشاورزی، ساخت‌وساز، روابط اجتماعی و اقتصادی، سفر، شیوه نگارش و چگونگی حکومت در گذشته‌ها، تفسیرهای باستان‌شناسی مشکل و پیچیده است و گاهی تغییر می‌کند یا جنبه‌هایی از تمدن‌های گذشته هیچ‌گاه روشن نخواهد شد.	پرسش‌ها و گفت‌وگوهای داخل متن/ در پایان درس پرسش‌هایی از متن/ تحلیل در مورد تصویر یک اسکلت به‌جای مانده از آن دوران/ نوشتن مقاله/ کار بر روی نقشه/ انجام یک پروژه ساده (مثل بازدید از موزه و نوشتن گزارشی از ده شیء داخل موزه)
درس ۲ پادشاهان، کشاورزان و شهرها دولت‌های اولیه و اقتصاد (۶۰۰ پیش از میلاد تا ۶۰۰ م)	حکمرانی‌های اولیه هندوستان، چگونگی کشف تاریخ هندوستان، فرمانروایان شش قرن پیش از میلاد یا ماهاجاناپاداس ^۲ ، تحول خط هندی، امپراتوری‌های اولیه (مائوریا) ^۳ پادشاهی‌های کوچک در جنوب شبه‌قاره، شاهان مقدس ^۴ ، استفاده از داستان‌ها و افسانه‌ها برای درک تاریخ، تحولات کشاورزی، روش‌های افزایش تولید کشاورزی، تفاوت‌ها در جوامع روستایی، زمین‌داران بزرگ، شهرها و بازرگانی، بازرگانی در داخل شبه‌قاره و خارج از آن، شاهان و سکه‌ها، چگونگی کشف رمز کتیبه‌ها، به‌دست آوردن شواهد تاریخی از کتیبه‌ها، محدودیت‌های مدارک کتیبه‌ای	پرسش‌های تشریحی از متن/ نوشتن یک مقاله ۵۰۰ کلمه‌ای راجع به یکی از موضوعات مشخص شده/ کار بر روی دو نقشه و مقایسه آن‌ها با هم و نتیجه‌گیری/ پروژه ارتباط دادن تاریخ و زمان حال مثلاً مطالبی را که سیاستمداران درباره پروژه‌های ملی با منطقه‌ای بیان می‌کنند با مطالبی که از کتیبه‌ها به‌دست آمده مقایسه کرده و نتیجه‌گیری کنند.
درس ۳ خویشاوندی، کاست و طبقه جوامع اولیه (۶۰۰ پیش از میلاد تا ۶۰۰ م)	نسخه تصحیح شده ماهابهاراتا ^۱ ، خویشاوندی و ازدواج- قوانین بسیار و رفتارهای متفاوت- وراثت از پدر در تاج و تخت، قوانین ازدواج، خاندان زن ^{۱۱} ، وراثت از مادر در تاج و تخت، تفاوت‌های اجتماعی- درون و بیرون چارچوب کاست یا طبقه اجتماعی- تولد در کاست یک خانواده و نتایج آن، تفاوت‌های اجتماعی و قرارداد اجتماعی، تاریخ‌نویسان و کتاب ماهابهاراتا، کتاب ماهابهاراتا متنی پویا	پرسش‌های تشریحی از متن/ نوشتن یک مقاله ۵۰۰ کلمه‌ای راجع به یکی از موضوعات مشخص شده/ کار بر روی دو نقشه و مقایسه آن‌ها با هم و نتیجه‌گیری/ انجام یک پروژه مطالعاتی بر روی کتاب ماهابهاراتا به دو زبان مختلف و مقایسه آن‌ها.
درس ۴ متفکران، اعتقادات، بناها پیشرفت‌های فرهنگی (۶۰۰ پیش از میلاد تا ۶۰۰ م)	نگاهی اجمالی به سانچی ^{۱۲} ، سابقه تاریخی- قربانی کردن و مباحثات- پرسش‌های جدید درباره زندگی پس از مرگ، ماورای لذایذ دنیوی- پیامی از ماهاویرا ^{۱۳} ، گسترش مذهب جینی ^{۱۴} ، بودا و تلاش برای روشنگری، آموزش‌های بودا، ادامه‌دهندگان راه بودا، معابد بودایی، چرا و چگونه معابد بودایی ساخته شدند، ساختار معابد، اکتشافات در معابد، حجاری‌های معابد، داستان‌های حجاری شده، نمادهای نیایشی، سنت‌های محبوب و مردمی، سنن مذهبی جدید- ماهایانا ^{۱۵} ، هندوئیسم خالص، - ساخت معابد، آیا ما می‌توانیم همه چیز را کشف کنیم- مشکلات بررسی مدارک و کتیبه‌های تاریخی	پرسش‌های تشریحی از متن/ نوشتن یک مقاله ۵۰۰ کلمه‌ای راجع به یکی از موضوعات مشخص شده/ کار بر روی نقشه و نشان دادن مناطق گسترش بودیسم. پروژه بررسی ادیان منطقه سکونت، کتاب مذهبی آن‌ها، نمادهایی که پرستش می‌کنند، بناها و ساختمان‌های معابد و مقایسه آن با معابد و پرستشگاه‌های کهن

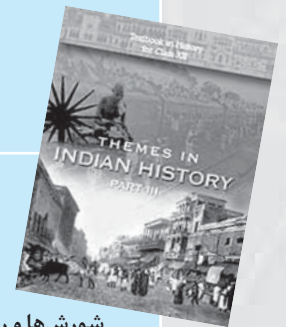
جدول شماره ۳ (بخش دوم)

موضوع (تم)	سرفصل‌ها	برخی فعالیت‌ها
درس ۵ از نگاه مسافران برداشت‌هایی از اجتماع (از قرن دهم تا هفدهم میلادی)	ابوریحان بیرونی، ماللهند (نوشته ابوریحان بیرونی) ^{۱۶} ، سفرنامه ابن بطوطه ^{۱۷} ، سفرنامه فرانسویس برنیه فرانسوی ^{۱۸} ، بیرونی و سنت‌های سانسکریت-توصیف نظام کاست، ابن بطوطه و شگفتی‌اش از عجایب هندوستان، برنیه و تصور او از تباهی شرق در مقایسه با غرب (حکومت مغول‌ها در هند)، برنیه و قابل درک نبودن تملک تمام زمین‌ها در هند توسط امپراتوران، واقعیت جامعه پیچیده هندوستان، زنان-بردگان، ساتی ^{۱۹} و کارگردان	یادداشتی در معرفی ماللهند بیرونی بنویسید/ مقاله‌ای کوتاه در مورد تأثیر گزارش برنیه برای تغییر روستاها در دوران حاضر بنویسید/ گزارشی از سفر یکی از اقوام به خارج از منطقه سکونتتان بنویسید و تفاوت‌ها و شباهت‌های مناطقی را که آن‌ها دیده‌اند با منطقه خودتان در زمینه‌های مختلف بنویسید.
درس ۶ سنت‌ها و رسوم بکتی (bhakti) - صوفی تحول در اعتقادات مذهبی و متون نیایشی (از قرن هشتم تا قرن هجدهم میلادی)	تلفیق فرقه‌های مذهبی، تفاوت‌ها و تضادهای مذهبی، شاعران و نیایشگران بکتی (bhakti) ^{۲۰} ، خدایان شیوا و ویشنو، نگرش‌ها به نظام کاست، رابطه مذاهب با دولت‌ها، سنت ویراشایوا ^{۲۱} ، «نیرگانا» از بکتی‌ها که به خدای نادیدنی معتقد بودند، ناآرامی‌های مذهبی در شمال هند، بررسی متون نیایشی و اعتقادات، ورود اسلام به هند و عمومی شدن آن، تأثیرات سنت هندی بر اسلام، گسترش صوفیان چشتی ^{۲۲} در شبه‌قاره، قرابت بین آموزه‌های بکتی و صوفیه، طریقت‌های جدید پارسی در شمال هندوستان، چگونگی نگارش یا بازسازی تاریخ سنت‌های مذهبی در هندوستان	پرسش‌هایی که با استنباط از متن کتاب باید به آن پاسخ داد به صورت تشریحی/ تعیین مکان آرامگاه‌های مهم صوفیان هند و معابد خدایان هندی بر روی نقشه/انتخاب یکی از دو پروژه گزارشی درباره متفکران و اساتید مذهبی نام برده شده در درس/ یا گزارشی درباره کارهایی که زائران در آرامگاه‌های صوفیان انجام می‌دهند
درس ۷ پایتخت یک امپراتوری: ویجایانگارا (از قرن چهاردهم تا شانزدهم میلادی)	اکتشاف همپی ^{۲۳} ، رایاها، نایاکاها و سلطان‌ها ^{۲۴} . ویجایانگارا و محیط اطراف آن، منابع آب شهر، استحکامات و جاده‌ها، مرکز شهر، ارگ سلطنتی و بخش‌ها و ساختمان‌های مختلف آن، مکان مقدس در ارگ سلطنتی و ویژگی‌های آن	پرسش‌هایی از متن، نوشتن مقاله درباره الهام گرفتن مهندسان شهر از سنت‌ها، نشان دادن راه‌هایی که مسافران از کشورهای مختلف می‌توانستند به ویجایانگارا برسند بر روی نقشه، انجام پژوهشی در مورد شهرهایی که بین قرون چهارده تا هفدهم میلادی در شبه‌قاره ساخته شد.
درس ۸ دهقانان، زمینداران و دولت جامعه آگراریان و امپراتوری مغول (قرن‌های شانزدهم و هفدهم میلادی)	دهقانان و محصولات کشاورزی، به دنبال منابع تاریخی در مورد دهقانان، دهقانان و زمین‌هایشان، فناوری‌های آبیاری، فراوانی غلات در کشاورزی دو فصله (بهار و پاییز)، اجتماع روستایی، نظام طبقاتی (کاست) و محیط فرهنگی روستا، کدخدایان، صنعت‌گران روستا، زنان در اجتماع روستایی، جنگل‌ها و قبایل جنگلی، زمینداران، نظام درآمدی زمین کشاورزی، ورود نقره به هند به‌عنوان وسیله‌ای برای تبادل کالا، کتاب آیین اکبری از ابوالفضل علامی ^{۲۵}	پرسش‌هایی از متن، نوشتن یک مقاله کوتاه درباره تأثیر نظام کاست بر روابط اقتصادی در جامعه آگراری، بر روی نقشه ارتباطات اقتصادی امپراتوری مغول را نشان دهید، پروژه بازدید از یک روستا و گزارشی از آن در مورد تعداد اهالی روستا، نوع محصول، نوع دام‌ها، صنعتگران روستا، مالکیت زمین توسط زنان، مدیریت محلی روستا و مقایسه آن با آنچه در این درس خواندید.
درس ۹ پادشاهان و روزنگاری‌ها دربار مغول (قرن‌های شانزدهم و هفدهم)	مغول‌ها و امپراتوری آن‌ها، نگارش روزنگاری‌ها، ترک‌هایی که به زبان فارسی می‌نگاشتند، چگونگی تدوین یک کتاب خطی یا دست‌نوشته، تصاویر رنگی کتاب‌ها، اکبرنامه و پادشاه‌نامه ^{۲۶} ، پادشاهی ایده‌آل ^{۲۷} ، یک نیروی یکپارچه (ایجاد صلح و عدالت بین جوامع هندو، جینی، زرتشتی و مسلمان)، استقلال به‌عنوان یک قرارداد اجتماعی ^{۲۸} ، پایتخت‌ها و دربارها، عناوین درباری و خلعت‌ها، اندرونی امپراتوری یا حرم، مقامات امپراتوری، آمار و اطلاعات امپراتوری فرمانداران ایالات، خارج از حصار دربار، ارتباطات سیاسی با ایران و قندهار، زائران و بازرگانان عثمانی، میسیونرهای مذهبی اروپایی در دربار مغول، بحثی درباره مذهب رسمی آن دوران	پرسش‌هایی از متن، نوشتن مقاله‌ای کوتاه درباره ویژگی‌های مشخص روزنگاری‌های دربار مغول، بر روی نقشه روابط فرهنگی و سیاسی مغول‌ها را با دیگر نقاط دنیا نشان دهید. انجام یک پروژه مقایسه بین شیوه حکومت در زمان حاضر با دربار مغول با توجه به حکومتگری ایده‌آل، مراسم و مقررات دربار، روش‌های استخدام نیرو برای حکومت و تعیین شباهت‌ها و اختلافات در دو دوره.



جدول شماره ۴ (بخش سوم)

موضوع (تم)	سرفصل‌ها	برخی فعالیت‌ها
درس ۱۰ استعمار و زمین‌های کشاورزی، بررسی بایگانی‌های رسمی	بنگال و زمینداران ^{۲۹} ، بیل‌ها و خیش‌ها ^{۳۰} ، شورش در مناطق کشاورزی و فلات دکن در بمبئی، سوزاندن کتاب‌های حراج زمین، نظام جدید مالیات بر زمین، تقاضای مالیات و کشاورزان مقروض، شروع کشت پنبه ^{۳۱} ، کاهش قیمت پنبه، فقر و بی‌عدالتی و مقروض شدن بیشتر کشاورزان، گزارش کمیسیون بررسی علل شورش در فلات دکن.	پرسش‌هایی از متن، نوشتن مقاله‌ای کوتاه درباره چرا زمین‌های کشاورزی پس از اقامت دائمی حراج شد؟ در یک نقشه مناطق سکونت دائمی و مناطقی را که در این درس از آن یاد شده نشان دهید، انجام یک پروژه در زمینه بررسی یکی از اسناد مربوط به آن دوره که منتشر شده است و ارائه گزارشی در مورد موضوعاتی که در این درس به آن اشاره شده است با تمرکز بر راه‌هایی که تاریخ‌نویسان می‌توانند از این اسناد به‌عنوان یک منبع تاریخ‌نویسی استفاده کنند.
درس ۱۱ شورش‌ها و راج، شورش ۱۸۵۷ و نتایج آن	الگوی قیام، قیام‌ها چگونه آغاز می‌شود، خطوط ارتباطی شورشیان، رهبران و پیروان، شایعات و پیشگویی‌ها ^{۳۲} ، چرا مردم شایعات را باور می‌کردند؟، قیام اوده ^{۳۳} ، شورشیان چه می‌خواستند؟، چشم‌انداز اتحاد بین مسلمانان و هندوها، مخالفت با همه نمادهای ظلم ^{۳۴} ، به‌دنبال قدرت جایگزین، سرکوبی قیام، تصاویری از قیام ^{۳۵} ، اعمال ترور و وحشت در مناطق شورشی با کشتن و اعدام شورشیان، زمانی برای ترحم نیست، تصاویر ملی‌گرایانه از قیام ۱۸۵۷ در قرن بیستم در آثار هنری و فیلم‌های سینمایی	پرسش‌هایی درباره متن، در یک نقشه مکان شهرهایی را که انگلیس بیشترین نیروها را در آن داشت و نیز مکان‌هایی را که قیام در آن گسترش یافت نشان دهید. این مناطق چقدر دور یا نزدیک به شهرهای مستعمرنشین بودند. پروژه: زندگی‌نامه یکی از رهبران قیام را مطالعه و منابعی را که نویسنده از آن استفاده کرده بررسی کنید. آیا نویسنده از گزارش‌های دولتی، روزنامه‌ها و تاریخ شفاهی استفاده کرده است؟
درس ۱۲ شهرهای استعماری، شهرنشینی و طراحی و معماری شهرها	شهرهای کوچک و بزرگ قبل از دوران استعمار، چه چیزی شخصیت یک شهر را می‌سازد؟، تغییرات شهرها در قرن هجدهم، یافتن اطلاعات درباره شهرهای دوران استعمار، بایگانی‌های دوران استعمار، مسیرهای تغییر در شهرها، شهرهای جدید شبیه چه بودند (بنادر، لنگرگاه‌ها و مراکز خدمات)، محیط فرهنگی جدید در شهرها، شهرک‌های انگلیسی ^{۳۶} زندگی اجتماعی در شهرهای جدید، جداسازی شهری (بخش انگلیسی و بخش هندی)، طراحی شهرها و معماری شهرهای مدرس، کلکته و بمبئی، شیوه معماری سبک ساختمان‌های دوران استعمار به ما چه می‌گویند؟	پرسش‌هایی درباره متن کتاب، با استفاده از یک نقشه مکان شهرهای ذکر شده در متن را مشخص کنید و درباره وضعیت این شهرها و اهمیت آن‌ها و تغییراتشان قبل و بعد از دوران استعمار گزارش کوتاهی بنویسید. پروژه: پنج ساختمان مختلف در شهر یا روستایتان انتخاب و بررسی کنید که این ساختمان‌ها چه زمانی ساخته شده‌اند، طراحی و معماری آن‌ها چگونه است، برای ساخت آن‌ها از چه مصالحی استفاده شده و ساخت آن‌ها چه مدت طول کشیده است. معماری ساختمان و ویژگی‌های آن چه چیزی را بیان می‌کند.
درس ۱۳ مهاتما گاندی و نهضت ملی هند، نافرمانی مدنی و ماورای آن	رهبری که خود را با فعالیت‌هایش می‌شناساند، نهضت عدم همکاری با حاکمان انگلیسی، یک رهبر مردمی، مطالعه موردی عدم همکاری نمک ^{۳۷} ، جنبش هند آزاد، آخرین روزهای قهرمان، شناخت بیشتر گاندی با استفاده از منابع مختلف	پرسش‌هایی از متن، نوشتن مقاله: چگونه عدم همکاری شیوه‌ای از اعتراض است؟ مسیر راهپیمایی دندی (راهپیمایی نمک) را بر روی نقشه نشان دهید، زندگی‌نامه دو نفر از رهبران نهضت ملی هند را بخوانید و آن‌ها را از نظر تفاوت دیدگاه‌ها بررسی کنید و نقد خود را در این مورد بنویسید.



<p>پرسش‌هایی از متن، نوشتن مقاله‌ای کوتاه: چرا هند دو پارچه شد؟ در یک نقشه جنوب آسیا نقاط A, B, C را که پیشنهاد کمیته منتخب دولت بود^{۳۹} نشان دهید و بگویید آیا این پیشنهاد با وضعیت فعلی نقشه سیاسی جنوب آسیا تطابق دارد؟ پروژه: درباره خشونت‌های نژادی منجر به تجزیه کشور یوگسلاوی اطلاعاتی به دست آورید و یافته‌های خود را با آنچه در این فصل خواندید مقایسه کنید</p>	<p>یک نکته بسیار مهم^{۳۸}، چرا و چگونه جدایی هند و پاکستان رخ داد؟ از بین رفتن نظم و قانون در فرایند جدایی، جدایی نسلی و خانواده‌ها، تفاوت وضعیت در مناطق مختلف کشور هنگام جدایی، شواهدی از کمک کردن مردم به یکدیگر، انسان‌دوستی و هماهنگی بین مردم از مذاهب مختلف، مرز بین تاریخ شفاهی و شهادت افراد درباره یک واقعه و تاریخ</p>	<p>درس ۱۴ درک جدایی سیاست، خاطرات و تجربیات</p>
<p>پرسش‌هایی از متن، نوشتن یک مقاله کوتاه: چه نیروهای تاریخی چشم‌انداز قانون اساسی را شکل داد؟ پروژه: یکی از مهم‌ترین تغییرات بندهای قانون اساسی را که در سال‌های اخیر رخ داده است انتخاب کرده، دلایل تغییر، نظرات مخالفان و موافقان و زمینه تاریخی این تغییرات را پیدا کنید. بحث‌های تغییر قانون اساسی را می‌توانید در این سایت پیدا کنید: http://parliamentofindia.nic.in/Ls/debates/debates.htm</p>	<p>زمانی پر هیاهو^{۴۰}، تشکیل مجلس، تدوین قانون اساسی، صدهای غالب در تدوین قانون اساسی^{۴۱}، چشم‌انداز قانون اساسی، اراده مردم، تعریف حقوق افراد ملت و مشکلات تعیین حقوق آحاد یک ملت با ویژگی‌های متفاوت، قدرت ایالات در قانون اساسی، زبان ملی و مشکلات تعیین زبان ملی^{۴۲}</p>	<p>درس ۱۵ طراحی چارچوب قانون اساسی آغاز دوره‌ای جدید</p>

دوازدهم کتاب تاریخ‌شناسی، اما با شیوه‌های متفاوت، توجه کرده است.

● کتاب درسی هندوستان، تاریخ این کشور را از دوره‌ای کهن آغاز کرده و تا دوره معاصر پیش می‌آید. کتاب تاریخ‌شناسی نیز برای هر موضوعی که ارائه کرده است سیر زمانی را رعایت کرده است و اگرچه موضوعات این کتاب تأکید بیشتری بر تاریخ ایران دارد اما به دلیل نوع محتوا و موضوع انتخاب شده هر دو تاریخ ایران و جهان مورد توجه است.

● در کتاب تاریخ هندوستان، با توجه خاص به نقشه، برای هر درس یک فعالیت پایانی کار بر روی نقشه پیش‌بینی شده است. بدین ترتیب شاید انتظار مؤلفان کتاب تاریخ هندوستان این است که بستر جغرافیایی یک موضوع تاریخی بیشتر درک شود. در کتاب تاریخ‌شناسی، یک فصل برای این موضوع تحت عنوان «جغرافیا بستر تحولات تاریخی» آمده است. در کتاب تاریخ پیش‌دانشگاهی هیچ نوع فعالیتی بر روی نقشه‌های جدید برای درک مفاهیم تاریخی پیش‌بینی نشده است.

● دو فصل آخر کتاب تاریخ‌شناسی یعنی «مورخان و تاریخ ایران» و «مورخان و تاریخ جهان» فقط در این کتاب وجود دارد و در کتاب تاریخ هندوستان این موضوع مطرح نیست. در کتاب تاریخ هندوستان نگاه روزنامه‌نگاران و هنرمندان انگلیسی، اروپایی و آمریکایی به موضوع قیام سال ۱۸۵۷ هندوستان مورد توجه قرار گرفته است.

● در کتاب تاریخ هندوستان به تناسب، سایت‌های اینترنتی

جمع‌بندی

در این مختصر، سعی می‌شود به برخی از مهم‌ترین تفاوت‌ها و شباهت‌های دو کتاب که با مطالعه دقیق‌تر آن‌ها صورت گرفته است اشاره‌ای شود.

مقایسه ظاهری دو کتاب

- حجم کتاب تاریخ‌شناسی پیش‌دانشگاهی کمتر از نصف کتاب تاریخ هندوستان است.
- هر دو کتاب به صورت رنگی منتشر شده‌اند.

مقایسه محتوایی

- محتوای کتاب تاریخ‌شناسی به روش‌ها و ابزارهای شناخت تاریخ می‌پردازد در حالی که کتاب تاریخ هندوستان دانش آموز را با تاریخ هند از ابتدا تا دوران معاصر آشنا می‌سازد.
- کتاب تاریخ هندوستان به موضوعات تاریخ‌شناسی در ضمن ارائه محتوای تاریخی و انجام فعالیت‌ها توجه داشته است. از این رو در این کتاب به موضوعات باستان‌شناسی و نقش آن در آشنایی با تاریخ، تاریخ شفاهی، استفاده از جراید و روزنامه‌ها برای درک موضوعات تاریخی، استفاده از کتاب‌های حماسی، نقاشی‌ها، مجسمه‌ها، حجاری‌ها و کتاب‌های مذهبی و سفرنامه‌ها برای شناخت تاریخ توجه کرده است. تغییرات جغرافیایی و کشاورزی در تحولات تاریخی نیز مورد توجه قرار گرفته است. از این نظر می‌توان گفت که کتاب تاریخ هندوستان با فصل‌های سوم تا

معتبر برای کسب اطلاعات اضافی یا انجام پروژه‌ها معرفی شده‌اند که این مورد در کتاب تاریخ‌شناسی مشاهده نمی‌شود.

● در کتاب تاریخ هندوستان موضوع استفاده از تاریخ شفاهی و تفاوت آن با تاریخ مستند مورد توجه قرار گرفته است. در کتاب تاریخ‌شناسی، متنی با عنوان تاریخ شفاهی برای مطالعه بیشتر در انتهای درس دهم آمده است.

● در کتاب تاریخ هندوستان منابع و متون مذهبی و حجاری‌ها و سنگ‌تراشی‌های معابد به‌عنوان یکی از ابزارهای شناخت تاریخ معرفی شده است که در کتاب تاریخ‌شناسی مورد توجه قرار نگرفته است.

● کتاب تاریخ هندوستان به مناسبت‌های مختلف، در مورد نقش زنان در تاریخ آن کشور مطالبی ارائه کرده است. کتاب تاریخ‌شناسی نیز در درس سفرنامه‌ها به وضعیت زنان ایران با توجه به سفرنامه‌های خارجی و مقایسه آن با وضعیت کنونی پرداخته است.

● کتاب تاریخ هندوستان موضوع سفرنامه‌های ابوریحان بیرونی، ابن بطوطه و فرانسیس برنیه را درباره تاریخ فرهنگی و اجتماعی مردم هند مورد بررسی قرار داده است، در حالی که در کتاب تاریخ‌شناسی به اصل موضوع سفر و سفرنامه بیشتر عنایت داشته است و ضمن طبقه‌بندی انواع سفر، متنی نیز از ابن بطوطه آورده است که مربوط به کشور مالی است.

● هر دو کتاب به انجام پژوهش توسط دانش‌آموزان تأکید دارند. در کتاب تاریخ هندوستان برای هر درس ۲ فعالیت پروژه‌ای پیش‌بینی شده است که هر دانش‌آموز باید یکی از آن‌ها را انتخاب کند و انجام دهد. پروژه‌های کتاب درسی تاریخ‌شناسی در مقایسه با پروژه‌های کتاب تاریخ هندوستان شفافیت کمتری دارند و برخی از آن‌ها بدون توجه به امکانات قابل دسترس دانش‌آموزان طراحی شده است. به‌عنوان مثال به این فعالیت اشاره می‌شود که در صفحه ۱۴ کتاب آمده است.

O یکی از کتاب‌های جغرافیای تاریخی نظیر المسالک و الممالک تألیف ابن خردادبه یا صورة الارض تألیف ابن حوقل را از کتابخانه تهیه کنید و با کمک دبیر خود سابقه تاریخی نام خلیج فارس را با استفاده از آن بررسی کنید.

پیشنهادها

اگرچه بازخوردهای دریافت شده از کتاب تاریخ‌شناسی نشان می‌دهد که این کتاب، کتاب موفق بوده است، اما با توجه به زمان زیادی که از تألیف این کتاب گذشته است ضرورت بازنگری و اصلاح در محتوای آن احساس می‌شود. از سوی دیگر با توجه به اهداف مطالعات تطبیقی (که یکی از آن‌ها می‌تواند استفاده از تجربیات دیگر کشورها در نظام آموزشی باشد)، مناسب خواهد بود که این بازنگری با استفاده از تجربیات دیگر کشورها انجام می‌شود. از این رو برخی از پیشنهادها حاصل از این مطالعه برای استفاده در اصلاح کتاب درسی تاریخ‌شناسی ارائه می‌شود:

● موضوع فناوری‌های نوین در کتاب، مورد توجه قرار نگرفته است. بدیهی است اینترنت، سایت‌های تاریخی، مجلات یا کتاب‌های تاریخی که از اینترنت قابل دریافت هستند، تصاویر تاریخی، بازدیدهای مجازی از موزه‌های بزرگ جهان، از نکاتی است که می‌تواند در متن کتاب درسی و فعالیت‌های اندیشه و جست‌وجو مورد توجه قرار گیرد. از سوی دیگر برخی ابزارهای نوین که در کار تاریخ‌نگاران می‌تواند بسیار کمک نماید مورد توجه قرار نگرفته است. مانند نرم‌افزارهای اصلاح یک عکس قدیمی، نرم‌افزارهای تشخیص خط، ابزارهای نوین مرمت آثار باستانی و غیره.

● فعالیت‌های کتاب همان‌طور که در مثال ذکر شده در جمع‌بندی بالا مشاهده می‌شود، نیازمند بازنگری هستند. فعالیت‌ها باید از جنبه قابل انجام بودن، قابل فهم بودن، مشخص کردن مراحل انجام یک فعالیت، حجم گزارش، تعداد فعالیت‌هایی که یک دانش‌آموز در طول سال تحصیلی باید انجام دهد و ارائه فعالیت‌های جالب^۴ مورد بازنگری واقع شوند.

● پیشنهاد می‌شود درس سفرنامه‌ها به جای طبقه‌بندی انواع سفر و سفرنامه به معرفی سفرنامه‌های مهم و ارائه بخش‌هایی خواندنی جالب از چند سفرنامه که مرتبط با وضعیت اجتماعی و فرهنگی مردم ایران و دیگر کشورهای جهان است بپردازد. مثلاً شعرخوانی فارسی شاهزادگان چینی در کتاب سفرنامه ابن بطوطه.

● استفاده از نقشه در فعالیت‌ها می‌تواند به درک بهتر موضوع تاریخ در دانش‌آموزان منجر شود. مثلاً کار بر روی نقشه‌ای که در سکه‌های قدیمی پیدا شده است، موضوع جالب گنج‌نامه‌ها به‌عنوان متن‌های خواندنی، کار بر روی نقشه به‌خصوص برای درس سوم با عنوان «جغرافیا بستر تحولات تاریخی»، مسیر حرکت جهانگردان بر روی نقشه برخی از مواردی است که می‌تواند به استفاده از نقشه‌بینجامد.

● درس هفتم کتاب، یعنی «هنر و تاریخ» می‌توانست از تصاویر بیشتری استفاده نماید تا علاوه بر جذابیت بصری، درک عمیق‌تری از موضوع به‌دست بیاید.

پی‌نوشت‌ها

۱. برخی از کتاب‌های به زبان فارسی در زمینه آموزش و پرورش تطبیقی عبارت‌اند از:
 - کوی لوتان، مترجم یمینی سرخایی محمد، آموزش و پرورش تطبیقی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۸
 - فرجاد، محمدعلی، آموزش و پرورش تطبیقی، رشد، ۱۳۸۸
۲. با توجه به اختیارات ایالتی در کشور هندوستان، درس مطالعات اجتماعی بین ۴ تا ۵ ساعت در هفته تدریس می‌شود. کتاب‌های مرکز ملی پژوهش‌های آموزشی و تربیت معلم NCERT از پایه اول تا دوازدهم در برخی ایالت‌ها مانند آسام، چندینگر، گوا، کرالا و دهلی استفاده می‌شود. کتابی که برای مقایسه با کتاب تاریخ‌شناسی پیش‌دانشگاهی انتخاب شده است از تولیدات این مرکز است. بقیه ایالات از منابع درسی دیگری استفاده می‌کنند. منبع:
۳. برداشتی از: راهنمای برنامه درسی تاریخ دوره پیش‌دانشگاهی، ۱۳۸۳
4. Social Study
5. Social science
۶. تمدن دره سند به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین شگفتی‌های معماری جهان، که در زمان

۱۵. در سنت جدید بودایی، بودا تنها کسی است که توانسته به رستگاری دست یابد و بارها کردن جهان به کمک دیگران همت گمارده است. از این رو پرستش تصاویر و مجسمه‌های بودا از این پس رواج یافت. (منبع: کتاب تاریخ هندوستان پایه دوازدهم)

۱۶. کتاب مالهند نوشته ابوریحان بیرونی به زبان عربی نوشته شده است و در ۸۰ فصل به موضوعاتی مانند مذهب، فلسفه، جشن‌ها، ستاره‌شناسی، کیمیاگری، رفتارها، رسوم، زندگی اجتماعی، توزین و اندازه‌گیری، نمادها و قوانین در شبه‌قاره هند می‌پردازد. (منبع: همان)

۱۷. کتاب سفرنامه ابن بطوطه مغربی به زبان عربی نوشته شده است و از جمله حاوی جزئیات بسیاری از زندگی اجتماعی و فرهنگی شبه‌قاره هند در قرن چهاردهم میلادی است. این سیاح مراکشی در خانواده‌ای تحصیل کرده و فقیه رشد کرد. (منبع: همان)

۱۸. فرانسس برنیه پزشک، فیلسوف سیاست و تاریخ‌نویس فرانسوی است. او در زمان امپراتوری مغول‌ها به هندوستان سفر کرد و از سال ۱۶۵۶ تا ۱۶۶۸ به مدت دوازده سال در این کشور ماند. او به‌عنوان یک پزشک در دربار شاهزاده «دارا شکوه» فرزند ارشد «شاه جهان» خدمت کرد و از این دوران گزارشی را نوشت که به‌عنوان یک منبع تاریخی در شناخت تاریخ هند قابل استفاده است. (منبع: همان)

۱۹. رسم ساتی، یک آیین مذهبی در میان جوامع هندی بوده که در آن، زنی که شوهرش را به تازگی از دست داده بود، در مراسم ختم شوهرش، خودش را آتش می‌زد. در هند باستان این رسم اهمیت فرهنگی و دینی بسیاری داشت و نشانه وفاداری زن به شوهر تلقی می‌شد. هر چند بیشتر ساتی‌ها به‌صورت داوطلبانه انجام می‌گرفت اما فشارهای خانوادگی و اجتماعی و اجبارها زن را به شرکت در این مراسم وامی‌داشت. رسم ساتی هم در بین زنان عادی و هم در بین زنان اشرافی رایج بود و یک فریضه دینی محسوب می‌شد. سال‌ها بعد با به قدرت رسیدن فرمانروایان مسلمان در هند، ساتی نمادین به‌وجود آمد که در این مراسم زن بیوه در کنار شوهر مرده خود زانو می‌زد و کلماتی را که نشانه وفاداری به او بود بر زبان می‌آورد بدون اینکه مجبور به سوزاندن خود باشد. منبع:

Sati, the blessing and the curse: (Hawley, John C. (1994) Oxford University Press. the burning of wives in India pp. 102, 166



برگی از اشعار سوگاری نوعی خوشنویسی شاعر خراسانی کوچیده به هند با نگاره‌ای از محمدقاسم، نیمه نخست قرن هفده میلادی

۲۰. بکتی به معنای نیایش و ایثارگری در راه خداست. معانی دیگری مانند «عشق شدید برای خدا» و «جذب شدید برای خدا» یا «راه دلدادگی» هم گفته شده است. این آیین که شامل نیایش‌های شفاهی است گاهی با آوازخوانی همراه می‌شود و به محتوای اصلی شاخه‌های مذهب هندوئیسم اتصال دارد. در سنن اولیه بکتی، نیایش‌ها به خدایانی مانند شیوا و ویشنو و آواتارهای آن‌ها یا تجسد آن‌ها اختصاص داشت. الهه و ابلیس نیز در این آیین حضور دارند. همه این خدایان اغلب در قالب انسان انگاری مفهوم‌سازی می‌شوند. در اشکال جدیدتر بکتی، نیایش‌ها برای یک خدای مجرد و غیرتجسیدی انجام می‌شود.

«و من، خداوند متعال، که به‌صورت روح متعال در قلب هر روح کالبدگرفته‌ای سکنی دارم، «آدمی یا گنیا» نامیده می‌شوم و هر کسی که در لحظه پایان زندگی، تنها مرا به خاطر آورد و بدنش را ترک گوید، بی‌درنگ به طبیعت من واصل می‌گردد و جای هیچ گونه تردید در این باره نیست.» («بهاگوااد گیتا، فصل ۱-۸)

بکتی‌ها سنن پرستش هندوئیسم، نظام کاست یا طبقاتی (طبقه‌بندی کردن مردم به روحانیون، اشراف و امرا، کشاورزان و صنعتگران، خدمتکاران و چاکران) و استفاده از زبان سانسکریت را در نیایش‌ها و گفت‌وگو با مردم به چالش کشیدند و ضمن رد آن‌ها با مردم با زبان عادی‌شان صحبت می‌کردند.

اوج خود به تمدن هاراپا (Harappan Civilization) شهرت داشته، در زمرة اولین سکونتگاه‌های شهری بزرگ در همه قاره‌ها بوده است.

۷. شانزده حکومت که قرن‌ها بر بخشی از شبه‌قاره سلطه داشتند، از قبیل ماگادها، کوشالا، کورو، گاندها که به‌تدریج به‌وجود آمده و از بین رفتند. این حکومت‌ها را در مجموع ماهاجانپاداس می‌نامند. بیشتر این حکمرانی‌ها تنها یک حاکم داشتند و برخی نیز به‌صورت الیگارشی یا توسط گروهی از ثروتمندان اداره می‌شدند. جاناپادا در زبان سانسکریت به معنای سکنی گزیدن یک قوم یا قبیله در یک مکان است. منبع: (کتاب تاریخ هندوستان پایه دوازدهم)

۸. امپراتوری ماوریای (The Maurya Empire) در بین سال‌های ۳۲۲ تا ۱۸۵ پیش از میلاد بر منطقه وسیعی از شرق شبه‌قاره هند حکمفرمایی می‌کردند. مرکز حکومت آن‌ها پاتالیپوترا بود که اکنون پاتنا نامیده می‌شود. (منبع: همان)

۹. کوشانا (Kushana) یک قرن پیش از میلاد تا یک قرن پس از میلاد سرزمین وسیعی از آسیای مرکزی تا شمال غربی شبه‌قاره هند از جمله افغانستان و پاکستان فعلی را شاهان کوشانا در تسلط خود داشتند. سکه‌ها و حجاری‌های زیادی از آن دوره به‌دست آمده است. (منبع: همان)

۱۰. کتاب مهابهاراتا از مفصل‌ترین کتاب‌های شعر حماسی جهان است که برخی از نسخه‌های آن بیش از ۲۰۰ هزار بیت دارد. این کتاب از حدود ۵۰۰ سال قبل از میلاد تا ۵۰۰ سال پس از آن نگارش شده است. از میان اشعار این کتاب می‌توان تا حدودی به وضعیت اجتماعی و تاریخی هند پی برد. از این رو این کتاب به‌عنوان یکی از منابع تحقیق در زمینه تاریخ هندوستان محسوب می‌شود. محتوای نسخه‌های مختلف این کتاب در قالب یک پروژه علمی و با شرکت ده‌ها پژوهشگر دانشگاهی در سال ۱۹۱۹ مورد بازنگری نقادانه قرار گرفت. داستان دو پسرعموی متخاصم، داستان محوری این کتاب است و موافقت یا مخالفت قهرمانان داستان با هنجارهای اجتماعی در این کتاب روایت شده است. منبع:

W.J.Johnson (1998). The Sautikaparvan of the Mahabharata: The Massacre at Night. Oxford University

۱۱. گوترا -gotra- یا خاندان. در کتاب ماهابهاراتا آمده است که زنان پس از ازدواج، تبار پدری خود را از دست داده و عضو خاندان شوهر می‌شوند. به علاوه دو نفر از یک خاندان نمی‌توانند با هم ازدواج کنند. (منبع: کتاب درسی تاریخ هندوستان پایه دوازدهم)

۱۲. Sanchi یک سایت باستانی متعلق به بوداییان هند است که مدت ساخت، حجاری‌ها و کتیبه‌های آن بیانگر ۱۳۰۰ سال از تاریخ هند است. شروع آن به قرن سوم پیش از میلاد و پایان آن به قرن اول میلادی می‌انجامد. این بنا شگفت‌انگیزترین بنای تاریخی در بوپال هند است که در منطقه سانچی کاناکرا واقع شده است. شاه جهان بیگم و وارثش سلطان جهان بیگم از حکمرانان منطقه در حفظ این سایت تلاش کرده‌اند. منابع:

کتاب درسی تاریخ هندوستان پایه دوازدهم
صفحه پیمان میراث جهانی یونسکو (UNESCO/CLT/WHC)



۱۳. براساس منابع چینی یا جنی، یکی از ادیان هندی، ماهویرا در قرن ششم پیش از میلاد به همراه ۲۳ نفر از اساتیدی که او را یاری می‌کردند مردان و زنان را برای عبور از مسیر زندگی یا رودخانه وجود راهنمایی می‌کردند.

۱۴. مذهب که از حدود ۷۰۰ تا ۵۰۰ قبل از میلاد در هندوستان آغاز شده و رشد کرده است. پایه این مذهب بر خلوص روح و آزادی روح است. براساس اعتقادات این مذهب همه جانوران و گیاهان روح دارند و باید به آن‌ها احترام گذاشت. این مذهب بر فلسفه زندگی، هنر، ساختمان‌سازی، ریاضیات و ستاره‌شناسی و طالع‌بینی در هندوستان تأثیرات شگرفی گذاشته است. مذهب جینی در کنار هندوئیسم و بودائیسم از مذاهب هندی هستند که هنوز پیروان خود را دارند.

(<http://www.britannica.com/EBchecked/topic/299478/jainism>)

(این توضیح با استفاده از ویکی‌پدیای انگلیسی (<http://en.wikipedia.org/wiki/Bhakti>) متن کتاب درسی تاریخ هندوستان پایه دوازدهم - کتاب اول - صفحه ۱۴۳ و ترجمه‌متنی از کتاب «پهاگاواد گیتا» کتاب مشهور یکتی‌ها تهیه شده است.)

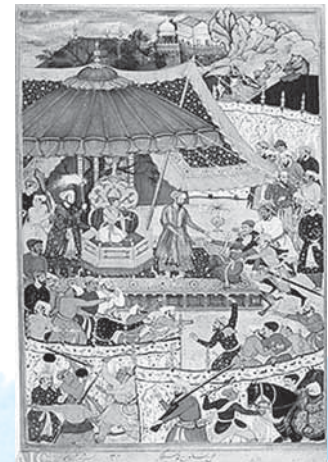
۲۱. در قرن دوازدهم میلادی یکی از برهمنان به نام «کاماتاکا» که مذهب جینی داشت در برخی اعتقادات پیشین تغییراتی داد. پیروان او را ویراشایوا (Virashaivas) به معنای «قهرمانان شیوا» می‌نامند. این گروه موضوع تناسخ و بازگشت روح به یک جسم دیگر را مورد تردید قرار دادند. اجساد مردگان خود را دفن می‌کردند، با ایده نظام طبقاتی یا کاست مخالفت کردند و نجس بودن گروهی از مردم را برنمی‌تافتند. آن‌ها ازدواج پس از سن بلوغ و ازدواج مجدد بیوه‌ها را ترغیب می‌کردند. (منبع: کتاب درسی تاریخ هندوستان پایه دوازدهم)

۲۲. چشتی‌ها (Chishtis) یکی از فرقه‌های صوفیه که نام آن‌ها منتسب به قصبه‌ای است در هرات و رهبران اولیه آن‌ها از این قصبه برخاسته‌اند.

۲۳. ویجایانگارا - Vijayanagara - یا شهر پیروزی، نام یک شهر و یک امپراتوری است. این امپراتوری در قرن چهاردهم تأسیس شد. در سال ۱۵۶۵ شهر در یک سیلاب به زیر آب رفت و پس از آن به تدریج تبدیل به یک صحرا شد. در خاطره مردمانی که در اطراف این صحرا زندگی می‌کردند این شهر به نام همپی - Hampi - شناخته می‌شد. همپی نام یکی از الهه‌های مادر در این منطقه بود. باستان‌شناسان از سال ۱۸۰۰ به این موضوع علاقه‌مند شده و شروع به آکتشافاتی در این منطقه کردند تا توانستند آثار به‌جا مانده از این شهر را کشف کنند. (منبع: کتاب درسی تاریخ هندوستان پایه دوازدهم)

۲۴. فرمانروایان ویجایانگارا خود رایا - Faya - می‌نامیدند. به فرماندهان ارتش نایاکا - nayaka - گفته می‌شد (منبع: همان)

۲۵. اکبرنامه کتابی است تاریخی به‌صورت روزنگار که در زمان اکبرشاه مغول - قرن شانزدهم میلادی - به زبان فارسی نگاشته شده است. کتاب آیین اکبری در واقع جلد سوم کتاب «اکبرنامه» است. در این کتاب جزئیات مربوط به سلطنت، مدیریت، ارتش، منابع، مالیات و موقعیت ایالت‌های امپراتوری اکبرشاه، ادبیات، فرهنگ و سنن مذهبی مردم، نگارش شده است.



تصویری از صفحات اکبرنامه که نگارگری شده است.

بریتانیا در دیگر بخش‌های جهان هم به تولید پنبه علاقه نشان داد. از این رو کشت پنبه در هندوستان گسترش یافت. (منبع: همان)

۳۲. یکی از این شایعات مربوط می‌شد به اینکه انگلستان قصد دارد دین‌های هندو و اسلام را از بین ببرد. به همین منظور انگلستان استخوان‌های خوک و گاو را که خوردن آن برای مسلمانان و هندوها ممنوع بود آرد کرده و با آرد گندم مخلوط می‌کند تا هر دو گروه مسلمان و هندو از این نان بخورند. برخی مطالب که به‌عنوان خواب یا رؤیا و پیشگویی بر روی کاغذ نوشته می‌شد و به نگهبانان روستاها داده شده و از آن‌ها خواسته می‌شد آن را در چند نسخه نوشته و به روستاهای دیگر بدهند. این کاغذها را chapatti می‌گفتند. (منبع: همان)

۳۳. Awadh منطقه‌ای در شمال شرقی شبه‌قاره هند در ایالت اوتارپرادش (Uttar Pradesh)

۳۴. همه‌نمادهایی که نشانی از اربابان فرنگی داشت و به آن «فرنگی راج» (firangi raj) می‌گفتند. (منبع: همان)

۳۵. نقاشی‌های به‌جای مانده از دوران قیام به‌عنوان منبعی برای تاریخ‌نویسی. این تصاویر قیام را از نگاه انگلیسی‌ها نشان می‌دهد. آن‌ها مخالفت خود را با قیام در این نقاشی‌ها نشان داده‌اند.

دو تصویر پایین از کتاب درسی تاریخ هندوستان پایه دوازدهم



شیر انگلستان به بیرنگال حمله می‌کند

پوست یک فیلم هندی درباره قیام ۱۸۵۷

۳۶. hill stations به شهرک‌هایی گفته می‌شد که در نقاط مرتفع‌تر ساخته می‌شدند و از آب‌وهوای بهتری نسبت به جاهای گرم برخوردار بودند. این شهرک‌ها با معماری‌های زیبا و ویلاهای بیلاقی مشابه معماری‌های انگلستان ساخته می‌شد که حس غربت در ساکنان بریتانیایی به‌وجود نیاید. دوری از خطرات بیماری‌های همه‌گیر و یا شورش مردم نیز از دلایل دیگر ساخت چنین شهرک‌هایی بود. (منبع: http://en.wikipedia.org/wiki/Hill_stations)

۳۷. در زبان هندی به عدم همکاری ساتیاگراها satyagraha گفته می‌شود. ساتیاگراهی نمک به این دلیل آغاز شد که انحصار خرید و فروش نمک در اختیار حاکمان انگلیسی بود و آن‌ها از خرید و فروش آن مالیات می‌گرفتند که به‌همین دلیل قیمت در کشور بالا بود. گاندی با ایجاد یک حرکت همه‌گیر از مردم خواست تا خودشان به تهیه نمک بپردازند. او با پای پیاده به همراه گروهی از طرفدارانش به سوی دریا حرکت کرد. پس از چند هفته که گاندی و همراهان به دریا رسیدند شروع به جمع‌آوری نمک کردند. در این حرکت حدود ۶۰۰۰۰ هندی از جمله گاندی دستگیر شدند. کمتر از یک سال بعد یعنی ژانویه ۱۹۳۱ همه زندانی‌ها آزاد شدند و قانون انحصار نمک نیز لغو شد. (منبع: همان)

۳۸. در این قسمت نویسندگان کتاب درسی سعی می‌کنند برای جدایی هند از پاکستان مطالب را به‌گونه‌ای سامان دهند که منجر به تنش بیشتر نشود و بیان می‌کنند که جدایی هند و پاکستان یک هولوکاست نبود و هندی‌های متفرق از پاکستان و پاکستانی‌های متفرق از هندی‌ها هر دو در جدایی هند و پاکستان نقش داشتند. در آن زمان برخی مردم به اشتباه معتقد بودند که وفاداری مسلمانان هندی تنها به پاکستان است. برخی اعتقادات دیگر هندی‌ها علاوه بر این کلیشه که مسلمانان به خارج از مرزها تعلق دارند و به پان اسلامیسیم وفادارند همراه با این باورها که مسلمانان بی‌رحمند، متعصبند، ناپاکند، از نسل متجاوزان به سرزمین هند هستند در حالی که هندی‌ها مهربان، آزاداندیش، خالص و فرزندان کسانی هستند که به کشورشان تجاوز شده، منجر به تنفر هندوها از مسلمانان شد. (منبع: همان)

۳۹. منظور نقشه‌ای است که در آن ایالاتی که اکثریت آن مسلمان هستند، اکثریت آن هندو هستند و مناطقی که وضعیت متعادل دارند از هم تفکیک شدند. در طرح پیشنهادی کمیته دولت گفته شده بود کشور متحد بماند و ایالاتی که مشخص شده‌اند تا قبل از فراندوم همچنان متحد باشند. اما در عمل این پیشنهاد دوامی نیاورد و مورد مخالفت دو حزب اصلی هندوها و مسلمانان یعنی حزب کنگره و مسلم لیگ قرار گرفت.

اشاره

کتاب درسی تاریخ معاصر، برای تدریس در کلیه رشته‌ها و تاریخ ایران و جهان ۲ برای تدریس در رشته علوم انسانی پایه سوم تألیف شده است. در این خصوص، طرح یک سؤال اساسی بجاست که «تا چه میزان کتاب درسی به لحاظ سطح خوانایی، روان بودن، سادگی و دشواری متن، از یک قاعده و شرط علمی و نظریه‌مندی تبعیت می‌کنند؟» بدون تردید رعایت و یا عدم رعایت این ویژگی‌ها در فرایند آموزشی، که معمولاً کتاب یا متون درسی در آن نقش محوری ایفا می‌کنند، تأثیر فراوانی خواهد گذاشت.

تعیین درجه پیچیدگی زبانی متن کتاب و به عبارت دیگر درجه و سطح خوانایی متن، یکی از مهم‌ترین محورهای تحلیل محتوای کتاب‌های درسی به‌شمار می‌رود. در این میان تکنیک **ادوارد فرای و گانینگ** که از صاحب‌نظران عرصه تحلیل محتوای کتب درسی می‌باشند، از مهم‌ترین و شاخص‌ترین تکنیک‌ها محسوب می‌گردد. پژوهش حاضر درصدد است با اجرای این روش بر کتاب‌های درسی یاد شده، میزان و سطح خوانایی متن، آن‌ها را مورد ارزیابی علمی قرار دهد. بی‌تردید یافته‌های پژوهش می‌تواند برای مؤلفان و سیاست‌گذاران عرصه تألیف کتاب‌های درسی دبیرستان و نیز دبیران این درس مفید واقع شده و به رفع ضعف‌ها و نواقص کتاب‌های درسی و در نهایت ارتقای راندمان آموزشی یاری رساند. مزید بر این انجام چنین تحقیقاتی می‌تواند خود الگو و نمونه‌ای برای پژوهش‌هایی از این دست و سنجش متن‌خوانی با متدها و تکنیک‌های معیار و علمی روز باشد.

کلیدواژه‌ها: کتاب درسی تاریخ، تاریخ معاصر، کتاب درسی تاریخ ایران و جهان ۲، تحلیل محتوا، تکنیک ادوارد فرای، تکنیک گانینگ

مقدمه

همان اندازه که چگونگی یادگیری اهمیت دارد، «چه دانستن» هم مهم است. محتوا مجموعه‌ای از مفاهیم، مهارت‌ها و گرایش‌هاست که از طرف برنامه‌ریزان انتخاب و سازمان‌دهی می‌شود (ملکی، ۱۳۸۱: ۶۴-۶۲). قبل از انجام فعالیت‌های یادگیری، محتوای انتخاب شده و هدف‌های مورد نظر باید ارزشیابی شوند. اگر درک محتوا از متن بالاتر از حد توانایی فراگیر باشد، برای وی کسل‌کننده خواهد بود. محتوا علاوه بر همراهی با هدف‌ها، باید اعتبار و اهمیت داشته باشد. نویسندگان کتاب‌های درسی در انتخاب محتوا باید به رشد فراگیران، پیشرفت و علایق آنان توجه داشته باشند (همان: ۱۰۴ و ۱۰۳، ۸۸).

معیارهای انتخاب محتوا عبارت است از اهمیت، اعتبار،



در این نقشه نقاط B و C به‌طور تقریبی پاکستان و بنگلادش کنونی هستند. (منبع: همان)

۴۰. اشاره‌ای است به مشکلات هند پس از استقلال که منجر به جدایی پاکستان از هند شد و مردم هند بین بیم و امید به‌سر می‌بردند، خاطرات جنگ زنده بود و همزمان تظاهرات گسترده‌ای توسط کارگران و کشاورزان انجام می‌شد. (منبع: همان)

۴۱. اشاره دارد به شش نفری که مهم‌ترین نقش را در تدوین قانون اساسی بازی کردند. سه نفر از آن‌ها از حزب کنگره بودند که عبارت‌اند از جواهر لعل نهرو، والابه بهای پاتل و راجندر پراساد

۴۲. ابتدا و به پیشنهاد گاندی زبان هندوستانی که ترکیبی از زبان هندی و اردو است به‌عنوان زبان ملی معرفی شد اما مخالفت با این پیشنهاد و تأکید برخی گروه‌ها بر زبان هندی موجب شد که زبان هندی به‌عنوان زبان رسمی و دیوانی شناخته شود، هر چند این موضوع هیچ‌گاه رسماً اعلام نشده است. در مکاتبات رسمی علاوه بر زبان هندی از زبان انگلیسی هم استفاده می‌شود. در واقع در پنجاه سال پس از استقلال، زبان انگلیسی در مکاتبات اداری جای خود را به زبان هندی داد. ایالت‌ها می‌توانند از زبان محلی خود در مکاتبات استفاده کنند. (منبع: همان)

۴۳. نمونه‌ای از فعالیت کتاب تاریخ هندوستان مرتبط با باستان‌شناسی در ۱۰۰ تا ۱۵۰ کلمه به پرسش‌های زیر پاسخ دهید:

الف. فهرستی از غذاهای قابل دسترس مردم در شهرهای هاراپان را بنویسید. مشخص کنید چه کسانی این غذاها را تأمین می‌کردند.

ب. باستان‌شناسان چگونه تفاوت‌های اجتماعی- اقتصادی مردمان هاراپان را ردیابی می‌کنند؟ آن‌ها به چه تفاوت‌هایی توجه می‌کنند؟

ج. شما چگونه می‌توانید با این موضوع موافقت کنید که شبکه فاضلاب شهرهای هاراپان نشان می‌دهد که شهرها دارای نقشه بوده‌اند؟

د. فهرستی از موادی را که هاراپان‌ها برای ساخت مهره‌ها به‌کار می‌بردند بنویسید.

ه. به تصویر اسکلت روبه‌رو به دقت نگاه کنید. توصیف خود را از آن بنویسید. بدن چگونه قرار گرفته است؟ چه اشیایی در کنار آن قرار گرفته است؟ یک شیء دست‌ساز بر روی اسکلت مشاهده می‌کنید. آیا این شیء می‌تواند جنسیت اسکلت را مشخص کند.



منابع

- کتاب درسی تاریخ‌شناسی دوره پیش‌دانشگاهی، ۱۳۹۳، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- راهنمای برنامه درسی تاریخ‌شناسی دوره پیش‌دانشگاهی، ۱۳۸۳، به کوشش شورای برنامه‌ریزی گروه درسی تاریخ، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- میرعاقبین، فاطمه‌سادات، نقد و ارزیابی محتوای کتاب درسی تاریخ‌شناسی دوره پیش‌دانشگاهی با تأکید بر برنامه درسی، پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال یازدهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، صص ۸۷-۱۱۴.
- مقصودی، مجتبی و فرادی، یحیی، اعتباربخشی از راهنمای برنامه درسی تاریخ دوره متوسطه، تهران: دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۷۷.
- Textbook in History for Class XII, 2014, Themes in Indian History I
- Textbook in History for Class XII, 2014, Themes in Indian History II
- Textbook in History for Class XII, 2014, Themes in Indian History III
- Http://ncertbooks.prashanthellina.com/12_History.html

تحلیل محتوای کتاب تاریخ معاصر و تاریخ ایران و جهان ۲ با تأکید بر سطح خوانایی

رزامعماری
دبیر تاریخ، اراک

باشند، هرگز دانش‌آموز را به فعالیت‌های آموزشی فراگیر رهنمون نمی‌شوند. تحلیل محتوا به معلمان و دانش‌آموزان امکان نقد کتاب‌ها، جزوات و وسایل آموزشی را می‌دهد (شعبانی، ۱۳۸۶: ۱۰۱). در اکثر مواقع، ناکارایی برنامه‌درسی، به‌علت نامناسب بودن محتوا یا چگونگی تنظیم و سازمان دادن آن است که یادگیری را مشکل و کمتر از حد انتظار می‌کند. بنابراین چگونگی سازمان دادن محتوای برنامه‌درسی اهمیت بسیاری دارد (تقی پورظهیر، ۱۳۶۹: ۱۷۸). در مطلب حاضر به تحلیل محتوای این دو کتاب پرداخته‌ایم.

علاقه، سودمندی، قابلیت یادگیری، انعطاف‌پذیری و توجه به ساختار دانش (همان: ۱۵۳-۱۵۱). محتوای مطالب آموزشی در نظام‌های آموزشی متمرکز کتاب‌محور، که فعالیت‌های معلم و دانش‌آموز حول محور کتاب سازمان‌دهی می‌شود، نیاز به تحلیل و بررسی علمی دارد. این تحلیل به مؤلفان کتاب‌های درسی کمک می‌کند تا در هنگام تهیه و تدوین یا گزینش کتاب درسی، تصمیم‌عقلانه‌ای بگیرند (یارمحمدیان، ۱۳۷۹: ۱۴۹). مسلم است اگر محتوا، روش و وسیله‌تناسبی با هدف‌های آموزشی نداشته باشد، حتی اگر هدف‌ها دقیق تنظیم شده



چگونگی سازمان‌دهی محتوا

برنامه‌ریزی درسی مناسب، بر اساس اهداف برنامه انجام می‌شود. اهداف را می‌توان به اهداف آرمانی، آموزشی و جزئی طبقه‌بندی نمود. (ملکی، ۱۳۸۱: ۳۱). برنامه درسی به قصد ایجاد تغییر در رفتار یادگیرنده اجرا می‌شود و این تغییرات، همان اهداف برنامه است. هدف‌ها معمولاً بر اساس زندگی خارج از محیط آموزشی، الگوهای استخدام نیروی انسانی، رفتارها و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی، تعیین می‌گردند. ساختار موجود دانش بشر در چارچوب هر ماده درسی از دیگر هدف‌های درسی محسوب می‌شود (لوی، ۱۳۸۵: ۳۴-۳۲). طبقه‌بندی اهداف درسی وسیله‌ای برای آزمودن توازن هدف‌های درسی یک برنامه مشخص است. طبقه‌بندی به سه حیطه شناختی، عاطفی و روانی- حرکتی تقسیم می‌شود. بیشتر هدف‌های آموزشی از نوع شناختی است (همان: ۴۰).

در تنظیم فعالیت‌های یادگیری، در درجه اول، روابط آن‌ها از نظر زمان و موضوع مورد توجه قرار می‌گیرد. معیارهای سازمان‌دهی شامل مواردی مانند مداومت یعنی تکرار عمودی عناصر اصلی برنامه درسی می‌شود (تایلر، ۱۳۷۶: ۱۰۱-۱۰۰). برنامه‌ریزی برای گسترش یادگیری تراکمی، شامل محتوا و فعالیت‌های یادگیری است که به منظور ایجاد حرکت از یک سطح از پیچیدگی به سطح بالاتر، از افکار ساده به پیچیده‌تر صورت می‌گیرد. به همین دلیل در این نوع سازمان‌دهی، طرح‌هایی مبتنی بر تکرار عناصر اصلی برنامه و استفاده مداوم از یادگیری‌های قبلی صورت می‌گیرد تا یادگیرنده امکان تسلط کامل در موقعیت‌های مختلف داشته باشد. غرض از مداومت، بنا کردن تجربه بعدی روی تجربه قبلی است (تقی پورظهیر، ۱۳۷۸: ۱۸۵؛ ملکی، ۱۳۸۰: ۹۶-۹۴).

توالی، دومین مسئله در سازمان‌دهی محتواست. توالی بر اهمیت تنظیم هر تجربه بر تجربه قبلی تأکید دارد. به طوری که مواد تجربه بعدی از نظر عمق و وسعت بیشتر از تجربه قبلی باشد (تایلر، ۱۳۷۶: ۱۰۱) عرضه محتوا گاهی بر اساس ملاک از آسان به مشکل است. گاهی مبتنی بر یادگیری پیش‌نیازهاست؛ که این امر در مورد قوانین و اصول نیز حاکم است. ترتیب، از کل به جزء، است (تقی پورظهیر، ۱۳۷۸: ۱۸۲-۱۸۱). در نوع اخیر، کل را تعیین‌کننده خصوصیات اجزا می‌دانند؛ یعنی بینش حاصل از درک یک کل یک پارچه، از طریق کشف ارتباط میان اجزای تشکیل‌دهنده، موقعیت‌های یادگیری را ایجاد می‌کند و لذا یادگیری تنها از طریق درک روابط اجزا به صورت یک کل سازمان‌یافته انجام می‌گیرد (سیف، ۱۳۸۶: ۱۴۸).

گاهی عرضه اطلاعات بر اساس **ترتیب زمانی** است. در نظر گرفتن توالی تجارب یادگیری برای تسلط در رفتار خاص ضروری است. تنظیم محتوا و تجارب یادگیری به ترتیبی است که امر یادگیری را با توجه به رشد و تکامل یادگیرنده، به‌ویژه رشد

ذهنی و شناختی او آسان کند و پایه‌ای برای سایر یادگیری‌ها باشد (تقی پورظهیر، ۱۳۷۸: ۱۸۴-۱۸۲؛ ملکی، ۱۳۸۰: ۹۳).

غنی‌سازی محتوای درسی از دیگر محورهای آموزشی است: یکی از موارد مورد توجه در سازمان‌دهی محتوا، وسعت مطالب به کار برده شده در محتواست. در محتوایی که فقط مجموعه‌ای از اطلاعات را در خود جای داده باشد، معیاری برای تشخیص محتوای مناسب از نامناسب وجود ندارد. اگر در برنامه درسی، فراگیر با انفجار دانش و تراکم اطلاعات روبه‌رو گردد، حقایق علمی اهمیت خود را از دست می‌دهد (ملکی، ۱۳۷۴: ۱۴).

انتخاب محتوا و تنظیم آن تحت تأثیر چند دیدگاه قرار دارد. یک دیدگاه، دیدگاه حرفه‌ای است که بر روش‌های حرفه‌ای تحقیق تأکید دارد. در این نگاه، در تنظیم محتوا، سازمان‌دهی منطقی موضوع درس اهمیت دارد نه توجه به رشد ذهنی و شناختی یادگیرنده. دیدگاه دیگر دیدگاه مربیان تربیتی است که بر روی روش‌های آموزش و یادگیری تأکید دارد. این مربیان در تنظیم محتوا، سازمان‌دهی تجارب یادگیری را مورد توجه قرار می‌دهند. در هر حال محتوا از هر نوع که باشد باید دارای ساختار معین و منطقی باشد (تقی پورظهیر، ۱۳۷۸: ۱۸۰). نظریه‌های موجود، یادگیری کتاب درسی را تابعی از خصوصیات متن و راهبردهای شناختی خواننده می‌دانند. به همین دلیل ویژگی‌هایی مانند ساختار، به هم پیوستگی و ویژگی‌های محتوایی متن بر یادگیری ناشی از خواندن تأثیر می‌گذارد.

ساختار متن به چگونگی ارتباط موضوع‌ها بر اساس الگوهای سازمان‌دهی گفته می‌شود. بعضی از ساختارهای اصلی منعکس‌کننده الگوی اصلی تفکر انسان شامل فهرست ساده، نتیجه‌گیری، شواهد، مقایسه شباهت‌ها و تفاوت‌ها، توالی زمانی، علت و معلول و مسئله و راه‌حل است (یارمحمدیان، ۱۳۷۹: ۱۵۴-۱۵۳). با توجه به آنچه بیان گردید چگونگی سازمان‌دهی محتوا در میزان یادگیری فراگیران نقش عمده‌ای ایفا می‌کند.

اهمیت متن خوانی

یکی از موارد حائز اهمیت در تألیف کتاب درسی، **قابلیت یادگیری محتواست**. اگر محتوا چنین قابلیت نداشته باشد فراگیر، با تکرار، صرفاً مطالب را حفظ می‌کند که پس از امتحان ذهن وی پاک می‌شود (ملکی، ۱۳۸۰: ۸۵). محتوا باید باعث رشد توانایی‌ها، مهارت‌ها و گرایش‌های دانش‌آموزان گردد. از آنجا که محتوا برای فراگیر تهیه شده است، باید برای او معنادار بوده و با نیازها و ضرورت‌های زندگی وی هماهنگ باشد (همان: ۸۵-۸۴). چنانچه در تألیف کتاب درسی تنها از مطالب علمی استفاده شود ماهیت آموزشی کسب نمی‌کند و لذا برای یادگیرنده معنا نخواهد داشت. علم یا مطالب علمی تنها یک عنصر از عناصر مؤثر بر انتخاب محتواست، لذا حد و نوع مفاهیمی که از رشته علمی انتخاب می‌شود، باید براساس نیاز و

احتیاج یادگیرنده باشد.

اگر محتوای برنامه‌های درسی تنها مطابق ساختار دانش تنظیم شود مانند آن است که مؤلف تفاوتی بین دانش‌آموزان و دانشمندان ندیده است. در صورتی که محتوای برنامه‌های درسی باید مطابق علایق و تجربیات دانش‌آموزان تنظیم گردد. برنامه‌ریزان درسی معمولاً محتوا را بر اساس تجربیات وسیع خود انتخاب می‌کنند. ممکن است یادگیرنده، چنین محتوایی را فرا گیرد، اما این محتوا فقط اطلاعاتی به فراگیر می‌دهد و لذا یادگیری لفظی و سطحی خواهد ماند. در حالی که محتوا باید وسیله‌ای برای تحقق هدف باشد (همان: ۶۸-۶۵).

دانش‌آموز برای انتقال محتوای یک کتاب به حافظه بلندمدت خود از روش‌هایی مانند تمرکز حواس، رمزگذاری اطلاعات و فراشناخت استفاده می‌کند. یکی از راهبردهایی که در هنگام یادگیری متون مورد استفاده قرار می‌گیرد، توجه به اهداف نگارنده متن، تشخیص اطلاعات با اهمیت از اطلاعات زمینه‌ای، شرح و بسط حاشیه‌ای، به‌کارگیری پیش‌دانسته‌های دانش‌آموز هنگام ارائه مطالب جدید و رمزگردانی اطلاعات به‌منظور یادآوری آن در مواقع ضروری است (پارمحمدیان، ۱۳۷۹: ۱۵۶).

شوا ب معتقد است ساختار رشته درسی از سه مطلب تشکیل شده است. ابتدا روشی که دانش موجود در رشته درسی بر اساس آن سازمان می‌یابد. مطلب دیگر مجموعه مفاهیم اساسی است که برای توصیف انواع پدیده‌ها در چارچوب یک رشته درسی مطرح می‌شود و مطلب دیگر، مجموعه روش‌ها و قواعد اساسی مختص به یک رشته درسی است که شواهد لازم را فراهم می‌کنند و روش خاص بررسی‌های علمی در آن رشته علمی می‌باشند (لوی، ۱۳۸۵: ۴۵). بر این اساس ویژگی‌هایی که در یک کتاب درسی مطلوب باید وجود داشته باشد عبارت‌اند از:

۱. مطالب بر اساس برنامه مشخص و اهداف آموزشی تعیین شده باشد. ۲. توالی مطالب باید در یک خط سیر مشخص و منطقی بر اساس یادگیری‌های قبلی دانش‌آموزان باشد. ۳. تأکید زیاد مؤلف و معلم بر پروراندن مفاهیم اساسی و روش‌ها باشد نه بر انتقال انبوه واقعیت‌های علمی. ۴. مطالب ارائه‌شده باید با گروه سنی و قوه درک و فهم دانش‌آموزان متوسط کلاس مطابق باشد. ۵. مطالب و فعالیت‌ها باید روی انگیزش‌ها و تحریک حس کنجکاوی تلاش کند. ۶. مطالب کتاب باید روی درگیری دانش‌آموز با یادگیری تأکید کند. ۷. مطالب و شیوه‌های ارائه شده باید جدید، پیشرفته و متحول باشد. ۸. محتوای کتاب، فراگیر را به بررسی کمی و لزوم دسترسی به منابع متعدد جلب کند. (پارمحمدیان، ۱۳۷۹: ۱۵۸-۱۵۷).

تحلیل محتوا کمک می‌کند تا مفهوم، اصول، باورها و نگرش‌های مطرح شده در قالب دروس کتاب، مورد بررسی عملی قرار گرفته و با اهداف برنامه درسی مقایسه و ارزشیابی شود. تحلیل‌گر محتوا، با ظاهر آنچه بیان شده است، سروکار دارد. از این رو این روش یک پژوهش منظم برای توصیف عینی

و کمی محتوای کتاب‌های درسی و مقایسه پیام‌ها و ساختار محتوا با اهداف برنامه آموزشی است (همان: ۱۵۰-۱۴۹). در تحلیل محتوا، ابتدا باید هدف تحلیل را مشخص نمود. هر چقدر هدف‌ها صریح‌تر باشد، تجزیه و تحلیل

محتوا بهتر انجام می‌شود و از روش مناسب‌تری می‌توان استفاده کرد (شعبانی، ۱۳۸۶: ۱۰۴). بررسی هر متن، از طریق ترکیبی از عناصر قابل تجزیه که به واحدهای خاص طبقه‌بندی می‌شود صورت می‌گیرد (همان: ۱۰۳). تهیه جدول هدف و محتوا که در آن هدف‌های رفتاری و اجزای محتوای برنامه درسی بررسی می‌شود، می‌تواند مشخص‌کننده برنامه‌های درسی مناسب یا نامناسب باشد. در برنامه‌های درسی که خوب تهیه شده‌اند، جدول هدف-محتوا، رفتارهایی را که دانش‌آموزان در پایان باید قادر به انجام آن باشند، مشخص می‌کند. در برنامه‌های درسی نامناسب، جدول مزبور مانند فهرستی در اختیار معلم قرار می‌گیرد تا با توجه به نیاز فراگیران، هدف‌های مناسب را از میان آن‌ها انتخاب کند (لوی، ۱۳۸۵: ۴۹).

از نظر **بول** تحلیل محتوا شامل مراحل زیر است:

۱. تعریف قالب محتوا
 ۲. تصمیم‌گیری درباره چگونگی انتخاب نمونه‌ای از این محتوا
 ۳. تدوین فهرستی از موضوع‌ها برای استفاده در طبقه‌بندی محتوایی
 ۴. تعیین شاخص برای هر یک از طبقه‌های مورد نظر
 ۵. تعریف واحد مطالعه (واحد ثبت داده‌ها و واحد نمونه‌گیری متن)
 ۶. آموزش داوران
 ۷. تحلیل محتوای مطالب
 ۸. تعیین پایایی و روایی نتایج (پارمحمدیان، ۱۳۷۹: ۱۵۰).
در تحلیل کتاب‌های درسی معمولاً از دو تکنیک استفاده می‌شود: ۱. فرمول‌های خوانایی که برای تعیین درجه پیچیدگی زبان متن کتاب به کار می‌رود. این فرمول‌ها به تجزیه و تحلیل محتوای یک نوشته یا متن، برای اندازه‌گیری درجه خوانایی آن می‌پردازد. ۲. استفاده از ابزارهای فهرستی، که تحلیل‌گر را متوجه مواردی می‌کند که توسط فرمول‌های خوانایی اندازه‌گیری نمی‌شود (همان: ۱۵۱-۱۵۰).
- مفاهیم و مهارت‌های عینی قبل از مطالب انتزاعی ذهنی آموزش داده می‌شود. مشخص کردن آنکه چه مطالبی ساده و چه مطالبی پیچیده است، کار دشواری است. می‌توان به کمک پژوهش‌ها و تجربیات معلمان این کار را صورت داد. بعضی مفاهیم باید از کلی به جزئی تنظیم گردد یعنی جامع‌ترین مفهوم در رأس و مفاهیم جزئی‌تر در سطح پایین‌تر قرار گیرد. گاهی نیز یادگیری از جزء به کل است، یعنی به تدریج زمینه یادگیری

خصوصیت معین در متن مورد توجه واقع می‌شد. سپس تابلور، روش «کلوز» را ارائه کرد و در این دوره اندازه‌گیری معانی انجام شد (c.e.osgood, 1959: pp.33-88).

در ۱۹۶۰ به دنبال پیدایش کامپیوتر، تحلیل محتوا از نظر آزمایش‌های آماری، راحت‌تر انجام شد. رشد رشته‌های نشانه‌شناسی و زبان‌شناسی، روش تحلیل محتوا را دگرگون کرد. توصیف تحلیلی عبارت از توصیف پیام‌ها با روش‌های عینی و منظم بود. هدف آن در واقع بررسی اطلاعات موجود در محتوای پیام‌ها محسوب می‌شد. در این نوع تحلیل، هدف آن است که تمام متن مورد توجه قرار گیرد تا بتوان از طریق غربال، طبقه‌بندی و شمارش واحدهای معنی‌دار را انجام داد. آن‌گاه به کمک اعداد، تفسیری براساس اصول علمی و منطقی، صورت داد (باردن، ۱۳۷۴: ۳۷ و ۳۴، ۲۲، ۱۹). در یک روند طولانی تحلیلی محتوا از یک کار سیاسی به یک راه برای بررسی محتوای آموزشی تبدیل گردید. در این مسیر پیشرفت رشته‌هایی مانند زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی کمک زیادی کرد. ضمن آنکه گروهی از دانشمندان موفق شدند با ارائه روش‌های کمی به صحت این تحلیل‌ها کمک نمایند.

تکنیک فرای

اشاره شد که برای تعیین پیچیدگی زبان متن کتاب، از فرمول‌هایی استفاده می‌شود. این فرمول‌ها به تجزیه و تحلیل کلمه‌ها، عبارت‌ها و پاراگراف‌ها در یک نوشته متمرکز می‌شود و با شمارش کلمه‌ها و جمله‌ها و استفاده از فرمولی خاص، میزان و درجه سختی متن را تعیین می‌کند. همچنین درجه تناسب نوشته با سن کلاس یا سطح توانایی خواندن متن را مشخص می‌نماید. این فرمول‌ها انواع مختلف دارد (یارمحمدیان، ۱۳۷۹: ۱۵۱-۱۵۰).

برای این منظور ابتدا باید مواد مورد بررسی جمع‌آوری گردد که از طریق نمونه‌گیری انجام می‌شود. سپس مجموعه به عناصری تقسیم می‌شود که عبارت است از: الف. کلمه‌ها، که در انتقال مفاهیم نقش دارند. ب. نمادها که علائمی برای انتقال مفاهیم‌اند. ج. مضمون‌ها، که مشکل بررسی و تحلیل مضامین، عدم امکان تعیین حدود واحد مضمونی را بررسی می‌کنند. د. شخصیت‌های مطرح شده در متن (شعبانی، ۱۳۸۶: ۱۰۴). ساختار متن‌ها را از روش‌های مختلف می‌توان شناسایی کرد: ۱. لغت‌هایی که رابطه‌ها را مشخص می‌کنند شامل: زیرا، قبل از، برای مثال، در مقایسه ۲. جمله‌هایی که نوع ساختار را به‌طور روشن بیان می‌کند ۳. پیش‌گفتارها یا مقدمه‌ها (عناوین) ۴. عبارت‌های خلاصه و اطلاعاتی که درون یک متن، ساختار آن را تعیین می‌کند و به آن علامت‌دهی گویند. متن‌هایی که با کمک علامت‌دهی بیان شده، امکان فهمیدن، به خاطر سپاری و به‌کارگیری اطلاعات را افزایش می‌دهند (یارمحمدیان، ۱۳۷۹: ۱۵۴).

مطالب کلی‌تر فراهم می‌شود (ملکی، ۱۳۸۰: ۹۶). ویژگی‌های ظاهری مؤثر در سطح خوانایی نوشته‌ها به‌دلیل عینی بودن، کمتر تحت تأثیر زبان و محیط هستند. تجربه‌های دیگران در مورد تأثیر طول کلمه، جمله، تعداد پیام‌ها بدون بررسی و آزمایش نمی‌تواند در حوزه فعالیت زبان دیگر مورد استفاده قرار بگیرد. بر این اساس و در غیاب معیارهای کمی برای تعیین خوانایی نوشته‌های فارسی، بررسی‌هایی توسط پژوهشگران انجام شده است تا بتوان روش‌های ارزیابی خوانایی نوشته‌های انگلیسی را بر نوشته‌های فارسی تطبیق داد. متغیرهای مورد بررسی در این ارزیابی‌ها عبارت‌اند از: هجاهای کلمه‌ها و جمله‌ها (یارمحمدیان، ۱۳۷۹: ۱۶۰).

از آنجا که تحلیل محتوا برای بررسی درجه دستیابی به اهداف آموزشی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، برای این کار باید اقداماتی صورت گیرد. بررسی محتوای کتب درسی با تکنیک‌های خاصی انجام می‌گیرد که به معلمان کمک می‌کند تا نتایج دستاوردهای آموزشی خود را تحلیل و در صورت لزوم آن‌ها را بازنگری کنند.

تاریخچه تحلیل محتوا

اولین تحلیل محتوا در سال ۱۶۲۰ در سوئد در مورد سرودهای مذهبی به عمل آمد و هدف از آن تأثیر نامطلوب سروده‌های مذهبی بر پیروان مذهب لوتر بود. در ابتدای قرن بیستم نیز، تا حدود چهل سال، مطبوعات در آمریکا مورد تحلیل محتوا قرار می‌گرفتند. این روزنامه‌ها از نظر بررسی تبلیغات سیاسی بررسی شدند. اولین فردی که تاریخ تحلیل محتوا از وی یاد می‌کند، «هارولد لاسول» است، که در ۱۹۱۵ تحلیلی از مطبوعات انجام داد. در ۱۹۲۷ تکنیک‌های تبلیغات در دنیای جنگ منتشر شد. در این زمان، زبان‌شناسی و تحلیل محتوا به هم مربوط نبودند (باردن، ۱۳۷۴: ۱۰-۹).

بین سال‌های (۵۰-۱۹۴۰) علوم سیاسی در پیشرفت تحلیل محتوا سهم داشت. بررسی تنازعاتی که دنیا را به آشوب کشیده بود، هدف این تحقیقات بود. تحلیل‌های این دوره بر اساس مفید یا غیرمفید بودن کتاب‌ها و نشریات و تحلیل لغوی از فهرست کلمات بود. سال‌های ۶۰-۱۹۵۰ در این دوره فن تحلیل محتوا در رشته‌های مختلف به‌کار گرفته شد و پرسش‌هایی در زمینه روش‌شناسی صورت گرفت که آن را وارد مرحله جدیدی نمود (همان: ۱۱-۱۵). در سال ۱۹۵۰ کمیته شورای تحقیقات اجتماعی در زمینه روان‌شناسی و زبان‌شناسی مجامع متعددی در مورد مسائل زبان‌شناسی-روانی بر پا کرد (همان: ۱۷-۱۶). در این زمان در تحلیل کمی، بعضی از خصوصیات متن مورد توجه قرار گرفت. در تحلیل کیفی، حضور یا غیاب یک

ذات و اسم معنی تقسیم می‌شود (خیامیور، ۱۳۸۹: ۳۱-۳۴).
 صیغه‌های اسم مکان و آلت عربی نیز جزو اسم‌ها محسوب
 می‌شوند. نام آواها، مصدرها اسم‌های مصدر نیز در زیر گروه
 اسم جای می‌گیرند. اسم‌های مرکب مصدری مانند پیشرفت،
 بازگشت و دریافت هم جزو اسم‌ها هستند. در تکنیک فرای فقط
 اسامی خاص شمارش نمی‌شوند (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۱۸۳،
 ۱۹۶).

شاخص سطح خوانی گانینگ

این شاخص بر اساس دو عامل زبانی، یعنی طول جمله و
 طول کلمه، محاسبه می‌شود. در این شاخص، کلمه‌های دشوار،
 آن‌هایی هستند که از سه یا بیشتر از سه هجا باشند. برای
 محاسبه سطح خوانایی ابتدا باید از قسمت‌های ابتدا، وسط
 و آخر کتاب مورد نظر یک نمونه یک صد کلمه‌ای در نظر
 گرفت. تعداد جمله‌های هر نمونه

شمارش می‌شود. می‌توان
 تعداد متوسط جمله‌ها را از
 طریق تقسیم تعداد کلمه‌ها
 به تعداد جمله‌های کامل
 هر نمونه محاسبه نمود
 (یارمحمدیان، ۱۳۷۹: ۱۶۶).

کلمه‌های سه هجایی یا
 بیش از سه هجا را شمارش
 می‌کنند، ولی اسامی خاص
 محاسبه نمی‌شود (در فارسی
 کلمه‌ای دشوار است که ۴
 هجایی باشد). تعداد کلمه‌های
 دشوار را با تعداد متوسط
 کلمه‌ها جمع و عدد حاصل
 را در ۰/۴ ضرب می‌کنند.

این محاسبات در مورد هر
 یک از نمونه‌های مورد نظر انجام و

میانگین نتایج هر سه نمونه محاسبه می‌شود. عدد حاصل نشان
 می‌دهد که نوشته کتاب از نظر سطح خوانی، مناسب کدام یک
 از کلاس‌های آموزش رسمی است. نتیجه سه مورد با یکدیگر
 جمع زده شده و بر عدد ۳ تقسیم می‌گردد. عدد به‌دست آمده
 نشان می‌دهد سطح خوانایی در سطح دانش‌آموزی با چند سال
 تحصیل است. (همان: ۱۶۷-۱۶۶).

بررسی کتاب «تاریخ ایران و جهان ۲» از تکنیک فرای

جهت بررسی کتاب فوق، سه صفحه از ابتدا، وسط و انتهای
 کتاب به‌طور تصادفی انتخاب شد. نمونه‌ها از صفحات ۳۳، ۸۱
 و ۲۳۲ انتخاب شد.

یکی از تکنیک‌های تعیین سطح خوانی، «روش فرای» است.
 در این روش اعتقاد بر آن است که هر قدر طول جمله کوتاه
 باشد، به همان میزان قدرت خوانایی بیشتر است. این روش با
 استفاده از شمارش هجاها و جمله‌ها انجام می‌گیرد. در ابتدا
 باید نمونه انتخاب کرد. حداقل سه نمونه متفاوت از بخش‌های
 مختلف متن مورد ارزیابی، انتخاب می‌گردد. هر نمونه باید صد
 کلمه داشته باشد (بدون محاسبه اسامی خاص). سپس تعداد
 جمله‌های موجود در هر نمونه شمرده می‌شود. در صورتی که
 یکصدمین کلمه در قسمتی از جمله غیر از انتهای آن قرار
 گیرد، تعداد کلمه‌های جمله را محاسبه کرده و مخرج کسری
 قرار داده می‌شود که صورت آن تعداد کلمه‌هایی است که نمونه
 را به عدد صد رسانده است (همان: ۱۶۱-۱۶۰).

سپس تعداد هجاهای موجود هر نمونه محاسبه می‌شود
 (به جز هجاهای اسامی خاص). میانگین تعداد هجاهای هر
 سه نمونه یک صد کلمه‌ای را

به‌دست می‌آوریم و پس از
 تعیین جمله‌ها در هر کدام از
 نمونه‌ها، آن‌ها را جمع کرده
 و به تعداد نمونه‌ها تقسیم
 می‌کنیم تا میانگین جمله‌ها
 در متن به‌دست آید. آن‌گاه
 تعداد هجاها یا سیلاب‌ها را
 با هم جمع کرده و بر تعداد
 نمونه‌ها تقسیم می‌کنیم تا
 میانگین هجاها به‌دست آید.
 برای تعیین سطح خوانایی
 متن مورد ارزیابی نیز میانگین
 جمله‌ها و میانگین هجاها را
 مشخص می‌کنیم، که این
 مسئله، مشخص‌کننده سطح
 خوانایی متن از ساده تا دشوار
 است (همان: ۱۶۱).

برای استفاده از تکنیک فرای در بررسی انجام گرفته در این
 پژوهش، فعل‌ها به چند گروه تقسیم شده‌اند. فعل‌های ساده،
 فعل‌های پیشوندی (که با کلماتی مانند بر، در، فرو، باز، وا،
 و ساخته می‌شوند) فعل‌های مرکب (فعل‌هایی که از یک کلمه،
 که آن را فعل یار می‌نامند، با یک فعل ساده که هم‌کرد نامیده
 می‌شود، ساخته می‌شوند و مجموعاً معنی واحدی می‌سازند)
 همچنین عبارت‌های فعلی و فعل‌های ناگذر یک شش‌صه نیز
 جزو فعل محسوب می‌شوند (انوری، گیوی، ۱۳۸۷: ۲۵-۲۳).

اسم به انواع مختلفی مانند اسم صریح و کنایه تقسیم می‌شود.
 ضمیر جای اسم صریح را می‌گیرد. ضمیر چهار قسم شامل
 ضمیر شخصی، ضمیر متصل یا منفصل، ضمیر اشاره و ضمیر
 مشترک است. اسم به انواعی مانند اسم عام، اسم خاص، اسم

$$۱۵/۳ = ۶/۵ \div ۱۰۰ \div ۱۰۰ \text{ نمونه دوم}$$

$$۲۵ = ۱۰۰ \div ۴ \div ۱۰۰ \text{ نمونه سوم}$$

کلمه‌های بیش از سه هجا را محاسبه کردیم تا تعداد کلمات دشوار مشخص شود. در متن مورد بررسی، نمونه اول ۵ کلمه، نمونه دوم ۱۳ کلمه و نمونه سوم ۱۴ کلمه دشوار وجود داشت. تعداد کلمه‌های دشوار را با تعداد متوسط کلمه‌ها در جمله جمع کردیم.

$$۱۹/۲ = ۱۴/۲ + ۵ = ۱۹/۲ \text{ نمونه اول}$$

$$۲۸/۳ = ۱۵/۳ + ۱۳ = ۲۸/۳ \text{ نمونه دوم}$$

$$۳۹ = ۲۵ + ۱۴ = ۳۹ \text{ نمونه سوم}$$

اعداد حاصل از جمع مرحله قبل را در $۰/۴$ ضرب کردیم. نتیجه حاصل، میانگین مراحل اجرایی هر صفحه را مشخص کرد.

$$۷/۶۸ = ۱۹/۲ \times ۰/۴ = ۷/۶۸ \text{ میانگین مراحل اجرایی نمونه اول}$$

$$۱۱/۳۲ = ۲۸/۳ \times ۰/۴ = ۱۱/۳۲ \text{ میانگین مراحل اجرایی نمونه دوم}$$

$$۱۵/۶ = ۳۹ \times ۰/۴ = ۱۵/۶ \text{ میانگین مراحل اجرایی نمونه سوم}$$

سپس سه عدد میانگین مراحل اجرایی را با یکدیگر جمع کرده و بر عدد ۳ تقسیم کردیم. به این ترتیب میانگین این اعداد به دست آمد.

$$۳۴/۶ = ۷/۶۸ + ۱۱/۳۲ + ۱۵/۶ = ۳۴/۶$$

$$۱۱/۵ = ۳۴/۶ \div ۳ = ۱۱/۵$$

عدد به دست آمده، نشان داد که نوشته از نظر سطح خوانایی، مناسب کدام یک از کلاس‌های آموزش رسمی است. با توجه به محاسبات انجام گرفته، کتاب تاریخ ایران و جهان ۲، مناسب دانش‌آموزی است که ۱۱ سال و ۵ ماه درس خوانده باشد.

بررسی کتاب تاریخ معاصر با استفاده از تکنیک فرای

جهت بررسی کتاب فوق، نمونه‌های تصادفی را از صفحات ۴۴، ۱۴۳ و ۲۰۳ انتخاب کردیم. از بررسی نمونه‌های مورد نظر، جدول زیر به دست آمده است.

جدول شماره ۲

نمونه	تعداد جملات	تعداد هجاها
اول	۷/۷	۱۳
دوم	۵/۴	۲۳
سوم	۶/۶	۱۴
میانگین	۱۹/۷	۵۰

در بررسی جدول فوق، مشخص می‌گردد که براساس تعداد جملات، متن در ابتدا از ساده به مشکل و سپس از مشکل به ساده سیر نموده است. این امر در تعداد هجاها نیز صادق است.

جدول شماره ۱

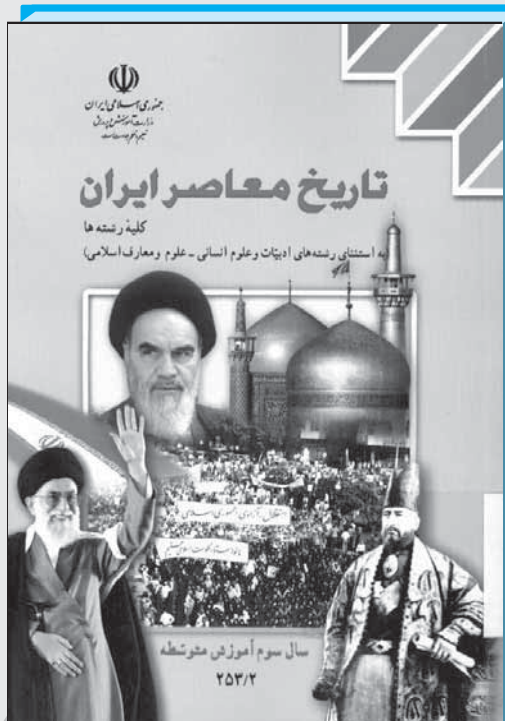
نمونه	تعداد جملات	تعداد هجاها
اول	۷/۴	۱۴
دوم	۷	۱۵
سوم	۶/۶	۱۲
میانگین	۷	۱۳/۶

بر اساس تعداد هجاها و جملات جدول فوق، مشخص می‌شود که مطالب کتاب مزبور، از مشکل به ساده تدوین گردیده است. تعداد جملات تقریباً در یک سطح قرار دارد. برای بررسی دقیق‌تر، کتاب مورد نظر از روش گانینگ تحلیل می‌گردد.

بررسی کتاب تاریخ ایران و جهان ۲ از روش گانینگ

سه نمونه تصادفی برای تحلیل محتوای کتاب فوق، از روش گانینگ، از صفحات ۷۴، ۱۱۱ و ۲۱۲ انتخاب شد. باید دانست که برای محاسبه صحیح باید پاراگراف اول نوشته را در نظر گرفت. در هر صفحه یک نمونه یکصد کلمه‌ای انتخاب می‌شود. (همان: ۱۶۶). تعداد جمله‌های هر نمونه را محاسبه می‌کردیم. تعداد جمله‌های نمونه اول ۷، نمونه دوم ۶/۵ و نمونه سوم ۴ بود. برای محاسبه طول متوسط جمله‌ها، حاصل تقسیم تعداد کلمه‌ها را بر تعداد جمله‌های هر نمونه محاسبه کردیم:

$$۱۴/۲ = ۱۰۰ \div ۷ \div ۱۰۰ \text{ نمونه اول}$$



بررسی کتاب تاریخ معاصر از روش گانینگ

برای تحلیل محتوای کتاب از روش گانینگ، با همان سه صفحه نمونه قبلی که در روش فرای انتخاب شده بود، ارزیابی انجام شد. برای شروع، در ابتدا با کمک تعداد جملات هر نمونه، طول متوسط جمله‌ها، محاسبه شد.

$$12/9 = 7/7 \div 100 \text{ نمونه اول}$$

$$18/5 = 5/4 \div 100 \text{ نمونه دوم}$$

$$15/1 = 6/7 \div 100 \text{ نمونه سوم}$$

سیس تعداد کلمات دشوار هر متن محاسبه شد و آن‌ها را با متوسط کلمه‌ها جمع کردیم.

$$25/9 = 12/9 + 13 \text{ نمونه اول}$$

$$41/5 = 18/5 + 23 \text{ نمونه دوم}$$

$$29/1 = 15/1 + 14 \text{ نمونه سوم}$$

حاصل جمع اعداد مرحله قبل را در $0/4$ ضرب کردیم، نتیجه حاصل، میانگین مراحل اجرایی هر صفحه را مشخص کرد.

$$25/9 \times 0/4 = 10/36$$

$$41/5 \times 0/4 = 16/6$$

$$29/1 \times 0/4 = 11/64$$

آن‌گاه سه عدد میانگین مراحل اجرایی را با یکدیگر جمع و حاصل این جمع را بر ۳ تقسیم کردیم. تا میانگین ارقام محاسبه شود:

$$10/36 + 16/6 + 11/64 = 38/6$$

$$38/6 \div 3 = 12/8$$

عدد به دست آمده، نشان داد که، کتاب تاریخ معاصر، از نظر سطح خوانایی مناسب دانش‌آموزی است که ۱۲ سال و ۸ ماه درس خوانده باشد. به عبارت دیگر، کتاب فوق، برای دانش‌آموزی با سطحی بالاتر از سوم دبیرستان نوشته شده است.

نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت سطح خوانایی متن کتاب‌های درسی بر روی یادگیری فراگیران، تحلیلی از کتاب تاریخ ایران و جهان ۲ و کتاب تاریخ معاصر صورت پذیرفت. این تحلیل مبتنی بر روش فرای و روش گانینگ بود. نتایج به دست آمده نشان داد که مطالب کتاب مزبور، از مشکل به ساده تدوین شده که حاکی از آن است که مطالعه کتاب برای دانش‌آموزان دشوار است. نتایج حاصل از تحلیل محتوای کتاب مزبور از روش گانینگ، نشان داد کتاب تاریخ ایران و جهان ۲ در حد دانش‌آموزی که ۱۱ سال و ۵ ماه درس خوانده باشد، تدوین شده است. بنابراین کتاب نام برده تقریباً ۵ ماه از سن علمی دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان بالاتر است.

تحلیل کتاب تاریخ معاصر از روش فرای، مشخص کرد که بر اساس تعداد هجاهای متن ابتدا ساده، سپس مشکل و مجدداً ساده شده است. بررسی تعداد جملات نیز مطلب قبلی را

تأیید می‌نماید. به نظر می‌رسد متن کتاب از استاندارد نوشتاری درستی پیروی نکرده و لذا فراگیر را دچار مشکل می‌کند.

تحلیل کتاب تاریخ معاصر از روش گانینگ، مشخص کرد که این کتاب از نظر سطح

خوانایی برای دانش‌آموزی نوشته شده است که ۱۲ سال و ۸ ماه درس خوانده باشد. به عبارت دیگر کتاب فوق برای دانش‌آموزی با سطحی بالاتر از سوم دبیرستان نوشته شده است. ضمن آنکه کتاب تاریخ معاصر، عمومی در کلیه رشته‌ها به جز علوم انسانی است و تنها ۲ ساعت درسی در هفته از برنامه آموزشی را به خود اختصاص داده است. به عبارت دیگر دانش‌آموزان کلیه رشته‌ها، موظف به مطالعه کتابی هستند که نزدیک به ۲ سال تحصیلی از معلومات درسی آنان بالاتر است. این نکته‌ای است که باید نظر مؤلفان کتاب مزبور و دفتر تألیف کتب درسی را به آن معطوف داشت. وقتی مطالبی به مراتب بالاتر از سطح معلومات و یادگیری فراگیر باشد، مسلماً نتیجه مطلوب آموزشی به عمل نخواهد آمد. ضمن آنکه اهداف آموزشی و تربیتی که فلسفه وجود درس تاریخ معاصر را در برمی‌گیرد، تأمین نخواهد شد. بنابراین لزوم بازنگری کلی کتاب تاریخ معاصر کاملاً احساس می‌گردد.

منابع

۱. انوری، حسن، احمدی گیوی، حسن، دستور زبان فارسی ۲، ویرایش سوم، انتشارات فاطمی، ۱۳۷۸
۲. باردن، لورنس، تحلیل محتوا، ترجمه محمد عینی دوزی شرخابی و ملیحه آشتیانی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۷۴
۳. تایلر، رالف، و، اصول اساسی برنامه‌ریزی درسی و آموزش، ترجمه علی تقی پورظهیر، نشر آگه، ۱۳۷۶
۴. تقی پورظهیر، علی، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی آموزشی و درسی، انتشارات آگاه، ۱۳۷۸
۵. سیف، علی اکبر، روان‌شناسی پرورشی نوین، روان‌شناسی یادگیری و آموزش، ویرایش ششم، نشر دوران، تهران، ۱۳۸۶
۶. شعبانی، حسن، مهارت‌های آموزشی، جلد دوم، روش‌ها و فنون تدریس، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران، ۱۳۸۶
۷. فرشید ورد، خسرو، دستور مفصل امروز بر پایه زبان‌شناسی جدید، انتشارات سخن، ۱۳۸۲
۸. لوی، الف، مبانی برنامه‌ریزی آموزشی و برنامه‌ریزی درسی مدارس، ترجمه فریده مشایخ، انتشارات مدرسه، تهران، ۱۳۸۵
۹. ملکی، حسن، سازمان‌دهی محتوای برنامه درسی با تأکید بر برنامه درسی مطالعات اجتماعی، نشر قو، تهران، ۱۳۷۴
۱۰. ملکی، حسن، مبانی برنامه‌ریزی درسی آموزش متوسطه، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران، ۱۳۸۰
۱۱. ملکی، حسن، برنامه‌ریزی درسی «راهنمای عمل»، چاپ دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۱
۱۲. یارمحمدیان، محمدحسین، اصول برنامه‌ریزی درسی، ماهیت برنامه‌ریزی درسی، مبانی فلسفی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی برنامه، ارزشیابی برنامه، تحلیل محتوای برنامه با کتاب درسی، انتشارات یادواره کتاب، ۱۳۷۹
13. c.eOsgood, the representational model and relevant research method, in i. de sola pool, op cit., pp. 33-88. 1959.

بازی ایفای نقش

معصومه درویش

آموزش تاریخ در مدارس متوسطه

مقدمه

بازی‌های ایفای نقش عبارت‌اند از: اجرای بازی، نقل داستان و ماجراهای غیرواقعی، و تاکتیک‌ها و بازیگری‌هایی که با هیجان و بیش از همه با سرگرمی همراه هستند. روش ایفای نقش کاملاً شبیه خواندن یک کتاب است، با این تفاوت که خواننده می‌تواند خط سیر داستان را تغییر دهد. با وجود اینکه بازی ایفای نقش در چند دهه از اقبال روزافزونی برخوردار شده. اما هنوز برای بسیاری از افراد کاملاً ناشناخته است. بازیگران این بازی به‌طور عمده جوانان ۱۵ تا ۲۰ ساله‌اند، هر چند گروه‌های سنی بالاتر نیز در آن شرکت می‌کنند. طرح بازی ایفای نقش، یعنی پذیرفتن نقش شخص واقعی (یا غیر واقعی) توسط بازیگر و ایفای آن متناسب با شخصیت، به مهارت و توانایی کافی نیاز دارد. اغلب بازی‌های ایفای نقش دارای

اشاره

امروزه بسیاری از والدین از این نگران‌اند که نوجوانانشان بیش از انجام تکالیف مدرسه‌شان، اوقات خود را صرف بازی‌های رایانه‌ای می‌کنند. روشن است که چون این بازی‌ها نسبت به انجام تکالیف، به لحاظ فکری هیجان‌انگیزترند، مورد توجه نوجوانان هستند. حال، با توجه به این موضوع آیا می‌توان بازی‌های مناسبی با هدف یادگیری تاریخ ساخت؟ نوشته حاضر براساس تجارب نگارنده به این پرسش پاسخ می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: آموزش تاریخ، روش ایفای نقش و قوانین بازی



زمینه‌های تاریخی‌اند، اما بیشتر اوقات عناصری خیالی مانند دیو و یا جادوگر را نیز شامل می‌شوند. صحت تاریخی داستان به اندازهٔ هیجان‌انگیز بودن آن مهم نیست. ایفای نقش داستان‌های علمی تخیلی نیز بسیار رایج است.

بازی‌های ایفای نقش مرسوم توسط یک گروه سه تا پنج نفره شکل می‌گیرند که در آن‌ها، یکی از بازیگران رئیس بازی است و عملاً در بازی شرکت نمی‌کند. زیرا وظیفهٔ او ایجاد نقش برای دیگر بازیگران است تا همه مطمئن شوند آن‌ها طبق قواعدی مشخص بازی می‌کنند. بازی‌های ایفای نقش نیازمند قدرت تخیل قوی و مهارت‌های تمرکزی زیادی هستند.

قوانین بازی‌های ایفای نقش در مدرسه

باید ساده باشند، زیرا معلم نمی‌تواند تمام وقت کلاس را صرف تبیین آن‌ها کند. مهم این است که دانش‌آموزان وادار می‌شوند در مورد نقش‌ها و انگیزه‌های شخصیت‌های تاریخی بیندیشند. آنان با بازسازی رویدادهای تاریخی، تاریخ را بهتر می‌فهمند، تا با یادگیری وقایع، علل و پیامدهای آن‌ها، آن‌ها هم صرفاً از طریق کتاب، تخته سیاه و یا گوش دادن به آموزگار. به عقیدهٔ من، بازی ایفای نقش می‌تواند به دانش‌آموزان در فهم این موضوع کمک کند که تاریخ، تنها بیانگر تولد و مرگ گذشتگان نیست. همچنین، تا زمانی که بازیگران از موضوع درک و دانش کافی داشته باشند، این روش به‌عنوان تقلیدی از زندگی واقعی قابل مشاهده است. بازی‌های ایفای نقش می‌توانند به مهارت‌های فکری دانش‌آموزان کمک کنند. دانش‌آموزان می‌توانند با تفکر دربارهٔ انگیزه‌های شخصیت‌های تاریخی، چیزهایی را به‌صورت علمی و از طریق تجربه بیاموزند. از دیدگاه من، بازی‌های ایفای نقش رویکردی ساختارگرایانه در تدریس تاریخ ارائه می‌دهند. نکتهٔ اصلی روش بازی ایفای نقش این است که باعث می‌شود دانش‌آموزان زندگی یک شخصیت تاریخی را بازسازی کنند.

البته در آغاز درس و قبل از بازی ایفای نقش، معلم مجبور است اطلاعات و دانش مربوط به پیشینهٔ حوادث تاریخی را در اختیار دانش‌آموزان قرار دهد و نقشی یا شخصیت مورد نظر را با استفاده از روشی نسبتاً رفتارگرایانه در تدریس توصیف کند. در این مورد، شیوهٔ تدریس مبتنی بر تئوری آموزشی رفتارگرایانه از این درس که مبتنی بر رویکرد

ساختارگرایی است، حمایت می‌کند. برخی افراد انتقاد دارند که بازی ایفای نقش صرفاً تکرار تعالیم داده شده توسط دبیر در آغاز جلسهٔ درس است، اما به‌نظر نگارنده این بازی اطلاعاتی بیش از تکرار صرف آموخته‌های قبلی به دانش‌آموز ارائه می‌کند. این روش ارزش بیشتری به یک درس معمولی می‌بخشد، زیرا دانش‌آموزان را به اندیشیدن و اتخاذ نقش فعال در آن درس وای می‌دارد. از این رو ممکن نیست که شنونده فردی بی‌تفاوت باقی بماند. به‌نظر نگارنده تاریخ همیشه بازسازی گذشته است. هر نسلی نیاز به بازسازی مجدد گذشته دارد تا بداند چرا گذشته نباید تکرار شود. تدریس به شیوهٔ بازی ایفای نقش فرصتی است برای دانش‌آموزان تا به یک ماشین زمان گام بگذارند و یک واقعهٔ تاریخی را بازسازی کنند.

بازی‌های ایفای نقش مهارت‌های دانش‌آموزان را در تئاتر نیز افزایش می‌دهند. عملاً کاربرد چنین شیوه‌ای در تدریس تاریخ به‌عنوان یک تئاتر آموزشی تلقی می‌شود. دانش‌آموزان می‌توانند با بازسازی و اجرای دوبارهٔ تاریخ، مهارت‌های نمایشی را بیاموزند. همچنین مشارکت دانش‌آموزان در این درس موضوع مهمی است.

تدریس به شیوهٔ ایفای نقش به مشارکت تک‌تک دانش‌آموزان به‌منظور عمل به معیارهای موجود در کلاس درس نیاز دارد. بنابراین معلم باید آن‌ها را به انجام بهتر وظایف تشویق کند. ارائهٔ دستورالعمل‌های کاملاً واضح برای دانش‌آموزان نیز بسیار مهم است. اگر دانش‌آموزان دقیقاً ندانند که چه کاری انجام می‌دهند، ممکن است درس بازی ایفای نقش به هرج‌ومرج کشیده شود. دانش‌آموزان باید زمان کافی در اختیار داشته باشند تا در مورد نقش تاریخی خود در این بازی در حد امکان برنامه‌ریزی کنند. اگر در این بازی‌ها بداهه‌گویی بسیار وجود داشته باشد، ممکن است میزان یادگیری کاهش یابد. اما به دانش‌آموزان باید اجازه داد تا در مورد درس فکر و آن را برای خود تفسیر کنند.

بازی‌های ایفای نقش متفاوت می‌توانند راه‌های انتقال دانش تاریخی را تقویت کنند. یک مشخصهٔ جالب این شیوه استفاده از «رویکرد تاریخ جزئی» است. بسیاری از درس‌های تاریخ با استفاده از شیوهٔ «کلی‌گرایی تاریخ» تدوین و ارائه می‌شوند. در نتیجه دانش‌آموزان تاریخ را از بعد روند کلی تاریخ اقتصادی یا سیاسی یاد می‌گیرند. در عوض بازی ایفای نقش رویکرد تاریخ را که در آن بازیگران تصویر کامل‌تری

تدریس به شیوهٔ

بازی ایفای نقش

فرصتی است برای

دانش‌آموزان تا به

یک ماشین زمان گام

بگذارند و یک واقعهٔ

تاریخی را بازسازی

کنند

مقدمه

ری از شهرهای کهن ایران است و نام آن در اوستا نیز آمده است. این شهر روزگاری مرکز علم و ادب ایران بوده و بزرگان و دانشمندان زیادی از آن برخاسته‌اند که یکی از بزرگ‌ترین آن‌ها محمد زکریای رازی است. از آغاز جوانی و تحصیلات رازی اطلاع دقیقی جز آنچه اصحاب تراجم و ارباب طبقات نوشته‌اند مطالب دیگری در دست نیست. رازی دارای معلومات عمیقی بود، به طوری که در جهان، پس از جالینوس، پزشکی نظیر رازی را نمی‌شناسیم. رازی با دانشمندان تراز اول زمانش رابطه داشت و در گسترش علم طب، به‌ویژه در ری، بسیار کوشید. وی روی اصول تجربی آزمایشی کار می‌کرد، از این رو او به مثابه نمونه‌ای از یک عالم واقعی در نظر پژوهندگان دانش و جویندگان حکمت تا امروز باقی و مورد احترام است. رازی به جز طب در رشته‌های دیگر نیز سرآمد بود. تقریباً نیمی از کتب وی در خصوص فلسفه، ستاره‌شناسی، فیزیک و سایر علوم اند. از رازی قریب ۲۳۸ جلد کتاب و رساله باقی بوده که بیشتر آن‌ها مفقود شده و امروزه جز معدودی از آن‌ها باقی نمانده است. رازی آثار خود را به زبان عربی نوشته است.

کلیدواژه‌ها: دانشمند، ری، الحاوی، رازی، طبیب

شرح حال رازی

نام او محمد، فرزند زکریا، نام جدش یحیی و کنیه‌اش ابوبکر و به دلیل انتساب به ری، او را رازی نامیده‌اند. رازی در کتاب‌ها با عناوین و اوصاف مختلف مانند جالینوس عرب، فیلسوف ری، طبیب مارستانی، طبیب مسلمانان علامه در علم اوائل (علم اوائل به علم یونانی اطلاق می‌شود). خوانده شده است.

در کتاب‌هایی که از رازی به زبان لاتین ترجمه شده است او را «رازس» گفته‌اند. از این

از کیفیت زندگی در زمان و مکان خاص به‌دست می‌آورند، پیشنهاد می‌کند.

آیا اجرای این شیوه در کلاس درس، عملی است؟

من این روش را در بعضی از کلاس‌های دوم و سوم رشته علوم انسانی دبیرستان‌های ساوه توضیح داده و به‌عنوان یک روش یادگیری تاریخ معرفی کرده‌ام. عکس‌العمل دانش‌آموزان در مقابل این روش متفاوت بود. بعضی از آن‌ها خیلی استقبال کردند و آن را در یادگیری بهتر درس مؤثر دانستند. برخی دیگر، بی‌نظمی و سروصدایی را که ممکن است در اثر اجرای این روش به‌وجود آید، مانع از موفقیت آن می‌دانستند.

البته اجرای درست این روش به عوامل زیادی مانند تعداد دانش‌آموزان در کلاس، میزان همکاری آن‌ها با یکدیگر، تعامل مناسب با دبیر و کارهای گروهی بستگی دارد. ولی به هر حال با توجه به اینکه درس تاریخ یکی از درس‌های اصلی در رشته ادبیات و علوم انسانی است و در سایر رشته‌ها هم به‌عنوان تاریخ معاصر، که از اهمیت ویژه‌ای برای آگاهی دانش‌آموزان برخوردار است، تدریس می‌شود، شایسته است همکاران محترم گروه تاریخ از روش‌های نوین در آموزش این درس بهره بگیرند تا مورد توجه و رضایت دانش‌آموزان عزیز ایران اسلامی قرار گیرد.

منابع

۱. رشد آموزش تاریخ، زمستان ۱۳۸۸.

۲. کتاب‌های آموزشی دین و زندگی دوره متوسطه.

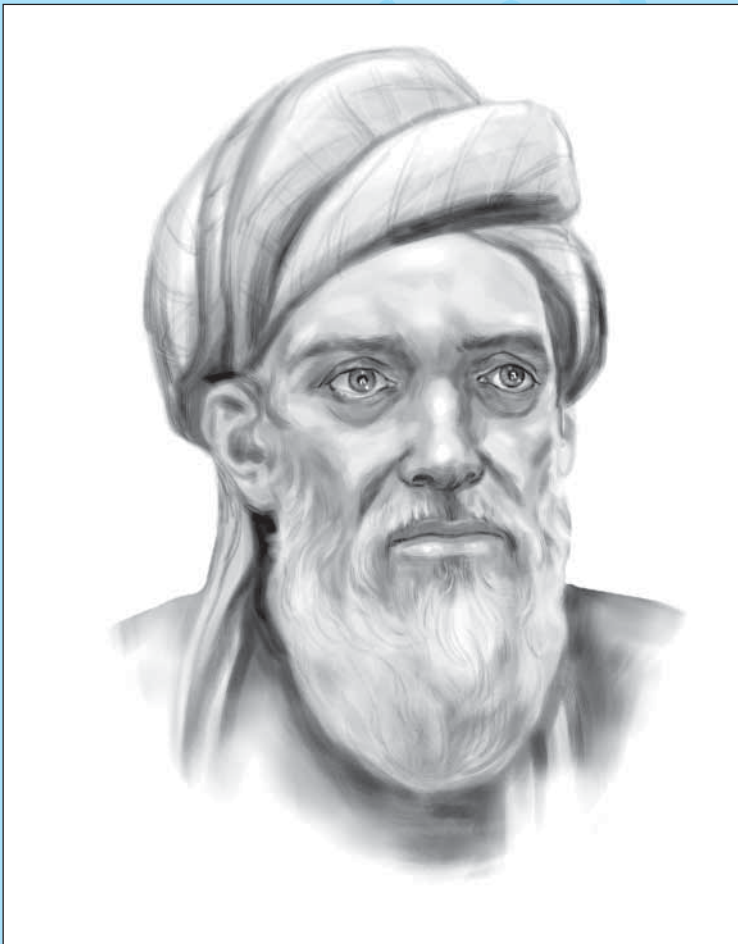
3.www.bfnews.ir

زکریای رازی؛

رو در آثار اروپایی نیز به این نام شهرت دارد. او در شعبان سال ۲۵۱ هجری (مطابق با ۸۵۶ میلادی) در ری به دنیا آمد. ری در آن روزگار مرکز علم و ادب بود و دانشمندان و نویسندگان بزرگی از آن برخاستند. لذا از بلاد بزرگ اسلام به‌شمار می‌رفت. از آغاز جوانی و تحصیلات رازی اطلاع دقیقی در دست نیست. گفته‌اند که او در اوایل جوانی زرگری می‌کرده و برخی نیز نوشته‌اند که او در آغاز صراف بوده است. (محقق، ۱۳۸۶: ۵) یکی از همشهری‌های رازی نقل می‌کند که او هیچ‌گاه از کاغذ و قلم جدا نمی‌شده و همیشه در حال نوشتن بوده است. نیز گفته شده است که از فرط علم‌دوستی، چراغ را در چراغدانی بر روی دیوار می‌نهاد و با کتاب بر آن دیوار تکیه می‌زد و به خواندن می‌پرداخت تا اگر خواب او را در یابد کتاب از دستش بیفتد و او بیدار شود و به مطالعه ادامه دهد. محققان شرق و غرب رازی را بیشتر به طب و کیمیا می‌شناخته‌اند. او در عصر خود از دانشمندان جامع به‌شمار می‌آمده و در غالب رشته‌های علوم زمان خود صاحب تألیفات بوده است، اما تسلطش بر طب و کیمیا بیشتر بوده، تا بدان پایه که سایر فضایل و مقامات ری را تحت‌الشعاع قرار داده بود. در **ابن سینا** جنبه فلسفی بر پزشکی و در رازی پزشکی بر فلسفه غلبه داشت. (ابن‌الندیم، بی‌تا: ۴۱۵). از استادان رازی می‌توان به ابوالعباس ایرانشهری، ابوزید بلخی (محقق، بی‌تا: ۳۲۸) اشاره کرد. در پزشکی شاگرد علی‌بن ربن طبری حکیم بوده که علت ورود رازی به مباحث فلسفه دین و حکمت الهی را در شاگردیش نزد این دانشمند می‌توان جست. (هزار، ۱۳۸۳: ۹۰). رازی با اعمال روش آزمایش و تجربه و مشاهده مستقیم اشیا و مطالعه در جزئیات حال بیمارانی که به او رجوع می‌کردند؛ حوصله و حس خلقی که در کار خود داشت آن‌ها را درمان می‌کرد. وی توانست تعدادی کتاب نیز بنویسد که سبب شد آوازه نبوغ وی به دورترین نقاط عالم برسد و نام ایران و ایرانی را بر فرق معارف بشری و

خدمت به جهان انسانیت با حروفی درشت و زرین نقش کند (حلی، ۱۳۶۱: ۸۹). رازی طبیب خودآموخته‌ای بود و از بزرگ‌ترین و مبتکرترین پزشکان اسلامی و از مؤلفان پر اثر به‌شمار می‌رود. البته آثار طبی او زودتر از دیگر آثارش مورد توجه قرار گرفت. وی در تألیفات خود علم را با عمل توأم می‌کرد و شیوه‌ای مخصوص به خود داشت که همان شیوه مشاهده و تجربه است. به روش قیاسی اعتنایی نداشت، بلکه به نگرش علمی و گزارش بالینی اهمیت می‌داد (صادقی، ۱۳۸۲: ۲۵۳). وی شاگردان زیادی تربیت کرد از جمله آن‌ها یحیی بن عدی،

ربابه طهماسبی



دانشمند بزرگ ایران

ابوالقاسم مقانعی، ابن قارن رازی، ابو غانم طبیب، یوسف بن یعقوب و محمد بن یونس بوده‌اند (محقق، ۱۳۶۸: ۲۷). رازی در پزشکی بسیار نوآور بود و پیروی کورکورانه از پزشکان پیش از خود را روا نمی‌دانست. او کتابی به نام «شوک» نوشته و نظریه‌ها و روش‌های درمانی درست جالینوس را برشمرده است. بر این باور بود که تجربه کردن در طب بهتر از آموختن علم طب است و منظور او از علم طب نوشته‌های پیشینیان است (سارتن، ۱۳۸۳: ۹۵).

دستاوردهای علمی رازی

● رازی اولین کسی است که مانند پزشکان امروز با تهیه گزارش حال بیمار و دریافت سابقه بیماری او پرونده تشکیل داد. وی بیشتر وقت خود را در بیمارستان می‌گذرانید. از این رو به او طبیب بیمارستان، طبیب کلینیکی و یا کلینیسین بزرگ لقب دادند.

● او اولین کسی بود که طب را براساس آزمایش و تجربه پایه‌گذاری کرد.

● استادی بود که برای اولین بار علم را با عمل توأم ساخت.

● اولین دانشمندی بود که بیماری خطرناک آبله و سرخک را تشخیص داد و در تشریح جزئیات این دو بیماری کتاب نوشت.

● کشف الکل اتیلیک از کشفیات رازی بود و نقش مهم این الکل در طب و در شیمی آلی از دید دانشمندان پوشیده نیست. رازی این ماده را الکحول، که همان الکل است نامگذاری کرد.

● رازی نخستین کسی بود که در باب عمل آب مروارید چشم شرحی نگاشت.

● او نخستین کسی بود که از روده گوسفند برای بخیه زدن استفاده نمود و برای بهداشتی نگه داشتن زخم‌ها از الکل استفاده کرد (سارتن، ۱۳۸۳: ۹۵).

● نظریه تخمیری، یا به عبارتی میکروبی و بیماری‌های واگیر را رازی بیان کرد و اولین

مقاله مربوط به آلرژی را به رشته تحریر درآورد. (تاج‌بخش، بی تا: ۷۴).

● رازی اولین طبیبی است که بعضی شعب اعصاب را در سر و گردن شناخته و راجع به آنها توضیحاتی داده است.

● او اولین طبیبی است که سل مفصلی انگشتان را شناخت و آن را توصیف کرد. (طهوری، ۱۳۸۰: ۲۳)

رازی آثار و رساله‌های زیادی نوشت که از آن میان این‌ندیم، در الفهرست، به ۱۱۳ اثر بزرگ و ۲۸ اثر کوچک و دو منظومه وی اشاره می‌کند. الحاوی بزرگ‌ترین کتاب رازی است که بعضی آن را از کتاب قانون ابن‌سینا هم مهم‌تر شمرده‌اند. کتاب الجُدَری و الحَصَبه، یا آبله و سرخک، که از آثار مفصل رازی است در اروپا بسیار مشهور بود. اصل عربی این رساله را چینیک - یعنی آن کسی که آبله‌کوبی را مرسوم کرد- در سال ۱۷۶۶ میلادی در شهر لندن همراه با ترجمه لاتین آن چاپ کرد. الجامع و الکامل و المدخل کتاب دیگری است که از لحاظ مقام پایین‌تر از رسالات دیگر رازی است ولی از نظر پزشکی پر از اطلاعات عمیق است.

طب المنصوری کتاب دیگری است که آن را برای ابوصالح منصور بن اسحق، برادرزاده امیر اسماعیل سامانی، نوشت. سمع‌الکلبان را نیز برای آن نوشت که مدخلی برای علم طب باشد و کار نوآموزان را در فراگرفتن علم طب آسان کند. الفاخر فی الطب (حلبی، ۱۳۶۱: ۵۶). مفید الخواص فی محنة الطبیب (آزمایش کردن پزشکان) من لا يحضر الطبیب (برای کسی که به پزشکان دسترسی ندارد) قرابادین کبیر و قرابادین صغیر، برء‌الساعة (درمان سریع فوریت‌های پزشکی) از دیگر کتاب‌های رازی است. (تاج‌بخش، بی تا: ۷۵)

رازی سخنان طبیبانه مفیدی نقل کرده است از جمله آنکه:

● تا جایی که با اغذیه علاج توان کرد با ادویه معالجه مکنید؛

● دوی مفرد از مرکب بهتر است؛

● هرگاه طبیب عالم و مریض مطیع باشد درنگ (طول) بیماری کم می‌شود؛

● در ابتدای بیماری، تا قوه و نیروی بیمار

یکی از کارهای مهم رازی مبارزه
پیگیرش با معزّمان، یا افسونگران و
جادوگران، بود. معزّمان کسانی بودند
که از پزشکی چیزی نمی‌دانستند
اما ادعا می‌کردند با احضار ارواح
و خواندن اوراد و کلمات عجیب،
بیماران را شفا می‌دهند و مردم را
از شر گزندگان حفظ می‌کنند. رازی
این‌گونه پزشک نمایان را شیاد
می‌نامید

از بین نرفته باشد، به سرعت باید به درمانش پرداخت (مهرین، بی تا: ۳۴۷).

رازی به گرما، باد و رطوبت و نظافت محل زندگی و وجود حمام توجه دارد. او هوای سالم را توصیه می‌کند. دود کردن دانه‌های معطر را برای دفع حشرات (ضد عفونی) توصیه می‌کند (تاجداری، ۱۳۷۱: ۶۱). یکی از مسائلی که رازی توجه خاص به آن داشت «طب روحانی» بود که اخیراً مورد توجه دانشمندان قرار گرفته است. در اروپا نخستین بار طب روحانی رازی مورد توجه دانشمندی هلندی به نام **دی‌بور** قرار گرفت و او مقاله کوتاهی به زبان هلندی در مجله آکادمی هلند نوشت. کتاب طب روحانی رازی را، از نظر طبقه‌بندی در فلسفه، جزو فلسفه اخلاقی به‌شمار می‌آورند. رازی در کتاب طب روحانی خود تقلید از گذشتگان را کنار زد. افکاری که وی در این کتاب ابراز داشته افکاری کاملاً مستقل است. او مانند سایر دانشمندان فقط نقل قول نمی‌کند و خود را فقط ریزه‌خوار سفره گذشتگان قرار نمی‌دهد بلکه از فکر و عقل طبیعی خود نسبت به تحلیل و تجربه مطالب اخلاقی استمداد می‌جوید (محقق: بی تا: ۳۳۲). از دانشمندان و بزرگان ایرانی که درباره رازی کار کرده‌اند و همت بر شناساندن مقام علمی او معطوف داشته‌اند ابن ندیم، صاحب الفهرست، ابوریحان بیرونی، ابن جَلِجَل اندلسی، القفطی و ابن ابی اصیبه بوده‌اند. از معاصران نیز مرحوم محیط طباطبایی مقالات متعددی درباره رازی نوشته و دکتر محمود نجم‌آبادی نیز درباره شرح حال رازی و آثار او مطالب زیادی به چاپ رسانده است (افشار، ۱۳۲۴: ۶۸۷). از دانشمندان خارجی می‌توان به کسانی چون رانکینگ، جی روسکا، ماکس میرهوف، اس پنس و کراوس اشاره کرد (محقق، بی تا: ۳۲۲).

مبارزه با مُعْزَمَان

یکی از کارهای مهم رازی مبارزه پیگیرش با مُعْزَمَان، یا افسونگران و جادوگران، بود. معزمان کسانی بودند که از پزشکی چیزی نمی‌دانستند اما ادعا می‌کردند با احضار ارواح و خواندن اوراد و کلمات عجیب، بیماران را شفا می‌دهند و مردم را از شر گزندگان حفظ می‌کنند. رازی این‌گونه

پزشک نمایان را شاید می‌نامید و عقیده داشت که حکومت‌ها باید از ادامه کار آنان جلوگیری کنند و آن‌ها را به بیمارستان‌ها و مراکز علمی راه ندهند. رازی تأکید فراوان داشت که هر کس ادعای طبابت دارد باید قبلاً از سوی پزشکان مجرب امتحان شود و سپس به مداوای بیماران بپردازد (حکیمی، بی تا: ۵۲).

رازی و امیران سامانی

از رویدادهای مهم پزشکی رازی می‌توان به درمان کردن یکی از امیران سامانی توسط او اشاره کرد. نوشته‌اند که منصور بن نوح سامانی در آغاز پادشاهی خود دچار بیماری سختی شد. گروهی را در طلب محمد بن زکریا فرستاد و رازی عازم دربار امیر شد. اما چون به کنار رود جیحون رسید از نشستن در کشتی سرباز زد و گفت: خداوند دانا در قرآن کریم فرموده است: «و لا تَلْقُوا بایدیکم الی التهلکه» و من آن کس نیستم که، به اختیار، خویش را در بلا فکنم. فرستادگان امیر ناچار به بخارا بازگشتند و محمد زکریا پس از رفتن آنان به تصنیف کتاب طب منصور پرداخت. چون دگر بار فرستادگان امیر در طلبش آمدند، کتاب را به آنان داد و گفت امیر را بگویید آنچه من می‌دانم در این کتاب آورده‌ام و به آمدن من حاجت نیست...

... امیر منصور هدایای ارزنده‌ای برای وی فرستاد و فرمود هر سال دو هزار دینار، و دویست خروار غله در حق پزشک نامی منظور دارند (بغمایی، بی تا: ۹۲۴). همچنین امیر ابوصالح منصور بن اسحاق که به ری حکومت می‌کرد با رازی رابطه خوبی داشت. امیر منصور در سال ۲۹۵ هـ. ق از ری به نیشابور رفت و امارت خراسان را به‌عهده گرفت و در همان جا بیمار شد. رازی برای درمان او به نیشابور رفت و امیر را به شیوه‌ای شگفت‌انگیز مداوا کرد (طهوری، ۱۳۸۰: ۴۰).

ویل دورانت نیز در تاریخ تمدن خود در فصل مربوط به علم پزشکی درباره رازی می‌نویسد: «عرب‌ها هنگامی که وارد شام شدند درباره طب فقط کمی اطلاعات بدوی داشتند. از ابزار و لوازم طبی جز اندکی، که آن هم بی‌فایده بود، نداشتند. ولی چون ثروت فزونی گرفت، در ایران

رازی و کیمیاگری

از روزگار قدیم حکیمان و فیلسوفان دربارهٔ چیستی و واقعیت علم کیمیا و استفادهٔ علمی از آن نظرات متفاوت داشته‌اند. گروهی که انجام این کارها را ممکن می‌دانستند دلیلشان این بود که می‌گفتند معادن هفتگانه زر و سیم و سرب و روی و آهن و آهن چینی یا خاک چینی همه در اصل یک چیزند و، به اصطلاح، اصناف یک نوع‌اند. از کسانی که در اسلام به این طریق رفته‌اند ابونصر فارابی است و حکیمان اندلس و جملگی کسانی که عملاً به کار کیمیاگری می‌پرداخته‌اند همه در این طریقند و می‌گویند این معادن یکی بیش نیست و اختلاف آن‌ها فقط در کیفیات است از قبیل خشکی و تری و سختی و نرمی. همچنین، رنگ‌ها، از زردی و سفیدی و سیاهی و تمام این امور اصناف یک نوع‌اند. گروهی که کیمیاگری را عملی نمی‌دانند و مدعیات گروه اول را نمی‌پذیرند دلیلشان این است که می‌گویند این معادن از نظر فصول مختلف‌اند و از یک نوع نیستند بلکه انواعشان متباین است و هریک از آن‌ها قائم به نفس خود است. گوییم که رازی هم در کیمیا کار کرده و روزگاری در این بوده که از مس طلا و از قلع نقره بسازد. حال، کیفیت کار او با دیگران فرق داشته یا نه کاری نداریم؛ چه، عده‌ای از نویسندگان جدید گفته‌اند که اصلاً کیمیاگری رازی صورتی جدا از کار دیگران داشته و در واقع سر و کار او با کیمیا نبوده بلکه موضوع بحث او شیمی به معنی امروزی بوده است (حلی، ۱۳۶۱: ۹۴).

رازی اولین شیمی‌دانی است که انواع افزارهای گداخت فلزات و دیگر کارهای مرتبط با علم مواد را طبقه‌بندی کرده است. این طبقه‌بندی بعدها مورد استفادهٔ پژوهشگران علم شیمی قرار گرفت و از ابزارشناسی در انجام تحقیقات تجربی بهره‌ها گرفته شد. روش رازی در برخورد با مسائل علوم طبیعی آنچنان منظم و منطقی است که با علمی‌ترین روش امروزی مطابقت می‌کند. رازی به علم مواد و دانش کیمیا به صورت معرفتی مجزا از دیگر شئون جهان‌شناسی خویش نمی‌نگریسته است. تبدیل مواد به یکدیگر در نظر رازی فقط مبدل کردن یک جسم به جسم دیگر و مثلاً تولید زر از مس نبوده است. علم کیمیاگری از

و شام گروهی از طبیبان دانشور و ماهر به وجود آمد که از یونان و هند آمده بودند. نام سی‌وچهار بیمارستان را که در این دوران در قلمرو اسلام فعالیت داشته، ظاهراً همگی به شیوهٔ انجمن علمی و بیمارستان ایرانی جندی‌شاپور پدید آمده بود. اولین بیمارستان که از آن خبر داریم در بغداد به دوران هارون‌الرشید به وجود آمد. از پزشکان معروف آن زمان بُختیشوع و یوحنا پسر ماسوبه و حنین بن اسحاق و علی بن عیسی بزرگ‌ترین چشم‌پزشک اسلام بود. معروف‌تر از همهٔ این‌ها ابوبکر محمد رازی بود که در اروپا به نام «رازس» شهره است. وی مانند اغلب عالمان و شاعران بزرگ دوران خود

ایرانی‌نژاد بود ولی به عربی چیز می‌نوشت.

زادگاهش شهرری نزدیک تهران کنونی است. کیمیای خرافی و علمی و طب را در بغداد آموخت و ۱۳۱ کتاب تألیف کرد که قسمت اعظم آن نابود شده است. از جمله کتاب‌های معروف وی الحاوی در بیست جلد مفصل بود که از همه فروع طب سخن داشت. این کتاب به لاتین ترجمه شد

و به احتمال قوی تا چند قرن معتبرترین کتاب

طبی و مهم‌ترین مرجع این علم در قلمرو انسان سفیدپوست بود و یکی از نه کتابی بود که به سال ۱۳۹۴ میلادی کتابخانهٔ دانشکده طب پاریس را تشکیل می‌داد. به اتفاق آرا رازی مهم‌ترین طبیب اسلام و بزرگ‌ترین عالم طب بالینی در قرون وسطی است. وی در هشتاد و دو سالگی در حال فقر بمرود. در مدرسه طب دانشگاه پاریس دو تصویر رنگی از دو طبیب مسلمان آویزان است که یکی رازی و دیگری ابن‌سینا است. این دو بزرگ‌ترین فیلسوفان و معروف‌ترین طبیبان اسلام بودند (سامی، ۱۳۶۵: ۲۸۲).

رازی دربارهٔ اتم نظریه‌ای داد که از بسیاری

لحاظ با نظریهٔ دموکویت مشابهت دارد. وی

معتقد بود که مواد پیش از خلقت جهان از

اجزای قابل تجزیه (اتم) که دارای بعدند

تشکیل شده‌اند. این اجزا به نسبت‌های

مختلف با ذرات خلأ مخلوط شده و عناصر

چهارگانه را به وجود آورده‌اند که به عناصر

چهارگانه فلاسفه یونان شباهت دارد. وی به

خاک، آب، هوا و آتش و یک عنصر سماوی

معتقد بود

دوران خیلی کهن در ایران باستان رواج داشته و گاهی نامی از آن در کتاب‌های قدیمی برده شده است. در عصر اسلامی نیز جابر بن حیان، زکریای رازی و ابوعلی سینا از استادان مسلم این فن بوده و دارای تألیفات چندی می‌باشند (سامی، ۱۳۶۵: ۲۹۰). ابن‌خلدون نیز دلایل رازی را در پژوهش و بررسی این مسائل و کشف اسباب آن‌ها که چه بوده، به درستی معلوم نکرده است همین اندازه گفته شده که رازی از روش جابر بسیار استفاده نموده ولیکن در برخی موارد هم از طریقه او عدول کرده است. مثلاً جابر اعتقاد داشته که تهیه اکسید تنها با مواد جمادی امکان ندارد، بلکه از مواد گیاهی و حیوانی هم می‌توان استفاده کرد اما رازی در این راه بیشتر به مواد جمادی اعتقاد داشته و از مواد نباتی و حیوانی کم سخن گفته است. در این فن نیز رازی راه و روش خود را در تحقیق از دست نداده و پیوسته به مشاهده و تجربه بیشتر از قیاس تکیه کرده است. جابر قصد داشته است علت غایی اشیا و مواد را دریابد در حالی که رازی را با این فکر کاری نبود و مثل بعضی از مشائیان و اهل تجربه منکر حصول آن بود (حلبی، ۱۳۶۱: ۹۵)

رازی دربارهٔ اتم نظریه‌ای داد که از بسیاری لحاظ با نظریهٔ دموکویت مشابهت دارد. وی معتقد بود که مواد پیش از خلقت جهان از اجزای قابل تجزیه (اتم) که دارای بعدند تشکیل شده‌اند. این اجزا به نسبت‌های مختلف با ذرات خلأ مخلوط شده و عناصر چهارگانه را به‌وجود آورده‌اند که به عناصر چهارگانه فلاسفه یونان شباهت دارد. وی به خاک، آب، هوا و آتش و یک عنصر سماوی معتقد بود. به نظر رازی کلیهٔ خواص عناصر مذکور، از جمله سبکی، سنگینی، شفاف‌بودن و کدر بودن، وابسته به نسبت بین ماده و خلأ است که در ترکیب عناصر مذکور وارد می‌شوند. خاک و آب عنصرهای غلیظ بوده و به مرکز زمین گرایش دارند در حالی که هوا و آتش که در آن‌ها ذره‌های خلأ غلبه دارند به سوی بالا حرکت می‌کنند. عنصرهای سماوی مخلوطی متعادل از ماده و خلأ است که حرکت دورانی از ویژگی آن است. رازی نخستین بار از تقطیر شراب در قرع و انبیب ماده‌ای به‌دست آورد که آن را الکحل نامید. کحل در اصل پودر سیاه

سولفید آنتیمون است که به‌عنوان سرمه مورد استفاده قرار می‌گیرد. (ملاردی، ۱۳۶۹: ۵۳).

منابع

۱. افشار، محمود، آینده، مجلهٔ سیاسی و ادبی مصور، ج ۳، ۱۳۲۴.
۲. ابن‌نذیم، ابوالفرج محمدبن اسحق، بی‌تا، الفهرست، ترجمهٔ فارسی، مصر.
۳. سارتن، جرج، مقدمه‌ای بر تاریخ علم، ترجمهٔ غلام‌حسین صدیقی افشار، انتشارات فرهنگی هنری، چاپ دوم، ج ۱، ۱۳۸۳.
۴. اکبری، علی، مجلهٔ معارف اسلامی، نشریهٔ سازمان اوقاف، سال اول، شهریور ۱۳۴۵.
۵. توماس، هنری، بی‌تا، بزرگان فلسفه، ترجمهٔ فریدون بدره‌ای، انتشارات کیهان، بی‌جا.
۶. تاج‌بخش، حسن، بی‌تا، تاریخ بیمارستان‌های ایران از آغاز تا عصر حاضر، چاپ بهمن.
۷. تاجداری، پرویز، فکر، نظم، عمل و نقش آن در سازندگی و تعلیم‌وتربیت، با همیاری: بانو تاجداری، انتشارات آتا، بی‌جا، ۱۳۷۱.
۸. حلبی، علی اصغر، تاریخ فلاسفه ایرانی از آغاز اسلام تا امروز، انتشارات زوار، چاپ نقش جهان، بی‌جا، ۱۳۶۱.
۹. حکیمی، محمود، بی‌تا، انسان، میکروسکوپ‌ها و موجودات زنده، چاپ شفق، مؤسسهٔ انجام کتاب، بی‌جا.
۱۰. دبیرسیاقی، سیدمحمد، مجموعهٔ مقالات عباس اقبال آشتیانی، بخش ۵، دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
۱۱. سعیدی خوزی، احمد، شناخت ایدئولوژی و معارف اسلامی، نشر دکتر فاطمی، تهران، ۱۳۸۱.
۱۲. سامی، علی، نقش ایران در فرهنگ اسلامی، انتشارات نوید، شیراز، ۱۳۶۵.
۱۳. سپهری، فریدون، پژوهشی دربارهٔ روح و شبیح از دیدگاه ادیان، علما و فلسفه، چاپ نهضت، بی‌جا، ۱۳۸۰.
۱۴. شهرزوری، محمدبن محمود، کنز الحکمه، ترجمهٔ ضیاء‌الدین دری، چاپخانه دانش، تهران، ۱۳۱۶.
۱۵. صادقی، محسن، بزرگان و مشاهیر ری، نشر دارالحدیث، چاپ اول، قم، ۱۳۸۲.
۱۶. صدر حاج سیدجوادی، احمد، دایرةالمعارف تشیع، نشر یاران، ج ۸، تهران، ۱۳۶۹.
۱۷. صفا، ذبیح‌الله، بی‌تا، آموزش و دانش در ایران، تهران، نشر نوین.
۱۸. صفا ذبیح‌الله، تاریخ علوم عقلی، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۳۱.
۱۹. طهوری، مهروش، محمدبن زکریای رازی در ۹۰ دقیقه، بی‌جا، مؤسسهٔ نشر و تحقیقات ذکر، چاپ ۲، ۱۳۸۰.
۲۰. فرشاد، مهدی، بی‌تا، تاریخ مهندسی در ایران، تهران، نشر بلخ.
۲۱. فروغی، محمدعلی، بی‌تا، سیرحکمت در اروپا، چاپ اول، ج ۱، بی‌جا، بی‌تا.
۲۲. فضائی، یوسف، بی‌تا، مناظرات امام فخر رازی دربارهٔ مذاهب اهل سنت، بی‌جا، آرمان، چاپ دوم.
۲۳. محقق، مهدی، فیلسوف ری محمدبن زکریای رازی، چاپ سوم، نشر نی، تهران، ۱۳۶۸.
۲۴. محقق، مهدی، بی‌تا، مجموعهٔ متون و مقالات در تاریخ و اخلاق پزشکی در اسلام و ایران، تهران، نشر سروش.
۲۵. مهرین، مهرداد، بی‌تا، فلسفهٔ شرق، چاپ هنربخش، بی‌جا.
۲۶. ملاردی، محمدرضا و آقاپور، سیدرضا، تاریخ مختصر علم شیمی، بی‌جا، بی‌تا، ۱۳۶۹.
۲۷. هزار، علیرضا، دانشمندان و مشاهیر حرم حضرت عبدالعظیم حسنی و شهری، چاپ اول، ج ۱، قم، ۱۳۸۲.
۲۸. یغمایی، اقبال، بی‌تا، سفرنامه شاردن، بی‌جا، توس، ج ۵.



الله‌وردی خان کیست؟

نحوه ورود الله‌وردی خان به سیاست

جمشید سمیع پور
دبیر تاریخ، ایچ. استهبان

بودند، عناصر چرکس و گرجی را به‌ویژه در امور انتظامی و لشکری وارد صحنه کرد. گرجی‌ها در ابتدا معمولاً به‌صورت غلام در دربار سلاطین صفویه وارد می‌شدند، اما از آنجا که استعداد ویژه‌ای در امور نظامی داشتند، معمولاً خیلی سریع در این زمینه پیشرفت می‌کردند و به مقامات عالی نظامی و کشوری می‌رسیدند. **الله‌وردی خان** یکی از همین گرجیان بود که در جوانی به‌صورت غلامی به سی سکه طلا به‌فروش رسیده بود (دلواله، ۱۳۴۸: ۳۳۱) وی پس از آنکه چندین بار از اربابی به ارباب دیگر فروخته شد بالاخره توسط **شاه طهماسب** خریداری گردید و به جرگه غلامان این پادشاه پیوست و مسلمان شد (فلسفی، ۱۳۷۵: ۴۲۹). **الله‌وردی خان** چون جوانی صدیق، فداکار و عاقل بود از طرف شاه عباس به منصب «قوللر آغاسی» یعنی ریاست و سرداری غلامان شاهی منصوب شد. سپس، ضمن گرفتن لقب خانی، برای اولین بار از سوی شاه عباس به حکومت جربادقان (گلیپانگان) منصوب شد (هدایت، ۱۳۳۹: ۲۵۲) در ادامه، در سال ۱۰۰۴ ه.ق/۱۵۹۵م به فرمان شاه عباس به امیرالامرای ولایت تروتمند و با اهمیت فارس گمارده شد (ترکمان، ۱۳۵۰: ج ۱: ۵۱۵) و یک سال بعد نیز کهگیلویه به قلمرو حکمرانی وی افزوده شد.

کلیدواژه‌ها: الله‌وردی خان، گرجی‌ها، شاه عباس

مقدمه

طی قرون متمادی، مردم قفقاز، از جمله گرجی‌ها، عامل مهمی در حیات کشوری و لشکری ایران محسوب می‌شده‌اند. گرجی‌ها، مخصوصاً در امور نظامی و سپاهیگری، همواره مردمانی موفق و مؤثر بوده‌اند، چنان‌که **خواجه نظام‌الملک** در کتاب سیاست‌نامه در مورد لشکر و سپاه این‌طور توصیه می‌کند که لشکر نبایستی از یک گروه و جنس باشد، بلکه بایستی از نژادهای مختلف و متنوع باشد تا باعث شورش و خطری نشود و اگر از این لشکر برخی از گرجیان و شبانکاران پارس باشند شایسته و مناسب است زیرا اینان از مردان نیک هستند. (طوسی، ۱۳۷۵: ۱۲۲)

در دوره‌های مختلف تاریخ ایران بسیاری از گرجیان به مقامات عالی‌رتبه دولتی و فرهنگی و نظامی ایران نائل شده‌اند. در عصر صفویه، به‌ویژه در پادشاهی **شاه عباس اول**، از آنجا که نزاع و کشمکش بین دو عنصر ترک (قزلباش) و تاجیک (ایرانی) و نیز سرکشی و خودسری سران قبایل قزلباش موجب پربشانی اوضاع کشور شده بود، شاه عباس درصدد استفاده از اقوام قفقاز یعنی ارمنی‌ها، چرکس‌ها و گرجی‌ها در اداره امور لشکری و کشوری برآمد. این پادشاه برای خنثی کردن و مهار نمودن سرداران مقتدر، خودسر و گردن‌کش قزلباش که باعث سستی حکومت مرکزی و تجزیه کشور شده



سابقه سیاسی خاندان اللهوردی خان

در بررسی سابقه سیاسی خاندان اللهوردی خان، می‌بایست به سیاست‌های شاه طهماسب اول، و به‌ویژه شاه عباس اول، در وارد کردن نیروی سوم به دستگاه صفویان اشاره کرد. همچنان که گذشت درگیری و تنش بین دو گروه ترک و ایرانی، و به‌ویژه سرکشی‌ها و شورش‌های ترکان قزلباش، که از زمان شاه اسماعیل مرسوم شده بود، لزوم تعدیل قدرت آنان را ضروری می‌ساخت. این تعدیل به صورت وارد کردن نیروی سوم از زمان شاه طهماسب آغاز گردید؛ بدین ترتیب که شاه طهماسب طی چهار لشکرکشی که بین سال‌های (۹۶۰-۹۴۶ ه. ق/ ۱۵۵۲-۱۵۳۹ م) به منطقه قفقاز انجام داد، (همان: ۸۴، روملو: ۴۸۸) اسپران گرجی، چرکس و ارمنی زیادی را از آنجا به ایران آورد. ورود این گروه‌ها تأثیرات بسیار زیادی را بر نهادهای نظامی و سیاسی کشور گذاشت. (سیوری، ۱۳۷۴: ۶۲) بدین معنا که مجموعه این گروه‌ها، در واقع به صورت نیروی سومی در جهت تعدیل و ایجاد توازن در بین دو گروه قبلی یعنی عنصر ایرانی و ترک عمل می‌کردند. ورود این نیروی سوم، به خصوص زنان گرجی و چرکس به حرم شاهی، تهدید جدی برای دو گروه قبلی بود. البته سرکشی‌های قزلباشان و بروز اختلافات بین آنان، از جمله میان شاملوها و تکلوها از یک طرف و بیات و افشار با استاجلوها از طرف دیگر، از همان اوایل پادشاهی شاه طهماسب بروز کرد و حتی در موردی، بر اثر درگیری بین آنان در داخل دولتخانه، موجب اصابت دو تیر به تاج پادشاه شد (روملو، ۱۳۵۷: ۳۰۹) که همین امر در تلاش‌های شاه طهماسب برای کاهش قدرت آنان بی‌تأثیر نبود. شدت گرفتن این اختلافات پس از مرگ شاه طهماسب، به‌ویژه در مورد موضوع انتخاب جانشین، که موجب گسیختگی امور نظامی، اقتصادی و اجتماعی و در نهایت ضعف دولت صفوی می‌گردید شاه عباس را بر آن داشت تا به این خشونت‌ها و سرکشی‌ها پایان دهد. وی که خودش توسط یکی از حکام باغی قزلباش به تخت سلطنت رسیده بود پس از تثبیت قدرت خویش سعی کرد با ایجاد نیروی جدیدی از غلامان، از سرکشی‌ها و خودرایی‌های قزلباشان بکاهد. شاید یکی از دلایل این اقدام شاه عباس (سرکوبی قزلباشان) علاوه بر جلوگیری از سرکشی آنان، بدین خاطر بود که قزلباشان با شیوه پادشاهی خشن و مستبدانه وی مخالفت می‌ورزیدند. آن‌ها در واقع خود را شریک در قدرت و حکومت می‌دانستند و حاضر نبودند در برابر تمام تصمیمات و خواسته‌های

شاه عباس تسلیم شوند. (شاردن، ۱۳۵۴: ۲۰۹)

بدین ترتیب شاه عباس اندکی پس از رسیدن به سلطنت، ضمن سرکوبی گروه باغی قزلباش به بهانه انتقام خون مادر و برادرش و با کشتن **مرشد قلی خان** (قمی، ۱۳۵۹: ۵-۸۷۲؛ ترکمان، ۱۳۵۰: ۴۰۰-۳۹۹) یعنی همان کسی که وی را به تخت سلطنت رسانده بود، نیروی جدیدی را به نام «نیروی غلامان سلطنتی» به وجود آورد. (رهربرن، ۱۳۵۷: ۴۸) برخی از این «غلامان» از طرف امرای مطیع گرجستان و داغستان و یا حکام محلی ولایات قفقاز به‌عنوان هدیه برای شاه فرستاده می‌شدند و از همان آغاز در دربار و یا در خدمت اعیان و اشراف و سران لشکر قرار می‌گرفتند و پس از آموزش دیدن و تربیت شدن مسلمان می‌شدند. در نتیجه فرزندان آنان نیز به‌عنوان غلامان شاه در



۱۳۴۵، ج: ۸، ۳۴۸

نحوه ورود اللهوردی خان به دنیای سیاست

در راستای سیاست شاه عباس مبنی بر کاهش قدرت قزلباشان و استفاده از نیروی سوم، طی مدت کوتاهی، گرجیان، ارمنی‌ها و چرکس‌ها به بالاترین مقامات کشوری منصوب شدند. **مینورسکی** برآورد کرده است که در پایان سلطنت شاه عباس گروه‌های مذکور یک پنجم مناصب بالای اجرایی را اشغال کرده بودند. در بعضی موارد این نودولتان جامعه صفوی، سعی در تأسیس سلسله‌های خانوادگی خود داشتند که نمونه بارز آن اللهوردی خان مشهور است.

تاسال ۴-۱۰۰۳ هـ.ق/ ۱۵۹۵ م، اللهوردی خان گرجی یکی از قدرتمندترین افراد کشور صفویه شده بود. او نه تنها تصدی مقام قوللر آقاسی یا فرمانده هنگ‌های غلامان، (یکی از پنج مقام عمده کشور) را عهده‌دار بود بلکه حکمران ولایت ثروتمند فارس نیز بود. یعنی سال ۱۰۰۴ هـ.ق تا ۱۰۲۲ هـ.ق این انتصاب نشان‌دهنده تغییر عمده در سیاست شاه عباس بود. قبل از آن کلیه ولایات عمده به دست امرای قزلباش اداره می‌شد. اللهوردی خان به تساوی رتبه با امرای قزلباش دست یافت و اولین نماینده اشرافیت جدید غلامان شد. قدرت او در سال ۱۰۰۶ هـ.ق/ ۱۵۹۸ م، هنگامی که به فرماندهی کل نیروهای مسلح انتخاب شد به اوج خود رسید. می‌توان دستیابی او را به چنان مرتبه و در مدت کوتاه تنها یک صعود برق‌آسا نامید (سیوری، ۱۳۷۴: ۷۰) وی به‌عنوان سرداری با تدبیر در نبردهای متعددی که شاه‌عباس با ازبکان و عثمانی‌ها (در شرق و غرب کشور) و نیز با استعمارگران پرتغالی داشت، از خود گذشتگی‌های بسیاری نشان داد، چنان که در سال ۱۰۱۰ هـ.ق/ ۱۶۰۱ م به کمک پسرش امام‌قلی بیگ بخش‌هایی از سواحل و جزایر خلیج فارس من جمله بحرین را از پرتغالی‌ها باز پس گرفت (اقبال، ۱۳۲۷: ۲۹)

شاه عباس، اللهوردی خان را از همه سرداران بزرگ ایران عزیزتر و محترم‌تر می‌داشت و چون این سردار پیر بود همیشه او را پدر خطاب می‌کرد. هیچ یک از سرداران با او در مقام و مرتب برابر نمی‌کرد. اللهوردی خان با سی هزار سوار مجهز و جنگ‌آزموده‌ای که در اختیار داشت بر تمام ولایات جنوبی ایران

خدمت دربار صفوی به کار گرفته می‌شدند (فلسفی، ۱۳۵۷: ۲۲۹) از همین قشر بود که شاه عباس یک ارتش دائمی و مجهز به سلاح‌های آتشین تهیه کرد و با تبدیل املاک متصرفی به املاک خالصه حقوق آنان را معین نمود. این غلامان از قدرت و نیروی بسیاری برخوردار بودند. **شاردن**، سیاح فرانسوی، قدرت این غلامان را به اندازه نجبا و اشراف دربار فرانسه می‌داند و در مورد حقوق آن‌ها می‌نویسد: «مستمری سالیانه هر یک از این گروه بیست تومان است و البته غذا و خوراک به عهده دربار می‌باشد.» (شاردن، ۱۳۵۴، ج: ۲، ۳۱۵)

ویژگی مهم این غلامان این بود که برعکس قزلباشان، به هیچ‌کس به جز شاه وفاداری نداشتند و کوچک‌ترین نشانی از تمرد و سرکشی از آنان مشاهده نمی‌شد. همه آن‌ها بنده‌زاده بودند و در دستگاه حکومت صفوی به‌عنوان عناصری بیگانه محسوب می‌شدند. آنان چه در داخل کشور و چه در میان خودشان هیچ‌گونه پیوند خویشاوندی و وابستگی نداشتند و حتی غالب آنان از اصل و نسب خودشان هم اطلاع درستی نداشتند، بنابراین هیچ‌گاه هوس طغیان علیه ولی‌نعمت خود به ذهن راه نمی‌دادند، خواه برای نجات جان خودشان و یا برای رسیدن به تخت پادشاهی. (همان، ۱۵۲: ۸)

شاه عباس علاوه بر تشکیل یک ارتش دائمی از آنان، بسیاری از مقامات عالی و مهم کشور را براساس لیاقت و شایستگی آن‌ها و بدون توجه به پایگاه خانوادگی و قبیله‌ای‌شان، به آنان واگذار کرد و بدین ترتیب اشرافیت گذشته را که در رأس کلیه امور قرار گرفته بود (ترک و تاجیک) از میان برداشت. از مهم‌ترین این غلامان می‌توان **اللهوردی خان** و پسرش **امام‌قلی خان** را نام برد (مینورسکی، ۱۳۶۸: ۲۵) اللهوردی خان آن چنان در دستگاه شاه عباس قدرتمند شده بود که نه تنها مقام قوللر آقاسی (فرمانده هنگ‌های غلامان) را برعهده داشت بلکه به سبب اصابت رأی و حسن تدبیر و شجاعت و دلاوری (ترکمان، ۱۳۵۰، ج: ۲: ۶۹۶) به مقام زرگرباشی یعنی نظارت بر جواهرات و سیم و زر که به مملکت وارد و یا از آن خارج می‌شد نیز دست یافت. (اقبال، ۱۳۲۶: ۲۹-۲۷؛ شاردن،

در راستای سیاست شاه عباس مبنی بر کاهش قدرت قزلباشان و استفاده از نیروی سوم، طی مدت کوتاهی، گرجیان، ارمنی‌ها و چرکس‌ها به بالاترین مقامات کشوری منصوب شدند. در پایان سلطنت شاه عباس گروه‌های مذکور یک پنجم مناصب بالای اجرایی را اشغال کرده بودند



و سواحل خلیج فارس حکم می‌راند. شاه عباس در جنگ‌های بزرگی که با دولت عثمانی می‌کرد، بیشتر به نیروی نظامی او متکی می‌شد. (فلسفی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۴۳۰)

الله‌وردی خان با وجود چنین اختیارات وسیعی هرگز از فرمان ولی نعمت خود سرپیچی نکرد، اصولاً این‌گونه حکام و خان‌ها اگرچه از طرف شاه به حکومت مطلق یک منطقه و یا ناحیه منصوب می‌شدند و تقریباً از استقلال نسبی برخوردار بودند ولی همواره وظیفه داشتند که مطیع شاه باشند و حتی مجبور بودند که در مواقع و ایام ویژه، من جمله عید نوروز، برای شاه پیشکش بفرستند (تاورنیه بی تا: ۵۸۸) یا با اولین پیغام شاه وظیفه داشتند با تمام سپاه منطقه تحت حکومت خویش، به نقاطی که شاه امر کرده و یا در نبردهایی که شاه از آن‌ها دعوت می‌کرد، شرکت کنند و انجام این وظایف و اوامر شاه برای آنان لازم‌الاجرا بود.

منابع

۱. ترکمان، اسکندربیک. **عالم آرای عباسی**، چاپ دوم، ۳ جلد، تهران: انتشارات مؤسسه امیرکبیر با شرکت کتابفروشی تأیید اصفهان، ۱۳۵۰.
۲. خواندمیر، غیاث‌الدین بن هماد الدین. **حیب‌السیرفی اخبار افراد البشر**، جلد ۴، تهران: بی تا، ۱۳۳۴.
۳. روملو، حسن‌بیک. **احسن التواریخ**، تصحیح عبدالحمین نوایی، تهران: انتشارات بابک، ۱۳۵۷.

۴. رهبرین، کلاویوس میسائیل. **نظام ایالات در دوره صفویه**، ترجمه کیسکوس جهاننداری، تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۷.
 ۵. سیوری، راجر. **ایران عصر صفوی**، ترجمه کامبیز عزیزی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات نشر مرکز، ۱۳۷۴.
 ۶. طوسی، خواجه نظام‌الملک. **سیاست‌نامه**، به کوشش جعفر شعار، چاپ هشتم، تهران: انتشارات شرکت سهامی کتاب‌های حبیبی، ۱۳۵۷.
 ۷. فلسفی، نصراله. **زندگانی شاه عباس اول**، چاپ ششم، پنج جلد، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۵.
 ۸. قمی، قاضی احمد. **خلاصه التواریخ**، به تصحیح احسان اشراقی، دو جلد، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۹.
 ۹. مینورسکی، **سازمان اداری حکومت صفوی** یا تعلیقات مینورسکی بر تذکره‌الملوک، ترجمه مسعود رجب‌نیا، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۸.
 ۱۰. هدایت، رضا قلی خان. **روضه‌الصفای ناصری**، جلد هشتم، بی تا، انتشارات کتابفروشی‌های مرکزی خیام و پیروز، ۱۳۳۹.
 ۱۱. اقبال، عباس. «قسمتی از ماجرای خلیج فارس»، **یادگار**، شماره سوم و چهارم، سال سوم و چهارم، ۲۷-۱۳۲۶.
 ۱۲. تاورنیه، ژان باتیست. **سفرنامه تاورنیه**، ترجمه ابوتراب نوری، با تجدید نظر کلی و تصحیح حمید شیروانی، اصفهان: انتشارات کتابخانه سنایی و کتابفروشی تأیید، بی تا.
 ۱۳. دلاواله، پیترو. **سفرنامه پیترو دلاواله**، ترجمه و شرح و حواشی شعاع‌الدین شفا، تهران: انتشارات ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸.
 ۱۴. شاردن، ژان. **سیاحت‌نامه شاردن**، ترجمه محمد عباسی، جلد ۲، ۳، ۵ و ۸، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۴۵.
15. Her bert, sir Thomas, **Travels in persia 1628-29**, London, 1928

↓ پل الله وردی خان یا سی و سه پل
اصفهان



بلوچستان در دوره صفوی

دکتر نصرت خاتون علوی
دبیر تاریخ، سراوان

مقدمه

تا چند دهه پیش، بلوچستان یکی از ایالت‌های دورافتاده ایران به شمار می‌رفت. این ناحیه که در جنوب شرقی ایران واقع شده است دارای مردمی آریایی‌نژاد، ایرانی و از اقوام بلوچ می‌باشند. زبان بلوچی یکی از شاخه‌های فرس قدیم و از زبان‌های ایرانی و هندی است.

در دوران پایانی حکومت‌های ایلخانی در گوشه و کنار ایران و دوره فترت پس از ایلخانان تا روی کار آمدن صفویان، با اینکه حکومت‌هایی مقتدر در ایران و خصوصاً در ناحیه شمال غرب ایران تأسیس یافت که مدعی تسلط بر سراسر ایران بودند، تلاشی از سوی آن حکومت‌ها برای استیلا بر بلوچستان صورت نگرفت و این سرزمین، اغلب، تحت سلطه خوانین و سرداران محلی قرار داشت. با تشکیل حکومت متمرکز صفویان در ایران، آن‌ها بلوچستان (مکران) را نیز، که از سرزمین‌های ایرانی بود، به قلمرو خود افزودند و این ناحیه آخرین بخش از ایران بود که این سلسله توانستند قدرت خود را در آن گسترش دهند.

حمله قزلباش‌ها به بلوچستان، برای گسترش قدرت صفویان، نخستین بار در اواخر سلطنت شاه تهماسب صفوی صورت گرفت و از آن پس قزلباش‌ها توانستند این بخش از ایران را حفظ کنند. شاه عباس نیز، در بیست و پنجمین سال سلطنت خود، دستور حمله به بلوچستان را صادر کرد و در اولین حمله بخش‌هایی از بلوچستان را گشود. شاه سپس اداره بخشی از بلوچستان را به والی کرمان و قسمت دیگری از آن را به ملوک سیستان سپرد.

حاکمان کرمان در هر تهاجمی که به خاک بلوچستان انجام می‌دادند، عده‌ای از سران مناطق مختلف این ناحیه را به گروگان می‌گرفتند و آنان را به ولایات مجاور بلوچستان، از جمله کرمان، و حتی به یزد منتقل می‌کردند.

در مجموع، در اثر حملات متعددی که در زمان صفویان به بلوچستان انجام شد و به ویرانی برخی از دهات و آبادی‌ها و سرکوب مردم و سیاست‌های خشن حاکمان در این بخش از ایران منجر گردید موجب شد بلوچ‌ها در سال‌های پایانی سلطنت صفویان شورش کنند و حملاتی را به نواحی مجاور بلوچستان آغاز نمایند.

کلیدواژه‌ها: صفویه، بلوچستان، پرتغال، شاه اسماعیل، مکران

نخستین نفوذ صفویان در بلوچستان

شاه اسماعیل، مؤسس سلسله صفوی، نخستین کسی بود که توانست با کمک قزلباش‌ها تلاش موفقیت‌آمیزی را برای کسب قدرت سیاسی به کار گیرد. وی به ایجاد یک امپراتوری در چارچوب جغرافیایی ایران می‌اندیشید. هدف شاه اسماعیل آن بود که بساط ملوک‌الطوایفی را از ایران براندازد و به جای حکام و خوانین محلی یک حکومت مرکزی شیعه مذهب قوی به وجود آورد لذا پس از استقرار در آذربایجان شروع به تسخیر سایر نقاط ایران و ترویج مذهب شیعه نمود. وی پس از سیزده سال جنگ و ستیز توانست وحدت ملی و تمامیت ارضی ایران را تأمین کند (مهدوی، ۱۳۶۴: ۱۲) بدین ترتیب صفویان پس از قرن‌ها تسلط بیگانگان در ایران، از جمله مغول‌ها و تیموریان، مقدمات ایجاد یک دولت واحد و متحد ملی را تدارک دیدند و این حکومت به دست شاه اسماعیل اول تأسیس گردید. شاه اسماعیل از همان ابتدا در نظر داشت برای تشکیل دولت ملی مرزهای باستانی ایران را زنده نماید و مرزهای ایران را تا حدود قلمرو آخرین سلسله ایرانی پیش از حضور اعراب یعنی

ساسانیان گسترش دهد. برای نیل به این مقصود، با اینکه وی مشکلات بسیاری در غرب داشت در سال ۹۰۹ هـ ق که **الوند بیک آق قویونلو** را در همدان و **سلطان مراد** را در شیراز شکست داد، توجه خود را به نواحی جنوب شرقی ایران معطوف داشت. وقایع نامه‌ها ضمن گزارش حوادث ربیع‌الاول ۹۰۹ هـ ق خبر از تصرف کرمان به دست شاه اسماعیل می‌دهند. در این فتح، وی به علت اشتغالاتی که در شمال غرب و شمال شرق ایران داشت توجهی به بلوچستان ننمود؛ اما تقاضای او از **آلبوکرک**، دریاسالار پرتغالی، برای سرکوب خراج‌گزاران شورشی در سواحل مکران و انعقاد قرارداد با وی در سال ۹۲۱ هـ ق حاکی از توجه وی به نواحی جنوب شرقی ایران است (کمبریچ، ۱۳۸۰: ۱۸۹). در سال ۹۱۳ هـ ق هنگامی که آلبوکرک در جزیره هرمز لنگر انداخته بود، دو فرستاده شاه اسماعیل وارد جزیره شدند تا از سلطان هرمز مالیات معوقه را تحصیل نمایند. آلبوکرک مانع پرداخت شد و اعلام نمود که هرمز خراجگزار پادشاهی پرتغال است. خراج خواستن شاه اسماعیل از توران‌شاه، امیر هرمز نشان از عزم وی برای دستیابی مجدد بر تمامی سرزمین‌های ایرانی است (فلسفی، ۱۳۷۱: ۱۴۶۴). با این حال، چون سپاه شاه اسماعیل فاقد توپخانه و تجهیزات لازم برای جنگ با پرتغالی‌ها بر جزیره هرمز بود راه دیگری برگزید و تصمیم گرفت با پرتغالی‌ها کنار بیاید و از وجود آنان علیه عثمانی استفاده کند؛ بنابراین با عقد قراردادی قرار شد دو کشور علیه عثمانی متفقاً بجنگند و پرتغالی‌ها نیز در فرونشاندن اغتشاشات سواحل بلوچستان و مکران ایرانی‌ها را یاری رسانند.

تقاضای شاه اسماعیل برای سرکوب حملات خراجگزاران شورشی در سواحل مکران نشانگر آن است که این نواحی پیش از دوره صفویه تابع دولت ایران بوده است (شوستر والسر، ۱۳۶۴: ۲۲) اقدامی که

شاه اسماعیل اول به منظور اعمال حاکمیت ایران در جنوب شرق انجام داد بسیار به موقع و بجا بود، زیرا اگر این عمل دیرتر صورت می‌پذیرفت، امکان داشت پرتغالی‌ها که در سال ۹۱۲ هـ ق به جزیره هرمز و سواحل خلیج فارس رسیده بودند و از آنجا که می‌خواستند ارتباط خود را با هند حفظ نمایند، نواحی جنوبی بلوچستان و مکران را نیز تصرف کرده و ادعای مالکیت کنند، همان‌گونه که آلبوکرک به نماینده شاه اسماعیل در خصوص تصرف هرمز گفت: «ما هرمز را با زور و توانایی گرفته‌ایم و متعلق به دون مانوئل پادشاه پرتغال است.» (مهدوی، ۱۳۶۴: ۲۲). بنابراین اگر اقدام به جای شاه اسماعیل در رابطه با بلوچستان نبود بعدها در مورد قسمتی از بلوچستان که صفویان آن را تصرف کردند ابهاماتی به وجود می‌آمد و آن را جدا از ایران می‌دانستند. بعدها چنین ابهامی در خصوص بلوچستان شرقی (بلوچستان انگلیس) در دوره قاجاریه مطرح شد و چون حاکمیت ایران در بلوچستان شرقی به مرکزیت کلات کم شده بود انگلیسی‌ها آن قسمت را تحت عنوان حاکمیت کلات جدا نمودند و بعد تحت عنوان «بلوچستان انگلیس» به خاک هند منضم کردند.

اقدامات شاه اسماعیل در خصوص تسلط بر بلوچستان اگر چه به نتیجه قطعی منجر نشد اما سبب شد در دوره شاه تهماسب اول (۹۳۰-۹۸۲ هجری قمری) امکان تسلط کامل ایران بر بلوچستان را فراهم سازد. در دوره شاه تهماسب ممالک خراسان و زابلستان تا اقصی نقاط ولایت قندهار و... مملکت فارس و کرمان و ولایت کیچ و مکران تا قصبه لار و ناحیه هرمز به قبضه اقتدار و سرپنجه اختیار پادشاه فریدون جاه معدلت دستگاه سکندر سپاه درآمد (نطنزی افوشته‌ای، ۱۳۷۸: ۱۸). این فتوحات طبعاً با خشونت و سخت‌گیری همراه بود و قتل و غارت و منافع مادی و کسب غنائم نیز در آن بی‌نقش نبود، **حسن بیک روملو** گزارش می‌دهد: در آن

اوان معلوم شد که در ولایت کیچ و مکران اموال بسیار و ملک دینار، حاکم صفاری آن دیار، به غایت مفلوک و پریشان است. غازیان آن ولایت را نیز تاختند و اموال فراوان گرفته روانه شیراز شدند (روملو، ۱۳۵۷: ۲۹۱). در گزارش دیگر آمده است: اسباب بی‌حد و نهایت و اموال بیرون از غایت به دست عساکر قزلباش و سپاه شاهزاده عالمیان افتاد و نواب میرزایی و نواب‌خانی، با ملازمان و لشکریان، معمور و آبادان شدند و عنایت پادشاه عطابخش، ابواب جمعیت بر روی شاه و سپاه بگشاد (خواندمیر، ۱۳۷۰: ۱۵۳).

این بدرفتاری‌ها البته نتایج منفی بر جای نهاد، به طوری که در همان دوره شاه تهماسب که گروهی از نقویان در انجدان و کاشان به **مراد** نامی که دعوی امامت نقویان می‌نمود پیوستند، مردم بلوچستان نیز به وی کمک نمودند. به نقل از تاریخ الفی: زمانی که مراد گرفتار و محبوس شد و جمعی از متابعانش به قتل رسیدند اموال زیادی از آن جمع واصل شد؛ چه، از تمامی ولایت سند و کیچ و مکران تحف و هدایا برای ایشان فرستاده می‌شد (فلسفی، ۱۳۷۱: ۹۰۷).

فتح بلوچستان (مکران) در دوره شاه عباس

در اواسط سال ۱۰۱۷ هـ ق **شاه عباس** به تصرف بلوچستان فرمان داد، اما در ابتدای امر به مستقر ساختن تعدادی از تحصیلداران مالیات نزد قبایل مختلف اکتفا شد (رهبر، ۱۳۴۲: ۱۶). از جمله گروه‌هایی که برای جمع‌آوری مالیات و استقرار قدرت حکومت مرکزی در بلوچستان مأموریت یافتند گروهی از کردها بودند که بازماندگان آن‌ها امروزه کردهای ساکن ناحیه سرحد بلوچستان را تشکیل می‌دهند. در بیست و پنجمین سال سلطنت شاه عباس، **شاهوردی خان**، سلطان کرد محمودی، که حاکم بن فهل و کیچ و مکران بود از بن فهل (بمپور



و به اصفهان تبعید شد (ترکمان، ۱۳۵۰: ۸۶۱). گنجعلی خان بعد از دستگیری ملک شمس الدین، حاکمیت بمپور و توابع آن را به ملک میرزا، که او هم از تبار صفاریان بود، واگذار نمود به این شرط که هر سال مالیات آنجا را به کرمان بفرستد. همچنین، گنجعلی خان، برای جلوگیری از طغیان مجدد بلوچ‌ها از رؤسای نواحی فونج، دزک و قصر قند عده‌ای را گروگان گرفت و به کرمان مراجعت کرد. برخی از گروگان‌ها در کرمان اسکان داده شدند، طوری که محله مکرانی‌ها تا سال ۱۲۹۱ هـ.ق، که وزیر تاریخ کرمان را تألیف کرده است، در این شهر معروف بوده است (وزیری کرمانی، ۱۳۷۵: ۲۸۲). شماری دیگر از این گروگان‌های مکرانی به یزد منتقل و در آنجا اسکان داده شدند. محله‌ای مشهور به باغ و محل کیچ (کیچ) و مکرانیان در زمان صفویه در یزد وجود داشته است (مستوفی بافقی، ۱۳۴۲: ۷۴۲-۱۶۷). ملک شمس الدین که بعد از دستگیری به اصفهان انتقال داده شده بود به خدمت شاه عباس رسید «و چون دعوی سیادت و تشیع و دوستداری اهل بیت طاهربین می نمود مراحم خسروانه شامل حال او گشته» شاه مقرر کرد به کرمان برود و در آنجا آزادانه زندگی کند ولی چون به کرمان رسید در گذشت (ترکمان، ۱۳۵۰: ۸۶۲) گنجعلی خان، بعد از فتح بمپور و

سپرد (سیستانی، ۱۳۴۳: ۱۷۳). یکی از ملوک سیستان که در کتاب احیاءالملوک سیستانی از او یاد شده است **ملک یحیی** است. او بعد از تسلط قزلباش‌ها بر سیستان، بیشتر اوقات خود را در مکران، که از سال‌ها قبل ملک‌ها در آن قدرت داشتند می‌گذراند، زیرا تسلط قزلباش‌ها باعث کاهش نفوذ و قدرت ملک‌ها در سیستان شده بود. بعد از ملک یحیی پسرش ملک خلیل حاکم بزمان شد و اکثر نواحی کیچ و مکران به او مالیات می‌دادند. ملک‌شاه خلیل قلعه بمپور را تسخیر کرد و خواهر ملک دینار، حاکم این شهر، را به زنی گرفت. در این زمان جمعی از امیران مکران از جمله امیر محمد، امیر تاج الدین، ملاحافظ و ملاعزیز از بیم شمشیر ملک ناصر الدین پناه به ملک دینار آورده بودند. چون ملک‌شاه خلیل بعد از فتح بن فهل بر آن‌ها سخت گرفت با یکدیگر متحد شدند و شاه خلیل و برادرش را کشتند و **ملک شمس الدین** پسر ملک دینار را به‌عنوان حاکم بن فهل انتخاب کردند (همان: ۳۲۶). ملک شمس الدین که در این زمان حاکم بن فهل و بخش وسیعی از بلوچستان بود، با آگاهی از حرکت گنجعلی خان به طرف مکران، نیروهایش از همه مکران گرد آورد و آماده جنگ شد. در جنگ بین نیروهای او و دولت مرکزی، ملک شمس الدین شکست خورد و به طرف بمپور عقب‌نشینی کرد و در قلعه این شهر متحصن شد؛ ولی بعد از دو ماه محاصره قلعه سقوط کرد و ملک دستگیری

کنونی) عازم اصفهان بود که در نزدیکی اصفهان درگذشت. شاه عباس برادرش را به جای او به حکومت بن فهل منصوب کرد. اما در فاصله درگذشت شاهوردی خان و مستقر شدن برادر شاه عباس به جای او، **ملک‌ها** که فرمانروایان قبلی بمپور بودند از فرصت استفاده کردند و قدرت را دوباره به‌دست گرفتند.

پیشینه فرمانروایی ملک‌ها بر بلوچستان به دوران حاکمیت «ملک زوزن» بازمی‌گشت که در زمان سلطنت قطب الدین محمد خوارزمشاه به حکمرانی کرمان آمده و بلوچستان را نیز تسخیر کرده بود، و بعد از آن بلوچستان تحت حکم ملک‌هایی که از نژاد صفاریان بودند قرار گرفت (وزیری کرمانی، ۱۳۷۵: ۶۴۵).

با قدرت یافتن مجدد ملک‌ها، شاه عباس به **گنجعلی خان**، حاکم کرمان، دستور داد به بلوچستان برود و قلعه بمپور را بگشاید. به همین منظور در سال ۱۰۲۲ هـ.ق، گنجعلی خان به عزم تسخیر بلوچستان حرکت کرد. در این زمان بلوچستان پایگاهی برای ملک‌های سیستان نیز بود؛ زیرا بعد از سرکوب ازبک‌ها توسط شاه اسماعیل او شماری از نیروهای قزلباش را به سیستان فرستاده بود تا به‌عنوان وکیل بر کار ملک محمود سیستانی، والی سیستان، نظارت داشته باشند. در واقع، هر چند حاکم سیستان در جنگ با ازبکان به این امید که اداره این سرزمین به او داده شود شرکت کرده بود، اما شاه اسماعیل برای اطمینان از نفوذ قدرتش در سیستان، در عمل اداره این سرزمین را به قزلباش‌ها

→ قلعه بم پور



رفت. شاه از تقصیر او چشم پوشید و دوباره حکومت مکران را به او تفویض کرد (همان: ۱۳۲).

نقش بلوچ‌ها در حوادث سیاسی پس از سقوط اصفهان

با اینکه عده قابل توجهی از بلوچ‌هایی که با افغان‌ها همراه شده بودند، پس از سقوط اصفهان به ولایت خود بازگشتند اما عده‌ای از آن‌ها با افغان‌ها باقی ماندند و با آنان مدتی همکاری کردند. ولی دیری نگذشت که با افغان‌ها سر ناسازگاری و مخالفت برداشتند. از جمله آن‌ها باید به **محمدخان و میرعبدالله خان بلوچ** اشاره نمود.

محمدخان بلوچ یکی از سرکردگان بلوچ بود که در رکاب محمود افغان حضور داشت و مدتی هم زبردست خان حکمران افغان‌ها در شیراز به سر می‌برد؛ در زمانی که سید احمد، نواده میرزا داود، متولی آستان قدس مشهد در ابرقوی فارس شورش کرد (استرآبادی، ۱۳۴۱: ۲۲) محمدخان در سرکوب او مشارکت کرد. وی در دوره اشرف نیز به‌عنوان ایلچی و سفیر به کشور عثمانی فرستاده شد. وی در جنگی هم که با سپاهیان صفی میرزای صفوی در ۱۱۳۹ هـ.ق شرکت نمود تقریباً همگی آنان را نابود ساخت (فلور، ۱۳۶۷:

و تصور می‌نمودند که خلاصه معموره جهان [فقط] ولایت کبج و مکران است» (همان).

ملک‌میرزا که بعد از دستگیری ملک شمس‌الدین به حکومت مکران رسیده بود، رابطه‌ای دوستانه با مرکز داشت. او در سال ۱۰۳۰ هـ.ق در قزوین با شاه‌عباس ملاقات کرد و اظهار اطاعت نمود. در زمان او حتی جمعی از تفنگچیان بلوچ به فرماندهی یکی از بستگانش، به نام ملک اختیارالدین، در سال ۱۰۳۳ هـ.ق در فتح بغداد شرکت کردند. شاید به همین سبب در این سال شاه‌عباس اداره همه بلوچستان را به ملک میرزا واگذار کرد. با این همه ملک میرزا در سال ۱۰۳۵ هـ.ق سر از اطاعت پیچید و «به درگاه جهان پناه نیامد و رسم مبارک‌بادی به جای نیاورد و پیشکش نفرستاد» (مورخ، ۱۳۱۷: ۱۳۱). با این اقدام، ملک جلال‌الدین، حاکم سیستان که قبلاً اداره و جمع‌آوری مالیات بخشی از بلوچستان زیر نظر او بود، موقعیت را مناسب دیده و برای به اطاعت درآوردن ملک‌میرزا از شاه اجازه خواست که شاه‌عباس با درخواست وی موافقت کرد. در نتیجه ملک جلال‌الدین با لشکری از نیروهای سیستانی متوجه مکران شد. ملک‌میرزا که اوضاع را چنین دید نیروهای خود را به محافظت قلعه بن‌فهل گماشت و خود برای عذرخواهی نزد شاه‌عباس

گرفتن گروگان از مناطق مختلف بلوچستان، حکومت بم و بلوچستان را به **شاه‌قلی بیگ** تملوی زیک از بستگان خود داد. واگذاری حکومت بلوچستان به حاکم بم، که می‌باید از آنجا این سرزمین وسیع را اداره می‌کرد، نه تنها باعث استقرار قدرت دولت در بلوچستان نشد، بلکه در درازمدت نتیجه این سیاست بیگانگی بخشی از بلوچستان، در پی تضعیف تسلط مرکزی ایران بر آن و سرانجام جدایی آن از قلمرو ایران بود.

حاکمیت صفویان بر بلوچستان، پی‌آمدهای مهمی داشت از جمله به حکومت سیصد ساله ملک‌ها در بمپور و بخشی از بلوچستان پایان داد. به هر حال، بلوچستان از این زمان با نظام‌های حاکم بر کشور پیوند شکننده‌ای یافت تا جایی که موجب شد همواره پادگانی از نیروهای دولتی در بمپور مستقر شوند که سیاستی برای مهار بلوچستان بود. این روش تا پایان دوره قاجار تداوم یافت.

نویسنده تاریخ عالم‌آرای عباسی، فتح بلوچستان در زمان شاه‌عباس را دوره پیوند این بخش از بلوچستان با دولت مرکزی می‌داند و می‌نویسد: «این زمان طبقه ملوک کبج و مکران از پادشاهان جهان جز نامی نشنیده بودند و هرگز از ملک خود بیرون نیامده و دست حوادث زمان به گریبان دولت ایشان نرسیده بود

۱۳۲-۱۲۲) و عاقبت به حکمرانی شیراز رسید. با این حال، محمدخان، که سر سازگاری چندانی با افغان‌ها نداشت پس از بازگشت از قسطنطنیه چون دولت مستعجل غلزی‌ها را رو به افول دید به فراست جانب نادرشاه افشار را گرفت و به حکومت کهگیلویه رسید (فسایی، ۱۳۶۷: ۱۷۳). میرعبدالله خان بلوچ نیز از کسانی بود که در رکاب اشرف به‌سر می‌برد. وی پس از مدتی دست به شورش زد و حکومت یزد و کرمان را برای برادرزاده خود درخواست کرد. وی به محمد میرزای صفوی که در نواحی میناب ادعای سلطنت کرده بود پیوست و بنابر گزارشی حدود هفت-هشت هزار بلوچ در این ماجرا به محمد میرزا پیوستند (فلور، ۱۳۶۷: ۱۰۸). البته محمد میرزا موفقیتی به دست نیآورد و زیردست خان افغان وی را شکست داد. به نظر می‌رسد پیوستن بلوچ‌ها به جریانات مختلف دارای انگیزه‌های غیر از به‌دست آوردن منافع مادی و غنایم نبوده است، چرا که وقتی آن‌ها ملاحظه کردند ثروت‌های به‌دست آمده از اصفهان عازم قندهار می‌شود متوجه شدند فریب خورده‌اند، لذا پیشیمان شدند و این ندامت را هنگام روبه‌رو شدن با شاهسلطان حسین بیان داشتند.

در نهایت باید گفت اگر بدرفتاری‌هایی که صفویان پس از فوت شاه‌عباس بزرگ در خصوص بلوچستان روا داشتند روی نمی‌داد و لشکرکشی و بند و بست‌های هر روزه‌ای توسط حکمرانان صفوی علیه بلوچ‌ها انجام نمی‌گرفت مردم بلوچ دست به غارت و چپاولگری نمی‌زدند. گزارش‌ها نشان می‌دهد که - با این حال - بعضی از سران بلوچ از این حرکات - یعنی غارت و چپاول - تبری می‌جستند و حتی شیخ جمشید و مارا سنگ و بعضی جماعت سرحدی و لائشاری به کرمان آمدند و پیشکش برای حاکم کرمان آوردند (مشیزی، ۱۳۶۹: ۵۶۵). کسانی که از بلوچ‌ها به بدی یاد کرده‌اند تنها به قاضی رفته‌اند در حالی که اقدامات بلوچ‌ها واکنش به ظلمی بود که بر آنان روا می‌گردید.

خشونت‌ها و سودجویی‌ها که در روزگار یابانی صفوی در حق بلوچ‌ها صورت گرفت، مقدمه‌ای بود برای عکس‌العمل‌های بعدی این اقوام، چرا که بدون هیچ‌گونه شک و تردیدی قسمت اعظم پیروزی‌های محمود افغان را بلوچ‌ها آفریدند و اگر آنان نبودند آن پیروزی به دست نمی‌آمد همان‌طور که پس از جدایی بلوچ‌ها از افغان‌ها زمینه شکست افغان‌ها فراهم آمد و آخرالامر هم مشکل افغانه را بلوچ‌ها رفع کردند. می‌دانیم که اشرف افغان به دست **ابراهیم خان بلوچ** (عبدالله خان) در زردکوه بلوچستان از بین رفت و ابراهیم خان سرش را با الماس بسیار بزرگی نزد شاه تهماسب (دوم) فرستاد (مرعشی، ۱۳۲۸: ۸۰) و با این عمل آنان نشان داد که بلوچ‌ها باز هم به حکومت مرکزی وفادارند.

نتیجه

اقدام به موقع بنیانگذاران سلسله صفوی بلوچستان را نجات بخشید و از سیطره پرتغالی‌ها بر این منطقه جلوگیری کرد. چون هدف صفویان تشکیل دولت ملی در چارچوب مرزهای جغرافیایی قدیم ایران بود، آنان برای تسلط بر بلوچستان تلاش نمودند. نتیجه اینکه، از زمان شاه‌اسماعیل تا شاه‌عباس، به تدریج، بلوچستان به مام وطن پیوست.

تا زمانی که شاه‌عباس در حیات بود، با سیاست و نظارت مستمری که داشت و گماردن نیرویی در بمپور و حکمرانی لایق مانند گنجعلی خان، امنیت نواحی جنوب شرقی فراهم بود، چراکه گنجعلی خان با مردم با وفق و مدارا برخورد می‌کرد، اما پس از فوت او جانشینانش با همه قدرتشان نتوانستند در بلوچستان حضور دایمی و فعالی داشته باشند و لذا از نفوذ آن‌ها در این ناحیه کاسته شد و بلوچ‌ها از زیر سلطه دولت مرکزی خارج شدند. دولت‌های مرکزی از آن پس مجبور به لشکرکشی‌های متعدد به این ناحیه می‌شدند که باعث به زنجیر کشیدن مردم و به‌وجود آمدن زمینه‌های طغیان بلوچ‌ها شد؛ و چون این اعمال رنگ مذهبی نیز

می‌گرفت ضدیت آنان با دولت صفوی بیشتر گردید. در نهایت، این ظلم‌ها، باعث هجوم، غارت و پیوستن بلوچ‌ها به افغانان عاصی شد، در حالی که اگر این بدرفتاری‌ها نبود بر اساس گزارش‌های تاریخی موجود بلوچ‌ها هرگز علیه دولت مرکزی عصیان نمی‌کردند.

منابع

۱. استرآبادی، میرزا مهدی خان. تاریخ جهانگشای نادری، تصحیح انوار، تهران: ۱۳۴۱.
۲. ترکمان، اسکندربیک. تاریخ عالم‌آرای عباسی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۰.
۳. خواندمیر، محمود. تاریخ شاه‌اسماعیل و شاه‌تهماسب، (ذیل تاریخ حبیب‌النیر)، تصحیح دکتر محمدعلی جراحی، تهران: نشر گستره، ۱۳۷۰.
۴. روملو، حسین‌بیک. احسن‌التواریخ، به تصحیح عبدالحسین نوابی، تهران: انتشارات بابک، ۱۳۵۷.
۵. رهر، برن. نظام ایالات در دوره صفوی، ترجمه کیکاوس جهاننداری، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۲.
۶. سیستانی، ملک‌شاه حسین. احیاء الملوك، به اهتمام دکتر منوچهر ستوده، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۳.
۷. شوستر والسر، سبیل. ایران صفوی از دیدگاه سفرنامه‌های اروپاییان، ترجمه غلامرضا وره‌رام، تهران: ۱۳۶۴.
۸. فلسفی، نصرالله. زندگانی شاه‌عباس اول، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۱.
۹. فلور، ویلم. برافتادن صفویان و برآمدن محمود افغان (به روایت شاهدان هلندی)، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: انتشارات توس، ۱۳۶۵.
۱۰. فلور، ویلم. اشرف افغان بر تختگاه اصفهان، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: انتشارات توس، ۱۳۶۷.
۱۱. فسایی، میرزا حسن. فارس‌نامه ناصر، تصحیح دکتر منصور رستگار فسایی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۷.
۱۲. کمبریج. تاریخ ایران دوره صفویان، تهران: انتشارات جامی، ۱۳۸۰.
۱۳. مرعشی، میرزا محمد خلیل. مجمع‌التواریخ، در تاریخ انقراض صفویه و وقایع بعد تا ۱۲۰۷ هجری قمری، به اهتمام عباس اقبال، تهران: ۱۳۲۸.
۱۴. مشیزی، میرمحمدسعید. تذکره صفویه کرمان، مقدمه و تصحیح محمد ابراهیم باستانی پاریزی، چاپ اول، تهران: نشر علم، ۱۳۶۹.
۱۵. مهدوی، عبدالرضا هوشنگ. تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴.
۱۶. مورخ، محمدیوسف. ذیل تاریخ عالم‌آرای صفوی، به تصحیح سهیلی خوانساری، تهران: کتابفروشی اسلامی، ۱۳۱۷.
۱۷. مستوفی باقی، محمد مفید. جامع مفیدی، به کوشش ایرج افشار، تهران: ۱۳۴۲.
۱۸. نظری افوشته‌ای، محمدبن هدایت‌الله. نقاوه‌الآثار فی ذکر الاخبار در تاریخ صفویه، به اهتمام احسان اشرفی، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸.
۱۹. وزیر کرمانی، احمدولی خان. تاریخ کرمان، به تصحیح و تحشیه محمد ابراهیم باستانی پاریزی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۵.



مسعود جوادیان

ره آورد سفر

رشد آموزش تاریخ در آنجا حضور یافته بودم، نه در نقش کارشناس گروه تاریخ (که چند سالی است، نیستیم).

در آن جمع با کار و حاصل زحمات خانم شهبازی آشنا شدم. گفت‌وگوی کوتاهی که در همین شماره می‌خوانید حاصل آن سفر است.

ذکر برخی از نیازها و مطالب مورد علاقه همکاران که از آن‌ها یادداشت برداشتم در پایان این گزارش خالی از فایده نیست:

۱. مطالب مرتبط با کتاب درسی تاریخ معاصر منتشر شود.

۲. ما باید حس کنیم مفیدیم و به مطالعه نیاز داریم که امکان آن فراهم نیست.

۳. کتاب‌های درسی [تاریخ] تحولی در دانش آموز ایجاد نمی‌کنند.

۴. تا زمانی که از کتاب تاریخ معاصر ایران سؤال‌هایی برای کنکور لحاظ نشود، دانش‌آموزان و اولیا به آن اعتنایی نخواهند کرد.

۵. به ما توصیه می‌کنند که در تدریس، به فهم مطالب اهمیت دهیم اما پرسش‌های دروس متمرکز، همه حافظه را مبنا قرار می‌هند!

۶. نباید به دبیران غیر متخصص اجازه تدریس تاریخ بدهند.

موضوع را دنبال نکرده بودند! منظور از درخواست‌شان چه بود؟ فرم اشتراک پر کرده بودند؟ به مدیر یا اداره درخواست داده بودند؟ می‌شد این را پرسید اما چه حاصل؟

تنی چند نیز شاکوی دلخور بودند که چرا مجله به صورت رایگان به ایشان داده نمی‌شود! حتی یکی از خانم‌ها پرسشی را با صدای بلند و تأکید بر کلمه «فاجعه» تکرار می‌کرد: «آیا این فاجعه نیست؟» «فاجعه نیست که مجله رایگان در اختیارشان قرار نمی‌گیرد؟» گفتیم: اصلاً فرض کنید تاکنون رشد آموزش تاریخ وجود نداشت و تازه قرار است منتشر شود. دوست دارید چه مطالبی در آن چاپ شود؟ چه نیازی دارید؟ چه مطالبی منتشر کنیم که برای شما مفید باشد؟ به یاد ندارم به پرسش‌م پاسخی دادند یا نه. اما به جز یک نفر که درباره ضرورت انتشار مقالات مربوط به تاریخ معاصر سخن گفت فضای مجلس، به سوی کتاب‌های درس تاریخ لغزید و مشکلات و معضلات آن‌ها به ویژه کتاب تاریخ معاصر ایران.

طبق معمول با ناراحتی از کتاب مزبور سخن می‌گفتند و از تدریس آن در رنج بودند. چاره‌ای نداشتیم جز اینکه سکوت کنم و وارد این وادی نشوم؛ چون در نقش سردبیر

در اواخر مهر ماه سال گذشته با هماهنگی قبلی با سرگروه تاریخ استان سیستان و بلوچستان، (خانم قهقایی)، عازم زاهدان شدم تا در جمع دبیران استان حضور یابم. به خانم قهقایی گفته بودم که من به‌عنوان مؤلف کتاب درسی به آنجا نمی‌آیم بلکه به این منظور خواهم آمد که نظرات همکاران را درباره محتوای مجله رشد تاریخ جویا شوم و از آن‌ها بپرسم: آیا مقالات و مطالب مجله، توجه‌شان را جلب می‌کند؟ به کارشان می‌آید؟ در تدریس و تعمیق کتب درسی به آن‌ها کمک می‌کند؟ و....

پس از خوشامدگویی سرگروه استان - خانم قهقایی - و سخنان ایشان نوبت صحبت به من رسید. درباره مجله توضیحاتی دادم و خطاب به حضاران سؤال‌اتم را مطرح نمودم و منتظر طرح دیدگاه‌ها و نظرات آن‌ها شدم.

شماری از ایشان سخن را آغاز کردند. طبعاً هر کسی سخنی داشت: وقتی رشد تاریخ چاپ شد، درخواست‌مان را فرستادیم اما مجله برایم نیامد!

متحیر بودم چه بگویم. همان سال نخست چاپ مجله، یعنی سال ۷۸، درخواست داده بودند و چون به دستشان نرسیده بود،

اشاره

در سفرم به زاهدان، در اواخر مهرماه سال گذشته، که برای شرکت در نشست دبیران استان سیستان و بلوچستان انجام شد، خانم حمیده شهبازی، از دبیران استان، نیز در نشست حضور داشت. وی نمونه‌هایی از ابزارهای کمک‌آموزشی را که خود به تدریج فراهم کرده بود و در تدریس از آن‌ها بهره می‌برد همراه داشت. بهتر دیدم گفت‌وگویی مستقل، هر چند کوتاه، با وی انجام دهم تا سایر همکاران از فعالیت‌های وی مطلع شوند.



● لطفاً خودتان را معرفی کنید.

○ حمیده شهبازی. دبیر تاریخ ناحیه یک زاهدان، دبیرستان فاطمیه

● چند سال سابقه کار دارید؟

○ ۲۷ سال

● در چه پایه‌هایی تدریس می‌کنید؟

○ در همه پایه‌های دبیرستان. سال دوم و سوم رشته علوم انسانی؛ تاریخ ایران و جهان (۱) و تاریخ ایران و جهان (۲). در سال چهارم رشته انسانی، درس تاریخ‌شناسی که بیشترین ابزار کار را برای معلم تاریخ می‌طلبد؛ در سال سوم تجربی و ریاضی، درس از ابزار، اشیاء و تصاویر هم برای درس تاریخ معاصر که از دوره‌های باستان ایران مطلب را شروع کرده و همچنین برای بخش معاصر، که برای دانش‌آموزان به ذهن نزدیک‌تر می‌باشد، استفاده می‌کنم.

● آیا دانش‌آموزان شما به درس تاریخ علاقمندند؟ دانش‌آموزان رشته تجربی و ریاضی بیشتر به درس تاریخ علاقه دارند یا دانش‌آموزان رشته علوم انسانی؟

○ عده‌ای از دانش‌آموزان به درس تاریخ علاقمندند. دانش‌آموزان در رشته علوم انسانی هم تا حدودی علاقمند هستند. در عین حال چاره‌ای جز فراگیری درس تاریخ ندارند، همچنین در سال‌های دوم، سوم و چهارم، دروس آن‌ها با تاریخ عجین شده و در مراکز

آموزش عالی، گرایش‌های مختلفی را با توجه به فراگیری خوب مباحث تاریخ دارند که بتوانند ادامه تحصیل دهند. اما در کل می‌توان گفت که دانش‌آموزان این رشته به جهات متفاوتی، که باید بررسی شود، تلاش کمتری دارند و ما سعی‌مان بر همراهی و همکاری بیشتر در این دروس است. در حالی که برای دانش‌آموزان رشته تجربی و ریاضی تاریخ معاصر درس امتحان نهایی آن‌ها نیست، اما تلاش بیشتری می‌کنند.

● برای علاقه‌مند کردن بیشتر دانش‌آموزان به درس تاریخ چه کرده‌اید؟

○ طی چند سال اخیر، متوجه شدم که هرچه قدر برگه‌های کتاب و تصاویر آن کیفیت بهتری داشته باشد، بچه‌ها بیشتر خوشحال می‌شوند و زمانی که خطوط برجسته و تصاویر، جالب و رنگی باشد که اندکی از کادر صفحات را تصویر گرفته است باعث خشنودی آن‌ها می‌شد و خوشحال می‌شدند. لذا در ابتدا تصمیم من بر آن بود که کتاب‌های غیردرسی را با وجود اینکه بسیار قطور و سنگین بود، با خود به کلاس ببرم تا شاید در فرصت مناسب، مطلبی از آن را بخوانم یا اگر تصاویری داشت برای دانش‌آموزان نمایش دهم. من بارها این کار را انجام می‌دادم و حتی از نقشه‌ها و اطلس‌های جغرافیایی که تصاویر رنگی داشتند برای چشم‌نوازی دانش‌آموزان استفاده می‌کردم.

شدنی است، اگر بخواهیم!

گپ و گفت با حمیده شهبازی، دبیر تاریخ شهر زاهدان

سرانجام پس از مدتی تصمیم گرفتیم تصاویر کتاب‌های تاریخی غیردرسی و تصویری از موزه و باغ- نادری مشهد و شهر توس و آرامگاه فردوسی و موزه‌ها و مراکز دیدنی تخت‌جمشید، از جمله تصاویر کوروش و داریوش و فرمان منشور کوروش و تصاویر مربوط به شخصیت نادرشاه افشار و صحنه نبرد کرنال و تصاویر افسانه‌هایی از شاهنامه در آرامگاه فردوسی را در اندازه بزرگ تهیه و آماده کنیم. همه این موارد در مباحث مختلف قابل استفاده بود و کاربرد داشت. حتی ظروف طرح قدیمی و جدید را نیز خریداری کرده و با خود به کلاس می‌بردم و به دانش‌آموزان نشان می‌دادم در نتیجه هم من از کارم راضی بودم و هم دانش‌آموزان.

حتی از سفال‌های شهر سوخته سیستان و تصاویری از کوه خواجه، که به نام قلعه اشکانیان معروف است، و تصاویر تابلوفرش‌هایی که تقریباً قدیمی بود و هم برای تاریخ‌شناسی و هم برای مباحث اولیه و باستانی تاریخ معاصر کاربرد داشت استفاده می‌کردم و حتی برای درس سکه‌شناسی و ضرب سکه از پولک‌های قدیمی که برای تزیین به کار می‌رفته، استفاده می‌کنم.

در بخش نقاشی و حجاری‌های قدیم و باستان، سعی کردم از نمونه لیوان‌های سفالینه جدید با طرح و نقش‌های آرام و هم طرح افسانه‌های آن‌ها که روی برخی از لیوان‌های سفالی، تصویرهای حیوانات افسانه‌ای ترسیم شده و تولید کشور چین است در کلاس نمایش دهم. در هر صورت برای تنوع و خوشایند بودن مباحث مختلف کتاب تاریخ از هر ابزاری حتی اگر این ابزارها ابتدایی و اولیه باشد، استفاده می‌کنم.

● آیا از وسایل و روش‌های دیگری هم استفاده کرده‌اید؟

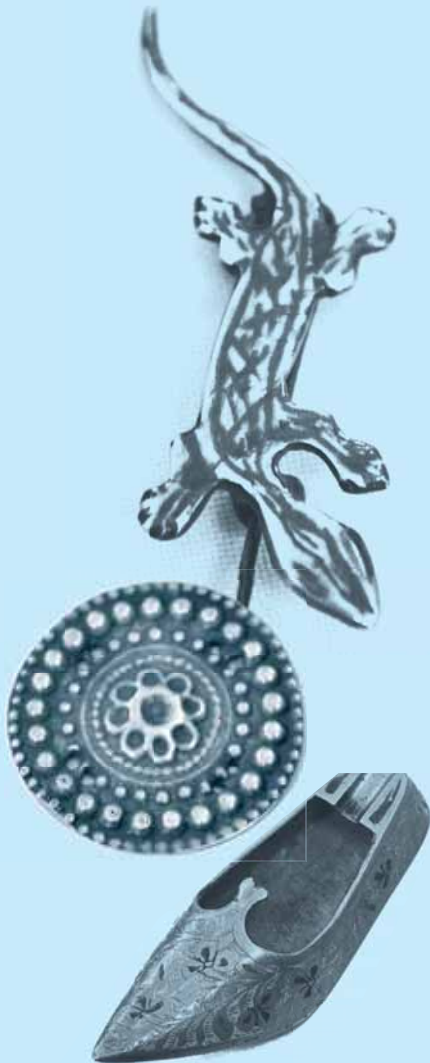
○ بله. سدی‌های آموزشی و نرم‌افزارهای چندرسانه‌ای مجموعه

کاخ‌ها و بناهای تخت‌جمشید و عجایب هفت‌گانه جهان و همچنین سدی‌های مربوط به استان سیستان و بلوچستان و به‌خصوص راجع به شهر سوخته و قلعه اشکانیان یا آثار باقی‌مانده از کوه خواجه در سیستان را که قبلاً خریداری کرده بودم، در زمانی که فرصت داشتیم، در اتاق هوشمند برای دانش‌آموزان به نمایش می‌گذاشتم.

من سال‌ها قبل از اینکه از این نمونه‌ها برای تدریس استفاده کنم، معمولاً در گردهمایی‌ها و تشکیل جلسات گروه تاریخ استان و دعوت استادان تاریخ از تهران، با زحمت بسیار این ابزارها را با خود حمل می‌کردم و به این جلسات می‌بردم که باعث تنوع برای همکاران و رفع خستگی آن‌ها و تنوع ساعت کار اساتید می‌شد.

در برپا کردن نمایشگاه به مناسبت‌های مختلف هم، از جمله دهه فجر، هفته معلم، روز ملی دختر و... فعالیت می‌کردم. به این مناسبت‌ها از دانش‌آموزان می‌خواستم که لباس‌های سنتی مناطق مختلف ایران را بپوشند و در این مراسم‌ها به نمایش بگذارند. یک بار هم موفق به برپایی نمایشگاه تاریخ استان شدم که بیشتر آثار آن کارهای شخصی بود و بخش قابل توجهی را نیز با کمک سازمان اسناد ملی و اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری استان تهیه کرده بودم. بارها در مدرسه اقدام به تشکیل نمایشگاه از کارهای شخصی خودم کرده‌ام.

حدوداً چند سال قبل کارشناسان آموزش متوسطه ناحیه یک برای بازدید از نمایشگاهی که به مناسبت هفته معلم برپا شده بود آمدند. ضمن اظهار رضایت و خوشحالی، و قدردانی از من، تمایل آن‌ها بر این بود که ای کاش این بخش به‌عنوان اتاق کار درس تاریخ حفظ شود و مورد استفاده دانش‌آموزان واقع شود اما این کار عملی نشد چون مکان برپایی نمایشگاه موردنیاز آموزشگاه بود.



دکتر شکوه السادات اعرابی هاشمی
 عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد
 الهام محمدی گهروئی
 دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد

نقش ایران در سیاست‌های شرقی ناپلئون بناپارت

فداکاری در راه وطن از همه
 فضایل باارزش‌تر است.
 ناپلئون بناپارت

مقدمه

ناپلئون اول، معروف به ناپلئون بناپارت، مشهورترین فرمانده نظامی و سپس امپراتور فرانسه در قرن ۱۹ بود. فاتح بزرگی که سیاست‌های او چهره اروپای قرن نوزدهم را به شکلی باورنکردنی تغییر داد. ناپلئون تنها یک دشمن سرسخت داشت که با نیروی دریایی قوی و پیشرفته‌اش مانع کشورگشایی او می‌شد. این دشمن سرسخت انگلستان بود.

ناپلئون وقتی به این نتیجه رسید که نیروی دریایی فرانسه برای مقابله با انگلستان آنچنان که باید قوی نیست، تصمیم گرفت به مستعمرات آن کشور حمله کند و بدین‌منظور نقشه حمله به مصر و تصرف آن را طرح کرد. هدف از حمله به مصر قطع خط ارتباطی میان انگلستان و هند بود و ناپلئون این جنگ را به سود خود به پایان رساند. سپس به فرانسه برگشت و طی کودتایی حکومت را سرنگون کرد و خود به حکومت رسید؛ آنگاه در سال ۱۸۰۲



رسماً تاجگذاری کرد و حکومت را به امپراتوری تبدیل کرد. ناپلئون سپس تصمیم گرفت به هندوستان حمله کند که برای این منظور می‌بایست از ایران عبور می‌کرد. از این رو در سال ۱۸۰۵ به فکر ایران افتاد و پس از مکاتباتی با فتحعلی‌شاه قاجار و فرستادن چند نماینده به ایران، در نهایت سفیر خود ژنرال گاردان را به همراه یک هیئت نظامی همراه با تجهیزاتی پیشرفته برای تجهیز کردن ارتش ایران به تهران فرستاد و میان دو کشور اتحادی ایجاد شد. اما چندی نگذشت که با عقد عهدنامه فین‌کنشتاین میان دو کشور فرانسه و روسیه، ناپلئون برخلاف مفاد عهدنامه خود با ایران، با روسیه از در آشتی درآمد. ایران به ناچار با انگلستان متحد شد و در نهایت آرزوهای دور و دراز ناپلئون هم در رسیدن به مشرق به جایی نرسید.

کلیدواژه‌ها: ناپلئون، ایران، هند، انگلیس، فرانسه

مختصری از زندگی ناپلئون بناپارت

ناپلئون بناپارت روز ۱۵ ماه اوت ۱۷۶۹ م در شهر آژاکسیو واقع در جزیره کورس متولد شد. بعد از تحصیلات مقدماتی، برای اینکه بتواند وارد خدمت ارتش فرانسه شود، در مدرسه توپخانه فرانسه مشغول تحصیل شد. در دوره تحصیل و بعد از آن، در سنوات اول خدمت خود در ارتش فرانسه به سمت افسر توپخانه منصوب شد. وی در عین حال دارای ذوق نویسندگی بود و چند رساله نوشت که امروز نیز بعد از قریب به ۲۰۰ سال جالب توجه است.

آغاز خدمت ناپلئون بناپارت در ارتش، مواجهه با آغاز انقلاب کبیر فرانسه گردید. بعد از اینکه مردان انقلاب، حکومت لوئی شانزدهم را در پاریس ساقط کردند و وی را محبوس و سپس اعدام کردند خاک فرانسه مورد تهاجم بیگانگان قرار گرفت و ارتش فرانسه به دفاع برخاست. ناپلئون بناپارت در پیکارهایی که بین ارتش فرانسه و خارجی‌ها در گرفت لیاقت و شجاعت خود را به ثبوت رسانید و ترقی کرد. وی به‌خصوص در اثر لیاقت نشان دادن در جنگ‌های ایتالیا و مصر، در بازگشت به فرانسه کنسول اول شد. (گولد، ۱۳۷۵: ۵۷۵)

شهرت جهانی ناپلئون بناپارت اکثراً وامدار نوع نظامی اوست، به‌طوری که وی را در ردیف فاتحان بزرگ تاریخ، مانند ژولیوس سزار و فردریک دوم و بلکه بالاتر از آنان قرار داده است. در واقع در ظرف بیست سالی که ناپلئون از یک سرهنگ ساده توپخانه به امپراتوری بزرگ فرانسه رسید و بر قسمت اعظم اروپا تسلط یافت، در بیش از شصت نبرد بزرگ و کوچک، از مصر تا اسپانیا و تا قلب مسکو، در همه میدان‌های کارزار سمت فرماندهی داشت. او نقشه‌های جنگی را خود طرح و ابداع می‌نمود و با قدرت اجرا می‌کرد.

خصوصیت‌های مهم دیگر ناپلئون در مقام مقایسه با فاتحین بزرگ تاریخ، در این است که نبوغ وی منحصر به عملیات رزمی و نقشه‌های بدیع و پیروزی‌های مکرر و درخشان نیست بلکه جنبه‌های دیگری در فعالیت‌هایش مشهود و مؤثر است که حائز اهمیت فراوان بوده، تا جایی که نمی‌توان وی را فقط یک سرباز برگزیده دانست

بلکه واجد یک نوع جامعیت در مواهب انسانی و گسترش در همه کلمات نبوغی است که مقامش را در بین مردان مشهور و تاریخ‌ساز ممتاز نموده است. (آدلر، ۱۳۸۴: ۵۸)

علل دشمنی ناپلئون و انگلیس

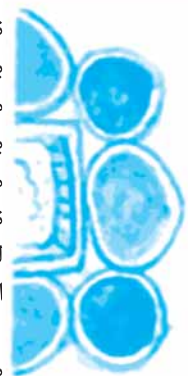
قبل از اینکه ناپلئون کنسول اول شود حکومت فرانسه، کشور بلژیک را ضمیمه فرانسه کرده بود. هنگامی که ناپلئون به کنسولی رسید و پس از چندی خود را امپراتور فرانسه خواند انگلستان از او خواست بلژیک را تخلیه کند زیرا بیم داشت که آنجا را مبدأ حمله به انگلستان قرار دهد. ناپلئون بلژیک را تخلیه نکرد چون واقعاً فکر حمله به انگلستان را در سر می‌پروراند. در آن زمان در اروپا فقط یک قدرت بزرگ بود که می‌توانست با نیروی دریایی خود از توسعه فرانسه جلوگیری کند و آن دولت انگلستان بود.

دولت انگلستان از قدرت ناپلئون هراس داشت و چون ارتش نیرومندی نداشت، بارها دولت‌های اتریش، آلمان و روسیه را تحریک به جنگ با ناپلئون می‌کرد.

ناپلئون، تجارت با انگلستان را مدت‌ها برای همه کشورهای اروپا قلعن کرد ولی چون اسپانیا و روسیه نمی‌خواستند از دستور او پیروی کنند، میان آن‌ها جنگ در گرفت؛ به‌همین دلیل ناپلئون در سال ۱۸۰۸ به اسپانیا و در سال ۱۸۱۲ به روسیه لشکر کشید. (گولد، ۱۳۷۵: ۵۷۵)

علل توجه ناپلئون بناپارت به ایران

اوضاع اروپا در پی فتوحات بی‌دری ناپلئون بناپارت، به‌ویژه برای انگلیسی‌ها، نامساعد شده بود. ناپلئون



پس از مراجعت از مصر به فرانسه، در ۹ نوامبر ۱۷۹۹ دست به کودتا زد و به مقام کنسول اول جمهوری فرانسه ارتقا یافت و خود را امپراتور فرانسه خواند. سپس وی برای به زانو درآوردن انگلیس نقشه‌ای طرح کرد و آن اتحاد با روسیه و لشکرکشی به اتفاق آن دولت به هندوستان بود. (مهدوی، ۱۳۶۴: ۲۰۴) در این اتحاد، دو کشور توافق کردند که الکساندر، تزار روسیه، ناپلئون را به عنوان امپراتور غرب (اروپا) به رسمیت بشناسد و ناپلئون هم در مقابل، نوید امپراتوری شرق در آینده را به تزار روسیه داد. تنها مانع برای هر دو، مقاومت سرسختانه بریتانیا بود که راه ناپلئون را در غرب سد کرده بود و مانع لشکرکشی روس‌ها به سوی عثمانی، ایران، افغانستان و هند بود. (تامسن، ۱۳۸۹: ۶۴) هدف نهایی ناپلئون این بود که با اتحاد با ایران و حمله به هندوستان، انگلیس را شکست دهد و بزرگ‌ترین مستعمره آن را به چنگ آورد. (وادلا، ۴۷) این در زمانی بود که انگلستان به برکت تصاحب امپراتوری هندوستان با صرف هزینه‌های سنگین و دادن کشته‌های زیاد بر تمام دشمنان خود، غالب شده و در خلیج فارس نیز صاحب موقعیت عالی شده بود و لذا به هیچ دشمنی، چه اروپایی و چه آسیایی، اجازه نمی‌داد به قلمروش دست یابد. اولین بار که ناپلئون بناپارت به فکر شرق افتاد در فوریه ۱۸۰۵ م (ذی‌القعدة ۱۲۱۹ هـ.ق) بود. (گاردان، ۱۳۶۲: ۱۳) هدف وی از ایجاد اتحاد و برقراری ارتباط با ایران دو دلیل عمده داشت: ۱. ایران را علیه روسیه تحریک و تشویق کند ۲. ایران را برای تصرف هندوستان با خود همراه کند؛ البته دلیل دوم به مراتب

قوی‌تر بود. (اعتضادالدوله، ۱۳۶۳: ۷۱) در آغاز ناپلئون قصد داشت با روسیه متحد شود تا به اتفاق از راه ایران به هندوستان لشکرکشی کنند. سواحل رود ولگا را نیز محل تدارک این لشکرکشی در نظر گرفته بود، که برای این امر می‌بایست ایران نیز از این عزم، آگاه شود. البته ناپلئون قبل از این تاریخ هم متوجه ایران بود و میل داشت نه تنها با ایران، که با تمام ممالک شرقی رابطه پیدا کند (محمود، ۱۳۶۷: ۲۷) وی یکی از نزدیکان خود را به نام **مسیو ژوبر** مأمور شرق کرد. هدف ناپلئون از شرق ایران بود. (گاردان، ۱۳۶۲: ۱۶) از سوی دیگر اشغال شهرهای قفقاز به وسیله ارتش روسیه و کوتاهی انگلستان نسبت به تقاضای کمک دولت ایران و شرایط سنگینی که انگلیس برای اعطای کمک خود قائل شده بود باعث شد که توجه دولت ایران به فرانسه معطوف گردد. در دسامبر ۱۸۰۳ م (۱۲۱۸ هـ.ق)، که فتحعلی‌شاه به ایروان رفته بود تا خوانین آنجا را به مقاومت علیه روس‌ها تشویق کند، داود خلیفه ارمنی که به تازگی از سفر ایتالیا و ملاقات پاپ بازگشته بود شرحی از عظمت ناپلئون و فتوحات وی را برای فتحعلی‌شاه توضیح داد و وی را به نوشتن نامه برای ناپلئون و اتحاد با فرانسه تشویق کرد. نامه فتحعلی‌شاه را دو تاجر ارمنی مخفیانه به فرانسه بردند و در فوریه ۱۸۰۴ م جواب آن را به تهران آوردند. (مهدوی، ۱۳۶۴: ۲۰۸) فتحعلی‌شاه در فوریه ۱۸۰۷ م هیئتی را به ریاست میرزا محمدرضا خان قزوینی، بیگلربیگی قزوینی، با هدایای گران بها به دربار ناپلئون فرستاد. ناپلئون که در آن هنگام در اردوگاه فین‌کنشتاین، واقع در لهستان، به سر می‌برد، سفیر ایران را به

گرمی پذیرفت. آنگاه، پس از چند روز مذاکره، در ۴ مه ۱۸۰۷ م (۱۲۲۲ هـ.ق) عهدنامه‌ای در شانزده ماده از طرف محمدرضاخان و **هوگ برنادماره**، یکی از وزرای فرانسوی، به امضا رسید. ناپلئون پس از انعقاد عهدنامه دستور تدارک و ارسال اسلحه و مهمات برای ایران را داد. بنابراین ژنرال گاردان با مقام وزیرمختاری به ایران آمد و سرتیب عسکرخان افشار ارومی به سفارت پاریس رفت. (مهدوی ۱۳۶۴: ۲۱۱)

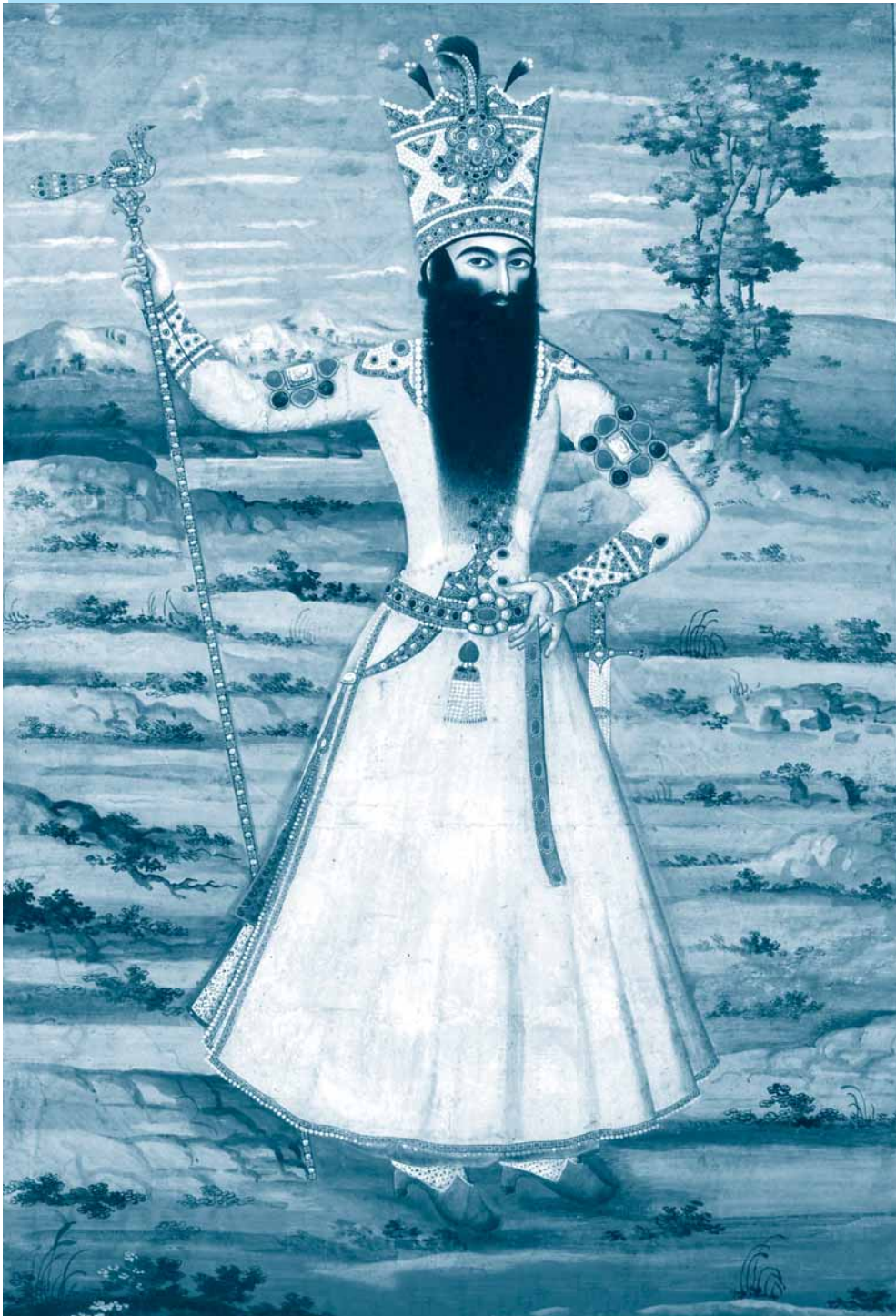
به موجب عهدنامه فین‌کنشتاین ایران متعهد شد اعلان جنگ فوری به انگلیس بدهد و نیز عموم انگلیسی‌ها از ایران طرد شوند و از ورود انگلیس‌ها به خاک ایران ممانعت به عمل آید. همچنین ایران برای حمله به متصرفات انگلیس در هند با افغانه متحد شود تا مسیر عبور لشکریان فرانسوی برای حمله به هند هموار گردد. در مقابل، فرانسه متعهد شد ضامن استقلال ممالک ایران باشد و حق مالکیت ایران بر گرجستان را به رسمیت بشناسد، و به قدر لزوم برای ایران اسلحه تدارک ببیند. فرانسه همچنین وعده داد قوای روسیه را مجبور به تخلیه خاک ایران و گرجستان کند و در صورت لزوم در عقد عهدنامه صلح دخالت نماید.

اعضای هیئتی که همراه با ژنرال گاردان وارد ایران شدند کارخانه توپ‌ریزی در تهران و اصفهان دایر کردند و جنگ با سرنیزه را، که سابقاً رایج نبود، آموزش دادند. آن‌ها برای اولین بار برای ارتش اونیفورم (لباس متحدالشکل) در نظر گرفتند و به تقسیم‌بندی سربازان به پیاده‌نظام، سواره‌نظام، توپخانه و مهندسی پرداختند و توپخانه مهندسی ایجاد کردند.

زمانی که ناپلئون خیال دستیابی به

ایران در عصر قاجار گرفتار اختلاف بین روس و انگلیس شد. روس‌ها می‌خواستند نفوذشان را در جنوب کشور ما تا خلیج فارس گسترش بدهند و انگلیس می‌خواست ایران میان امپراتوری‌اش در هند و روس‌ها حایلی باشد

↓ فتحعلی‌شاه قاجار



هند از راه ایران را در سر می‌پرورانید فتحعلی‌شاه مشغول جنگ اول خود با روسیه بود که بیش از ده سال ادامه داشت. وی که کاملاً به ناتوانی خود در مقابل الکساندر اول واقف بود و از اختلافات ناپلئون با روسیه نیز خبر داشت، در صدد برآمد از ناپلئون برای جنگ با روسیه کمک بخواهد. ناپلئون هم از این تصمیم فتحعلی‌شاه استقبال کرد و فتحعلی‌شاه با دلگرمی وارد جنگ دوم با روسیه شد. در این اثنا ناپلئون تصمیم گرفت، برای به زانو درآوردن انگلیس، از راه روسیه و ایران و افغانستان لشکری به هندوستان بفرستد. (گاردان، ۱۳۶۲: ۱۵) از سال ۱۷۹۳ م جمهوری‌خواهان، فرانسه و انگلیس را به‌عنوان کارتاژ جدید تخطئه کرده بودند و در کل اروپا نیز بر ضد کارتاژ جدید غلیان احساسات فراوان شده بود، به‌خصوص میان طبقات بورژوا و بازرگانان که با انگلیسی‌ها در این باب رقابت می‌کردند. ناپلئون در صدد تحریک این‌گونه احساسات برآمد و بارها تأکید کرد که انگلیس دشمن واقعی اروپاست. (پالمر، ۱۳۸۱: ۶۹۷) قبل از ناپلئون، انگلیسی‌ها هم در جلب نظر فتحعلی‌شاه کوشیده بودند و سر جان ملکم را به‌عنوان سفیر به ایران فرستادند و از دربار ایران قول گرفتند که در افغانستان جز به نفع انگلیس اقدامی نکنند. فتحعلی‌شاه پذیرفت، اما سه سال بعد که وارد جنگ با روسیه شد ناچار شد دست یاری به سوی فرانسه دراز کند، لذا خشم انگلستان را به خود جلب کرد. از سوی دیگر ناپلئون که برای رسیدن به هند و ضربه زدن به انگلیس می‌خواست با مانع روسیه روبه‌رو نشود در تیلسیت، در خاک پروس، با روسیه صلح کرد.



در پی این صلح، فرانسه به آنچه که در عهدنامهٔ فین کنشتاین به ایران وعده داده بود واقعی ننهاده. (گاردان، ۱۳۶۲: ۱۷)

پی آمد خسارت بار اتحاد ایران با فرانسه

ایران به سبب عدم آگاهی از سیاست مزورانهٔ دولت‌های بزرگ زمان و نیز موقعیت نامساعدی که در جنگ با روسیه داشت از این اتحاد با فرانسه استقبال کرد اما فرانسه، به رغم هشدارهای مکرر ایران راجع به خطر پیشرفت روسیه و نیز نفوذ قدرت انگلیسی‌ها در هند، ایران را وجه‌المصلحت توافقی‌های خود با مقامات روسی قرار داد و روابط پاریس و تهران که رو به پیشرفت بود قربانی عهدشکنی فرانسه گردید. (غفاری فرد، ۱۳۶۸: ۱۴)

ایران در عصر قاجار گرفتار اختلاف بین روس و انگلیس شد. روس‌ها می‌خواستند نفوذشان را در جنوب کشور ما تا خلیج فارس گسترش بدهند و انگلیس می‌خواست ایران میان امپراتوری‌اش در هند و روس‌ها حایلی باشد. در واقع کشمکش در ایران بازتابی از کشمکش کلی بر سر نفوذ اروپائیان بود. (آبراهامز، ۱۳۸۲: ۳۴۲)

پس از آنکه فتحعلی‌شاه از پیمان شکنی ناپلئون آگاه شد و از کمک وی به ایران مأیوس گردید متوجه دولت انگلیس شد. انگلستان **سرها رفورده جونز** را به‌عنوان سفیر به تهران اعزام داشت و در نهایت با وساطت این سفیر ایران با روسیه صلح کرد و دو طرف عهدنامه‌ای امضا کردند که به **عهدنامه گلستان** مشهور است. به موجب این عهدنامه مالکیت روسیه بر قزلباغ، شیروان، باکو، دربند، لنکران و قسمتی از طالشش قطعی شد و به علاوه ایران ناچار شد از کلیه ادعاهای خود نسبت به داغستان، گرجستان، ارمنستان، و قفقاز بگذرد؛ یعنی ولایاتی که تا آن زمان جزئی از خاک ایران محسوب می‌شد. (نوذری، ۱۳۸۲: ۲۳۹)

نقض عهد و پیمان ناپلئون و بی‌ثباتی

تعهدات او ملت ایران را نسبت به سیاست فرانسه بدبین کرد. اوضاع نمایندگان اعزامی ناپلئون در ایران به جایی رسید که همیشه با تعدادی سوار تفنگدار از منزل خارج می‌شدند. در کل باید گفت آنچه باعث شکست طرح ناپلئون در ایران شد، دوستی وی با روسیه بود نه دشمنی‌اش با انگلستان. عقب‌نشینی فرانسه از ایران کاملاً به سود روسیه تمام شد. بنابراین عهدنامه بی‌ثبات تیلست، هم عامل پیشرفت روسیه در ایران شد و هم وسیلهٔ تجدید روابط ایران و انگلیس؛ به این شکل دوستی فرانسه با روسیه هم به زیان فرانسه و هم به زیان ایران تمام شد. (شمیم، ۱۳۸۳: ۷۴)

منابع

۱. هوشنگ مهدوی، عبدالرضا؛ تاریخ روابط خارجی ایران (۱۹۴۵ - ۱۵۰۰)، چاپ سوم، جلد اول، انتشارات امیرکبیر، تهران: ۱۳۶۴.
۲. گاردان، کنت آلمرد دو؛ **خاطرات مأموریت ژنرال گاردان در ایران**، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، به کوشش همایون شهیدی، انتشارات گزارش، جلد اول، چاپ دوم، تهران: ۱۳۶۲
۳. اعتضادالدوله، عباس میرزا؛ **تاریخ روابط ایران و ناپلئون**، چاپ اول، انتشارات زرین، تهران: ۱۳۶۳
۴. غفاری فرد، ابوالحسن؛ **تاریخ روابط ایران و فرانسه**، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران: ۱۳۶۸
۵. نوذری، عزت‌الله؛ **ایران و تاریخ**، انتشارات نوید شیراز، چاپ اول، جلد اول، شیراز: ۱۳۸۲
۶. شمیم، علی اصغر؛ **ایران در دوره سلطنت قاجار**، انتشارات زریاب، چاپ دوم، تهران: ۱۳۸۳
۷. پالمر، رابرت روزل؛ **عصر انقلاب دموکراتیک**، ترجمه حسین فرهودی، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، جلد دوم، تهران: ۱۳۸۱
۸. پالمر، رابرت روزل؛ **تاریخ جهان نو**، ترجمه ابوالقاسم طاهری، انتشارات امیرکبیر، چاپ ششم، جلد اول، تهران: ۱۳۸۶
۹. دورانت، ویل و آریل؛ **تاریخ تمدن**، ترجمه اسماعیل دولت‌شاهی، و علی اصغر بهرام بیگی، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ ۱۳، جلد ۱۱، تهران: ۱۳۸۷
۱۰. محمود، محمود؛ **تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس**، انتشارات اقبال، چاپ اول، جلد اول، تهران: ۱۳۶۷
۱۱. گولدم، رالف کورن؛ **خاطراتی از یک امپراتور**، ترجمه ذبیح‌الله منصوری، انتشارات قائم، چاپ هفتم، تهران: ۱۳۷۵
۱۲. تامسن، دیوید؛ **اروپا از دوران ناپلئون**، ترجمه خشایار دهیمی، جلد اول، انتشارات نی، چاپ دوم، تهران: ۱۳۸۹
13. Bussaco 1810- welling tondefeats napoleons marshals By:Rene char trad.Illuster a tead,Patrice courcelle.
14. Capetian France By:Elizabeth M. Hallom and jusith Everard.



مسعود جوادیان

ملاقاتی دوباره با استاد محمد بهرامی

سال‌ها پیش بود که روزی، همراه با خانم دکتر طوبی فاضلی پور، به منزل استاد محمد بهرامی رفتیم. استاد از برجسته‌ترین تصویرگران این مرز و بوم است و تابلوهای او شهرتی جهانی دارد. در عین حال پژوهشگر سترگی است که چندین سال است به پژوهش و نگارش تاریخ فرهنگ ایران باستان اشتغال دارد. در آن روز درباره کار استاد، با وی به گفت‌وگو نشستیم و بهره بردیم و حاصل آن در مجله منتشر شد. (شماره ۱۴)

اکنون که بیش از ده سال از آن زمان می‌گذرد، با خود اندیشیدم که بد نیست بار دیگر سراغی از استاد بگیریم و ببینیم کار پژوهش‌های ایشان به کجا رسیده و آیا چیزی از آن منتشر شده است یا نه. موضوع را با خانم دکتر فاضلی پور در میان گذاشتم. تماس گرفت و هماهنگی لازم را به عمل آورد. پس راهی در که شدیم و در محضر استاد بهرامی حضور یافتیم.

وقتی موضوع را مطرح کردیم استاد بهرامی اظهار داشت که «خودم از شما بیشتر عجله دارم ولی چه کنم که کار کند پیش می‌رود!» او اضافه کرد که منابع خارجی به زبان‌های مختلف تهیه کرده که استفاده و ترجمه آن‌ها کاری دشوار و زمان‌بر است. علاوه بر اینکه استاد اصرار دارد منابع بصری کارش، که شامل ده‌ها و شاید صدها تصویر از آثار تاریخی ایران است، اصل باشد؛ لذا حاضر نیست از تصاویر اینترنتی یا تصاویر موجود در کتاب‌های چاپ شده استفاده کند.

استاد بهرامی در باب تمدن ایران باستان نقطه‌نظری دارد که از تعصب او نسبت به تاریخ و فرهنگ ایران حکایت دارد. به‌عنوان مثال او زبان فارسی را منشأ سایر زبان‌های عالم می‌داند! ضمناً استاد، آرتور پوپ را تنها کسی می‌داند که درباره فرهنگ و تمدن ایران کاری جامع‌الاطراف، وسیع و علمی انجام داده، به‌طوری که سایرین قابل قیاس با او نیستند....

وقتی از منزل وی بیرون می‌آمدیم، به خانم فاضلی پور گفتم: «به نظر شما آیا می‌توان امید داشت حداقل جلد یکم این کار به این زودی منتشر شود؟!»

مقدمه

بدون تردید موقعیت جغرافیایی خلیج فارس امتیاز ویژه‌ای را در اختیار ایران قرار داده است. این شاهراه حیاتی بین شرق و غرب عالم که در طول تاریخ با عناوینی همچون **راه ادویه** و یا راه تجارت دریایی ابریشم نیز از آن یاد شده است تأثیر بسزایی در تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران گذاشته است. از گذشته‌های دور تا به امروز حاکمان ایران برای حفظ و حراست از این شاهراه تمهیدات زیادی اندیشیده و راهکارهای مختلفی به کار بسته‌اند. در اواخر زمامداری پادشاهان متأخر صفوی، به دلیل فقدان قدرت سیاسی استوار در مرکز ایران، موج فزاینده‌ای از هرج و مرج سراسر ایران را فرا گرفت که به تبع آن قدرت دریایی ایران در منطقه خلیج فارس نیز در معرض تهدید جدی رقیبان در حال رشد همچون رؤسای مسقط و سایر اعراب متمدنی قرار گرفته بود که از پشتیبانی و دسیسه استعمارگرانی مثل انگلستان نیز بهره‌مند بودند. با روی کار آمدن نادرشاه اوضاع سیاسی و اقتصادی خلیج فارس بار دیگر به نفع ایران به جریان افتاد. یکی از اقدامات مهمی که در دوره افشاریه برای تثبیت مجدد قدرت ایران در خلیج فارس به اجرا درآمد، تشکیل نیروی دریایی توسط نادرشاه افشار بود. در این نوشتار به چگونگی این موضوع پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: ایران، خلیج فارس، سقوط صفویه، نادرشاه، نیروی دریایی

تحولات خلیج فارس از دوران متأخر صفوی تا ظهور نادرشاه افشار

رویدادهای سیاسی داخلی و منطقه‌ای و جهانی در قرن ۱۲ ق/ ۱۸ م به هیچ‌وجه به نفع تجارت ایران در خلیج فارس نبود. مشخصه اساسی این دوره نسبتاً طولانی، تحت تأثیر حوادث مختلف عبارت است از: گسترش ناامنی در ایران، رشد قدرت رؤسای طوایف و قبایل، به هم خوردن امنیت جاده‌های پس کرانه‌ای و افول شدید تبادلات اقتصادی داخلی. (وثوقی، ۱۳۸۴: ۳۰۱) سقوط هرمز و اخراج پرتغالی‌ها به معنای انجام



نادرشاه افشار و خلیج فارس

عباس رضایی

دبیر تاریخ شهرستان مَهر استان فارس

تحولات بزرگ سیاسی در خلیج فارس به‌ویژه پایان سلطه سیاسی، نظامی و اقتصادی پرتغالی‌ها بر خلیج فارس پس از حدود یکصد و بیست سال حضور استعماری آن‌ها بود. با فتح هرمز و تخریب تأسیسات آن به‌دست نیروهای ایرانی و انگلیسی، کلیه فعالیت‌های اقتصادی ایران در خلیج فارس از جزیره هرمز به بندر عباس منتقل شد که البته این امر در درازمدت به ضرر ایران تمام شد (همان: ۲۱۵) و نتیجه آن چیزی جز ظهور و قدرت‌گیری قبایل قدرتمند عربی در کشورهای حاشیه خلیج فارس نبود! ظهور بحران و انحطاط در ایران با مرگ شاه عباس اول آغاز شد. (سیوری، ۱۳۷۲: ۲۰۳) پس از وی، دیر زمانی طول نکشید که به علت روحیه تجمل‌پرستی شاهان صفوی زمینه‌های ظهور انحطاط صفویه فرا رسید (قزوینی، ۱۳۶۷: ۷۹-۷۸). این ضعف و سستی حاکمان متأخر صفوی در امور مملکت‌داری، تأثیر بسیار بدی بر تمامی نواحی کشور گذاشت و نظم

و امنیت را در سراسر ایران به مخاطره افکنده و زمینه ظهور شورش‌ها را در نواحی مختلف ایران فراهم آورد. به تبع ایجاد اغتشاش و ناامنی در چهارگوشه ایران، خلیج فارس و سواحل طولانی آن نیز از گزند این پریشانی‌ها در امان نماند. بی‌کفایتی حاکمان متأخر صفوی در اداره امور، ظلم و ستم والیان شهرها و روستاها، افزایش مالیات‌ها و قحطی و گرسنگی مردم باعث تشدید نارضایتی‌ها در بین مردم شد و دامنه نارضایتی‌ها را افزایش داد. غفلت حاکمان از مسئله خلیج فارس، که خود گرفتار مسائل و مشکلات داخلی دیگری بودند، زمینه‌های از دست رفتن تسلط ایران بر بنادر و جزایر خلیج فارس را فراهم آورد و باعث شد که در دراز مدت فرصت برای قبائل و طوایف مختلفی فراهم شود که در دوره ضعف و فترت حکومت مرکزی ایران همواره، خلیج فارس را عرصه تاخت و تاز خود قرار می‌دادند. در دوران پایانی حکومت صفوی، که

شامل دوران سلطنت شاه‌صفی، شاه عباس دوم، شاه سلیمان و شاه سلطان حسین بود و حدود یکصد سال به درازا انجامید، شاهد فراز و نشیب‌های فراوانی در روابط سیاسی و تجاری خلیج فارس هستیم. روند این حوادث چندان منطبق بر منافع ایران نبود. مهم‌ترین تحولات این دوره عبارت بود از: **آغاز عصر رقابت استعماری و تلاش انگلستان و هلند برای تسلط بر منطقه، کاهش روزافزون حضور ایرانیان در بنادر و سواحل عمان و شکل‌گیری قدرت‌های محلی.**

تجارت خلیج فارس علی‌رغم اینکه در اواخر دوره صفوی به دلیل اختلافات اروپایی‌ها، به‌خصوص جنگ‌های فرانسوی‌ها و انگلیسی‌ها و نیز رقابت هلندی‌ها و انگلیسی‌ها، دچار رکود شد و شاهد ظهور بازیگران جدیدی در این عرصه بود. یکی از این بازیگران قدرتمند، نیروی جدیدی بود که در بخش‌های جنوبی خلیج فارس و در بحرین و شرق





بلکه نخستین تهاجمات گسترده افغانان و بلوچان به پس کرانه‌ها و شهرهای مجاور بندرعباسی نیز از سال ۱۳۴۰/۵ تا ۱۳۲۲/۱۰ م آغاز گردید. (همان: ۷۸) شهر لار نیز در همین دوران مورد حمله بلوچان قرار گرفت و آسیب‌های جدی به آن وارد آمد. شرایط در این سال‌ها بسیار اسفبار بود و نظم سیاسی و اجتماعی بندرعباس و نواحی اطراف آن به‌طور کامل از هم پاشیده و هرج‌ومرج گسترده‌ای را در منطقه فراهم آورده بود.

عدم توجه جدی پادشاهان متأخر صفوی به مسائل مهم مملکتی باعث شد به تدریج ایران قدرت خود را در منطقه خلیج فارس از دست بدهد و عرصه را به رقیبان خارجی چون انگلستان و هلند و قدرت‌های محلی واگذار نماید. این روند که پس از فتح هرمز و انتقال مرکز تجاری ایران به بندرعباس شروع شد تا پایان روزگار سلاطین صفوی با شدت هرچه بیشتر ادامه پیدا کرد. در حقیقت این انتقال و جابه‌جایی باعث عقب‌نشینی ایران از سواحل عمان و جایگزینی قدرت‌های جدید دریایی به جای آن شد. نتیجه این تحولات مهاجرت گسترده طوایف عرب به سواحل شمالی بود که جاذبه‌های بسیاری برای آنان داشت. این مهاجرت‌ها و اسکان قبائل در سواحل شمالی خلیج فارس، حد فاصل تنگه هرمز تا بوشهر و سواحل شمال غربی، موجب تغییرات و تحولاتی در ترکیبات جمعیتی این نواحی شد و مشکلات زیادی برای حکومت‌های ایرانی ایجاد کرد که پس از سقوط صفویان تا قبل از روی کار آمدن نادرشاه نیز ادامه یافت.

پس از سقوط صفویه، افغان‌ها که تحت فرماندهی محمود افغان، جای صفویه را در اصفهان گرفته بودند به علل گوناگون، از جمله فقدان سنت‌های حکومتی و اداری و نیز فقدان مشروعیت و مقبولیت (آرنووم و اشرفیان، ۱۳۵۶: ۵۷-۵۶) نه تنها نتوانستند حکومت با ثبات و درازمدتی پی افکنند بلکه حتی موفق نشدند در طول حکومت کوتاهمدت خود

اعراب مسقط، که با تکیه بر ناوگان قدرتمند دریایی و با سوءاستفاده از ضعف سلاطین صفوی به‌خصوص شاه سلطان حسین در خلیج فارس و کرانه‌های آن صورت می‌گرفت، ضربات مهلکی بود که به دریانوردی محلی و تجارت بین خلیج فارس و هندوستان وارد شد و «امنیت کشتی‌رانی در خلیج فارس را مختل گردانید». (کمبریج، ۱۳۷۹: ۲۶۶) در این دوره گزارش‌های متعددی وجود دارد مبنی بر غارت و چپاول متناوب بندرکنگ توسط رؤسای مسقط، که نشان می‌دهد خلاء قدرت سیاسی ایران در این مناطق زمینه مناسب و مساعدی را برای رشد و گسترش قدرت‌های محلی در سواحل فراهم نموده بوده است. علاوه بر بندرکنگ که در این دوره مورد غارت قرار گرفت، بندرعباس نیز که کانون اصلی تبادلات دریایی ایران به حساب می‌آمد، از سال ۱۱۲۶/۵ تا ۱۷۱۴/۴ م به بعد، به تناوب مورد حمله و تجاوز کشتی‌های عمانی قرار می‌گرفت. در منابع هلندی برای اولین بار از حمله کشتی‌های مسقطی به بندرعباسی در فوریه ۱۷۱۴ م یاد شده است. (فلور، ۱۳۶۲: ۲۰) این حملات نه تنها پایانی بر حملات به شهرهای ساحلی ایران نبود،

آفریقا شکل گرفت. این نیروی جدید رؤسای یعاریه در عمان بودند که با گسترش نفوذ خود به بخش‌های شمالی خلیج فارس زمینه‌های بروز کشمکش و درگیری با حکومت صفویه را ایجاد کردند. (وٹوقی، ۱۳۸۴: ۲۹۱) در زمان سلطنت شاه سلطان حسین صفوی قدرت اعراب عمان که از آنان تحت عنوان کلی اعراب مسقط یاد می‌شود به حدی افزایش یافت که هم تهدید خطرناکی برای منافع تجاری ایران در خلیج فارس و بنادر ایرانی به‌شمار می‌رفتند و هم اسباب نگرانی و اضطراب شاه سلطان حسین را فراهم آوردند. تجاوزات رؤسای عمان و قبائل مختلف عربی به سواحل ایران از سال ۱۱۰۵ هجری آغاز و منجر به واکنش‌های نه‌چندان مطلوب دولتمردان صفوی شد. اتحاد ناموفق ایران و پرتغال و تلاش‌های گاه و بیگاه والی فارس در سرکوبی رؤسای قبائل از جمله رخدادهای مهم این دوران محسوب می‌شود. اقدامات لطفعلی‌خان - والی فارس - برای دور کردن عمانی‌ها از سواحل ایران از بندر عباسی تا بحرین اگرچه در آغاز با موفقیت‌هایی همراه بود، اما هرگز راهگشا نبود ولی او توانست بحرین را به ایران بازگرداند. (لاکهارت، ۱۳۶۴: ۱۳۳) از نتایج اقدامات تجاوزکارانه

با آرامش بر کشور ایران حکمرانی کنند. علاوه بر مشکلات سیاسی، اجتماعی و نظامی، حکومت هفت ساله محمود و اشرف غلزایی در اصفهان با رکود اقتصادی شدیدی نیز همراه بود. رکود تجارت خارجی در مناطق جنوبی کشور، ناامن شدن راه‌ها، شهرها و روستاها و همچنین فرار اهالی این مناطق و کاهش تولیدات کشاورزی به همراه نتایج سیاست‌های غلط اقتصادی و تجاری دوران شاه سلطان حسین صفوی، ایران را به ویرانه‌ای تبدیل کرده بود.

مهم‌ترین ویژگی‌های ایران در دوران اشغال اصفهان به‌دست غلزایی‌ها و دوره فعالیت‌های سرگردان شاه تهماسب دوم عبارت بود از: فقدان قدرت مرکزی در ایران به علت سقوط صفویه و تصرف اصفهان به دست محمود افغان، در پیش گرفتن سیاست قتل و کشتار مردم از سوی غلزایی‌ها، گسترش فقر و قحطی، کمبود ارزاق، ناامنی، آشوب و راهزنی، رکود تجارت و بازرگانی، نابودی مزارع، جنگ‌های خونین داخلی، اشغال و تجزیه کشور توسط قوای بیگانه اعم از ترکان عثمانی و روس‌ها، ظهور دوران ملوک‌الطوایفی (استرآبادی، ۱۳۴۱: ۵۵) و پیدایش قدرت‌های محلی در نقاط مختلف با توجه به قدرت ایللیاتی آن‌ها. سواحل خلیج فارس نیز بی‌تأثیر از تحولات مرکز ایران نبود و در پی ناامنی و اغتشاشات سرزمین‌های مرکزی ایران، این منطقه نیز دچار ناامنی، رکود و هرج و مرج ناشی از خلأ قدرت سیاسی مرکزی شد، خلیج فارس از سقوط صفویه تا ظهور نادرشاه و جنگ‌های وی برای اخراج بیگانگان از کشور، شاهد شرایط ویژه‌ای بود که در واقع تابعی از اوضاع آشفته کشور و هرج و مرج موجود در آن بود.

نیروی دریایی نادرشاه

با تثبیت حاکمیت نادرشاه بار دیگر اقتدار حکومت ایران احیا شد و نظم و امنیت از سر گرفته شد. در پی تلاش‌ها

و جنگ‌های فراوان داخلی و خارجی نادرشاه طی مدت شش سال، متمرّدین و یاغیانی که در گوشه و کنار ایران بارهزنی و قتل و غارت روزگار می‌گذرانیدند، عمرشان به سر آمد و راه‌ها و جاده‌ها بار دیگر محل آمد و شد کاروان‌های تجاری و بازرگانان شد. یکی از نقاط مهم ایران که در پی نابسامانی‌های پس از صفویه در رنج و محنت فراوان بود و آسیب فراوانی از این شرایط دید خلیج فارس و سواحل آن بود. در پی سقوط صفویه و نبود حکومت مرکزی منسجم و قوی در چارچوب مرزهای ایران، خلیج فارس و سواحل دو سوی آن از حوزه اقتدار ایران خارج شده و نیروهای قبائلی اعراب جنوبی توانسته بودند از این موقعیت استفاده کرده و خلاء قدرت ایران را در این منطقه حساس و مهم پر کنند که این مسئله تهدید جدی برای تجارت دریایی و حاکمیت سرزمینی ایران در خلیج فارس به شمار می‌رفت. نادرشاه پس از آنکه تا حدودی از امنیت نواحی مرکزی و غربی ایران آسوده گردید، متوجه ایجاد امنیت در دریاهای خزر در شمال و خلیج فارس در جنوب ایران شد و اقدام جدی او در تأسیس ناوگان دریایی در همین راستا صورت پذیرفت.

از اقدامات مهم و اساسی نادر جهت ایجاد رونق در امر تجارت و دریانوردی ایران در خلیج فارس، تلاش برای تشکیل ناوگان دریایی است. لاکهارت معتقد است که «چند تن از افغانانی که به‌دست نادر شکست خورده بودند به عمان فرار کردند و شاید این نخستین محرک نادر برای تشکیل نیروی دریایی بوده است.» (لاکهارت، ۱۳۴۸: ۱۰۰) علاوه بر این شورش محمد خان بلوچ و پناهنده شدن او به کیش و عدم دسترسی دریایی به شورشیان نیز موجب تشویق هرچه بیشتر نادرشاه برای حل این مشکل شد. (کرامتی، ۱۳۷۰: ۴۲ و فلور، ۱۳۷۱: ۱۵۳)

نادرشاه در سال ۱۱۴۷ ق یکی از فرماندهان شایسته خود به نام

عبداللطیف خان را به سمت والی‌گری دشتستان و شولستان و قبودانی^۱ کل سواحل و بنادر منصوب کرد. (رایبن، ۱۳۵۶: ۶۳۱) فرمانده نیروی دریایی نادرشاه در نخستین اقدام خود در صدد خرید کشتی‌های جنگی و حمل‌ونقل برآمد و با کمپانی‌های هند شرقی انگلیس و هلند وارد مذاکره شد. (فلور، ۱۳۶۸: ۱۴۴-۱۴۵) اقدام او مورد موافقت نمایندگان این کمپانی‌ها نبود و از فروش کشتی به او خودداری کردند، اما لطیف خان به تلاش خود ادامه داده و نهایتاً توانست یک فروند کشتی از شخصی به نام **ویدل** خریداری کند که این امر با اعتراض شدید نماینده کمپانی مواجه شد. در همین ایام لطیف خان توانست یک فروند کشتی متعلق به یک انگلیسی به نام **کوک** را نیز خریداری کند. اما کوشش‌های او و **محمدتقی خان شیرازی** بیگلبیگی، والی فارس، برای جلب رضایت مسئولین کشتی و فروش کمپانی به ایران به‌جایی نرسید. اما لطیف خان به هر نحوی بود **شیخ راشد**، ضابط بندر باسعیدو را راضی کرد تا دو فروند کشتی را به او بفروشد. با خرید این دو کشتی هسته اولیه ناوگان دریایی ایران تشکیل شد و پس از آن، بوشهر به‌عنوان مرکز نیروی دریایی ایران انتخاب گردید. در این سال‌ها که نادر قصد داشت کار ترکان عثمانی را یکسره کند (۱۱۴۷ ق / ۱۷۳۴ م)، نخستین حمله دریایی‌اش علیه آن‌ها را به مرحله عمل درآورد و قدرت نیروی دریایی ایران را در بوته آزمایش قرار داد. نادر خود در آذربایجان و ارمنستان و گرجستان با ترکان عثمانی به نبرد پرداخت و به فرمانده نیروی دریایی ایران، عبداللطیف خان دستور داد که با همراهی یک نیروی هشت هزار نفری که از خشکی حمله می‌کردند، به محاصره بصره اقدام کند. متأسفانه، از یک طرف حمله عجولانه لطیف خان که با داشتن سه کشتی جنگی و پنجاه قایق نفربر و چند زورق کوچک برای تسخیر بندر بصره انجام داد و قبل از هماهنگی

با ارتش صحرایی به جنگ وارد شد (شعبانی، ۱۳۷۷: ۳۲۴) و از طرف دیگر کمک انگلیسی‌ها به پاشای بصره باعث شد که نیروی دریایی ایران با شکست مواجه شود. (لاکهارت، ۱۳۴۸: ۶۱)

این نخستین تجربه، البته برای ایران ارزان تمام نشد، با این حال، انگلیسی‌ها نیز علی‌رغم آنچه که خود می‌اندیشیدند، مورد غضب نادرشاه قرار نگرفتند. چون این سردار کهنه‌کار و آگاه می‌دانست که برای اتمامات بعدی، ناگزیر با آن‌ها سروکار خواهد داشت و در آینده برای تسخیر بحرین و مسقط و عمان، از وجودشان استفاده خواهد برد. تلاش‌های نادر، که اکنون به سلطنت کامل بر ایران رسیده و اقتدار عمومی را تماماً در دست گرفته بود، ادامه یافت و از هر طرف به جلب استعدادهایی که علاقه به خدمت در ناوگان ایران داشتند، پرداخته شد. گفته می‌شود که در همین دوره یک نفر هلندی به نام **سارو** که با کمپانی هند شرقی هلند قطع همکاری کرده بود به درگاه حاکم ایران روی می‌آورد و پیشنهاد تشکیل ناوگان نیرومندی را می‌دهد که بتواند بر رقیبان تجاری و سیاسی این کشور، از هر جهت تفوق یابد و دریاهای جنوبی آسیا را به زیر نفوذ ایران درآورد. (شعبانی، ۱۳۷۷: ۳۲۵)

به هر حال، چندی بعد لطیف‌خان دوباره مورد محبت نادرشاه قرار گرفت و به سمت دریابگی منصوب شد و در بوشهر به تدارک لشکرکشی علیه بحرین مشغول شد. **شیخ جبّاره**، یکی از رؤسای طوایف هوله مستقر در پس‌کرانه‌های جنوبی، در این ایام بر بحرین تسلط یافته بود. (استرآبادی،

۱۳۴۱: ۲۷۷) لطیف‌خان مأموریت یافت که با استعانت محمدتقی‌خان شیرازی، بیگلربیگی فارس، شورش آن ایالت را فرو نشانند.

محمدتقی‌خان چون خبردار شد که شیخ جبّاره از بحرین خارج شده است و از جانب خود نایبی در آنجا گماشته است، سپاهیان خود را از بوشهر، تحت فرماندهی عبداللطیف‌خان دریابگی، روانه بحرین نمود. شورشیان شکست خوردند و بحرین دوباره اطاعت از ایران را سرگرفت و لطیف‌خان نیز کلید قلعه‌های بحرین را به درگاه نادرشاه فرستاد. (حسینی‌فسایی، ۱۳۶۷: ۵۳۹) **شیخ ناصر** از رؤسای قبایل آل مذکور به‌عنوان حاکم جدید بحرین منصوب شد و با توجه به اهمیتی که این منطقه در حیات دریانوردی ایران داشت در حفظ و نگهداری آن تلاش بسیاری به‌عمل آمد.

مسئله عمان و مسقط

از دیگر اقدامات نیروی دریایی نادر، تلاش برای ایجاد حاکمیت دوباره ایران بر نواحی عمان و مسقط بود. در همین سال‌ها مجدداً اغتشاشاتی در این ناحیه پیدا شد و وقوع حوادثی چند در مسقط و بروز اختلاف بین مدعیان حکومت موجب شد تا **سیف بن سلطان** از نیروهای نادرشاه استمداد جوید و همین امر زمینه مناسب را برای تجدید قدرت ایران در عمان به‌وجود آورد. در پی آن، ناوگان دریایی ایران شامل چهار فروند کشتی و دو غراب و تعدادی شناور از بوشهر وارد بندرعباسی شدند و از آنجا عازم خورفکان و سپس جلفار و نهایتاً مسقط شدند. علی‌رغم موفقیت‌های ابتدایی نیروی ایرانی، به علت اختلافاتی شخصی که در بین فرماندهان نیروی

دریایی ایران بروز کرد، نیروهای متحد ایرانی-عمانی نتوانستند قلعه شهر مسقط را تصرف کنند و بعد از چهل روز محاصره به بندر جلفار بازگشتند. طی همین چهل روز بود که لطیف‌خان به توطئه محمدتقی‌خان شیرازی مسموم شد و در محاصره مسقط جان باخت و بدین ترتیب یکی از فرماندهان برجسته و لایق دریایی ایران بر اثر کینه و عداوت شخصی والی فارس کشته شد و ضربه سختی بر پیکر ناوگان دریایی جدیدالتأسیس ایران وارد آمد. (وثوقی، ۱۳۸۴: ۳۰۹) مرگ **لطیف‌خان** که دلاوری بی‌باک و با اراده بود، برای نیروی دریایی ایران فاجعه‌ای تلقی می‌شد. با وجود این ارتش دریایی ایران، بحرین را به‌طور کامل بازپس گرفت و مسقط نیز پس از مدتی مقاومت تسلیم ایران شد.

حملات ایران به مسقط و عمان به فرماندهی محمدتقی‌خان شیرازی در سال‌های بعدی تداوم پیدا کرد. تشدید اختلافات در عمان موجب شد تا امام سیف بن سلطان دوباره از نیروهای ایرانی طلب یاری کند. **کلبعلی‌خان** برادرزن نادرشاه که به سمت سردار گرمسیرات منصوب شده بود، خود را به بندرعباسی رسانید و مدتی بعد نیز محمدتقی‌خان شیرازی به او پیوست. نیروهای ایرانی در این نبرد توانستند شهر صحار را تصرف کنند و بخش بزرگی از مخالفین را تحت امر خود درآورند، اما این بار نیز، با توطئه و دسیسه محمدتقی‌خان شیرازی، کلبعلی‌خان به همان سرنوشت لطیف‌خان دچار و کشته شد و محمدتقی‌خان نیز علیه نادرشاه، سر به شورش برداشت. (همان: ۳۱۰) در همان حال **احمدبن سعید** که علیه یوسف بن سلطان شورش کرده بود، از این

موقعیت استفاده کرد و در نبردی سخت باقی مانده نیروهای عمانی را شکست داد و خود زمام امور را به دست گرفت.

سخن پایانی

بدین ترتیب دومین عملیات دریایی ایران نیز ناکام ماند و نادرشاه نتوانست نتایج لازم را به دست آورد. اما اراده او برای توسعه قوای بحری در جنوب، با تصرف هند قوی تر شد، لذا در همان ایام اقامت در دهلی به نظام الملک مأموریت داد که تعداد بیست فرزند کشتی برای ایران تهیه نماید. این کشتی‌ها در بندر سورت (هند) تهیه شد و وقتی نادر در داغستان بود، به ایران فرستاده شد. در آن ایام بندر سورت یکی از کانون‌های اصلی ساخت کشتی‌های بزرگ تجاری و نظامی محسوب می‌شد و بسیاری از مالکان کارگاه‌های این بندر از پارسیان ایرانی تبار بودند که اجدادشان پس از حمله اعراب، به هندوستان مهاجرت کرده و در این نواحی مقیم شده بودند. (همان: ۳۱۱) به غیر از این اقدامات، نادرشاه دستور داده بود که در بوشهر کارخانه کشتی‌سازی دایر کنند و چون در جنوب ایران چوب مناسب یافت نمی‌شد، الوار را از جنگل‌های مازندران به آن بندر حمل نمایند که کار بسیار سخت و طاقت‌فرسایی بود و تلفات انسانی و مالی فراوانی بر دوش نادر می‌گذاشت. شاید به همین دلیل، حکمران ایران با توجه به این دشواری‌ها، ترجیح داد روش خرید کشتی از «سورت» را در پیش بگیرد و هر سال دو کشتی بر سفاین ایران بیفزاید. به این ترتیب تا سال ۱۱۵۸ ق/ ۱۷۴۵ م ایران صاحب سی کشتی بزرگ و تعدادی قایق شده بود که برای مصارف حمل و نقل اردو و امتعه بازرگانی به کار می‌آمد. (شعبانی، ۱۳۷۷: ۳۲۷)

در واپسین سال‌های زندگانی نادر، افزایش مشکلات او در جنگ با عثمانی و شورش‌های داخلی باعث شد که او نتواند آن‌طور که باید، اوضاع دریانوردی جنوب

ایران را به سامان برساند، اما تلاش‌های او در کوتاه‌مدت، قدرت ایران را در این منطقه بازسازی کرده و حاکمیت از دست رفته ایران در برخی از این مناطق را اعاده نمود.

با مرگ نادرشاه در سال ۱۱۶۰ هـ.ق بار دیگر فرصت مناسب برای قبایل جنوبی که در زمان نادر خراج‌گذار ایران بودند فراهم شد تا با استفاده از خلأ ایجاد شده در مرکز قدرت، ضمن ادعای استقلال، به مصادره کشتی‌های نیروی دریایی ایران پرداخته و هر کدام در گوشه‌ای از سواحل شمالی خلیج فارس حد فاصل خوزستان تا بندرعباس به تشکیل حکومت‌های محلی



خودمختار مبادرت نمایند.

پی‌نوشت‌ها

۱. قیودان: تلفظ فارسی کاپیتان در آن دوره است و ظاهراً در اینجا به معنای حاکمیت بر سواحل و بنادر است.
۲. این تصور نادر چندان رنگ واقعیت به خود نگرفت چرا که انگلیسی‌ها پس از نبرد بصره از ترس اقدامات تلافی‌جویانه نادرشاه، با فروش دو فرزند کشتی به او - به شرط پرداخت فوری قیمت آن - موافقت کردند. ولی در ادامه به علت اینکه سیاست‌های نادرشاه به ضرر آن‌ها در خلیج فارس تمام می‌شد و قدرت دریایی ایران می‌توانست منافشان را به خطر بیندازد، از همکاری با نادر سر باز زدند.

منابع

۱. آرونوم و اشرفیان، ک، ز، دولت نادرشاه افشار، ترجمه حمید مؤمنی، چاپ دوم، تهران: انتشارات شبگیر، ۱۳۵۶.
۲. استرآبادی، میرزا مهدی خان، تاریخ جهانگشای نادری، به کوشش سیدعبدالله انوار، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۴۱.
۳. تاریخ ایران کمبریج، ج ۶، ترجمه یعقوب آژند، چاپ اول، تهران: جامی، ۱۳۷۹.
۴. حسینی فسایی، میرزا حسن، فارس‌نامه ناصری، تصحیح دکتر منصور رستگار فسایی، تهران، ۱۳۶۷.
۵. زائین، اسماعیل، دریانوردی ایرانیان، ج ۲، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۶.
۶. سیوری، راجر، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، چاپ سوم، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۲.
۷. شعبانی، رضا، تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه، ج ۱، تهران: نشر قومس، ۱۳۷۷.
۸. فلور، ویلم، برافتادن صفویان و برآمدن محمود افغان، ترجمه ابوالقاسم سری، چاپ اول، تهران: نشر گستره، ۱۳۶۲.
۹. فلور، ویلم، حکومت نادرشاه، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: نشر گستره، چاپ اول، ۱۳۶۸.
۱۰. فلور، ویلم، صنعتی شدن ایران و شورش شیخ احمد مدنی، تهران: انتشارات توس، ۱۳۷۱.
۱۱. قزوینی، ابوالحسن، فواید الصغویه، تصحیح مریم میراحمدی، چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۷.
۱۲. کرامتی، محمدهادی، تاریخ دلگشای اوز، شیراز: نوید شیراز، ۱۳۷۰.
۱۳. لاکهارت، لارنس، انقراض سلسله صفویه، ترجمه مصطفی قلی عماد، تهران: مروارید، ۱۳۶۴.
۱۴. لاکهارت، لارنس، نیروی دریایی نادرشاه، مجله وحید، ترجمه ادیب طوسی، شماره ۶۸، ۱۳۴۸.
۱۵. وثوقی، محمدباقر، تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۴.

مریم احمدیان
آموزگار ناحیه ۳ شیراز

تاریخ و مورخان از دیدگاه روسو

وجه‌های گوناگونی به آن ببخشند. اگر شیئی را از نقاط مختلف و در وضعیت‌های گوناگون تماشا کنید خواهید دید که هر دفعه شکل دیگری به خود می‌گیرد. در واقع خود شیئی تغییر نکرده است، بلکه فقط مکان آن نسبت به چشم تغییر یافته است. حوادث تاریخی نیز همین حالت را دارند. چه بسا اوقات کمتر بودن یا زیاد بودن یک درخت، یک تخته سنگ که در طرف راست قرار داشته به جای اینکه در طرف چپ باشد، و یا گرد و غباری که باد بلند کرده است سرنوشت یک نبرد را تعیین کرده است، بدون اینکه هیچ‌کس ملتفت آن بوده باشد. با این حال مورخ علت خیالی پیروزی و شکست را طوری با اطمینان خاطر بیان می‌کند که تصور می‌کنید خودش در آن‌جا حضور داشته است.

دانستن وقایع برای ما چه اهمیتی دارد اگر علل آن را نشناسیم؟ از حوادث چه درسی خواهیم گرفت اگر اسباب و موجبات حقیقی آن‌ها را ندانیم؟ مورخ علی برای من ذکر می‌کند که به آن‌ها اطمینان ندارم. تحقیق‌ها و انتقاداتی هم که این اندازه پیرامون آن بحث می‌شود، درد مرا دوا نمی‌کند. زیرا این فن شریف جز حدس زدن و تصور کردن چیزی نیست، چون بین چند دروغ یکی را، که به حقیقت نزدیک‌تر است، برمی‌گزیند.

تاریخ و رمان

آیا تاکنون داستان **کلئوپاترا** ۱ یا

اشاره

ژان ژاک روسو (۱۷۷۸-۱۷۱۲م) اندیشمند فرانسوی عصر انقلاب فرانسه با دو کتابش «اعترافات» و «امیل» در جهان شناخته شده است. اعترافات، زندگی‌نامه خودنوشت اوست و امیل شرح دیدگاه‌های وی دربارهٔ تعلیم و تربیت. نوشته حاضر که با استفاده از کتاب امیل فراهم آمده حاوی نگاه تیزبینانه روسو به چستی تاریخ و دارای نکات قابل توجهی است. امید است مورد علاقه و استفاده همکارانمان قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: تاریخ، روسو، مورخان

از طریق خواندن تاریخ می‌توان، بدون کمک گرفتن از فلسفه، حالات روحی بشر را شناخت. می‌توان چون یک تماشاچی ساده، بدون حب و بغض و بدون اینکه قاضی بود یا تهمت زد، در قلوب مردم مطالعه کرد، آدمیان را شناخت و رفتار آن‌ها را دید. در تاریخ نقابی که آدمیان در زندگی به صورت داشته‌اند بالا می‌رود، و می‌توان آن‌ها را از روی کارهایشان بهتر دید و شناخت و راجع به آن‌ها قضاوت کرد؛ می‌توان با مطالعه آنچه گفته‌اند و آنچه کرده‌اند و همان‌طور که بوده‌اند آن‌ها را بهتر درک کرد. کمتر اتفاق می‌افتد حوادثی که در تاریخ می‌خوانیم تصویر واقعی حوادثی باشد که انجام گرفته است. این حوادث در مغز مورخ تغییر شکل می‌دهد، تابع منافع او می‌شود و رنگ امیال و عقاید او را به خود می‌گیرد. کیست آن مورخی که بتواند خواننده را درست در وسط صحنه قرار دهد تا او قادر باشد وقایع را همان‌طور که صورت یافته است ببیند؟

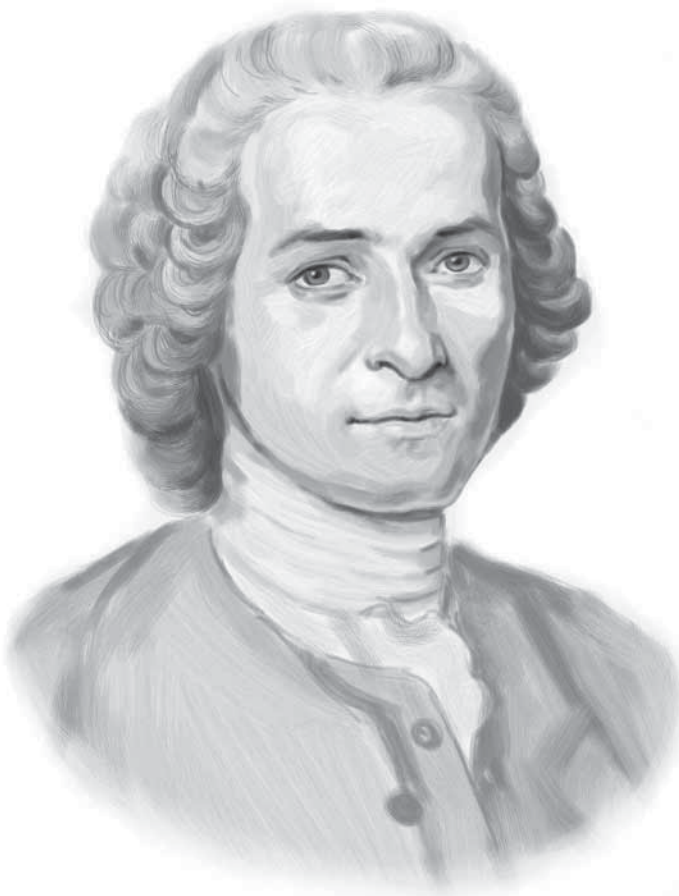
جهل یا طرفداری مورخ همه چیز را از نظر ما پنهان می‌دارد. مورخ می‌تواند بدون اینکه اصل یک واقعه تاریخی را تغییر دهد، با تفصیل یا مختصر کردن جزئیات،

مورخان بزرگ

برای جوانان ما، بدترین مورخ‌ها آن‌هایی هستند که دربارهٔ حوادث «قضاوت» می‌کنند. حوادث! حوادث! چرا خود جوان این حوادث را مورد قضاوت قرار ندهد تا یاد بگیرد آدمیان را بشناسد؟ اگر قضاوتی که دیگران به عمل می‌آورند دائماً راهنمای او باشد فقط با چشم دیگران می‌بیند؛ و اگر روزی این چشم را نداشته باشد دیگر چیزی نخواهد دید. از تاریخ معاصر [منظور روسو از تاریخ معاصر، قرن

کاساندر^۲ یا کتاب‌هایی نظیر آن را خوانده‌اید؟ نویسنده یکی از وقایع معروف تاریخی را انتخاب کرده، آن را به میل خود تغییر می‌دهد، شاخ و برگ‌هایی برای آن می‌تراشد، اشخاصی که هیچ‌وقت وجود نداشته‌اند اختراع می‌کند و داستان‌های خیالی به اصل تاریخ اضافه می‌نماید تا شاهکارش مطبوع‌تر گردد. من بین این رمان‌ها و آنچه شما تاریخ می‌نامید تفاوتی نمی‌بینم، به جز آنکه رمان‌نویس بیشتر دنبال به پرواز درآوردن تخیل دیگران است. یک اختلاف دیگر نیز وجود دارد: رمان‌نویس دربارهٔ یک موضوع اخلاقی خوب یا بد صحبت می‌کند، در صورتی که مورخ به این مطالب اهمیتی نمی‌دهد.

ممکن است بگویید اطلاع بر آداب و اخلاق واقعی یک ملت بیش از صحیح بودن حوادث تاریخی مورد علاقه است، به شرط اینکه روحیهٔ انسانی را خوب تجزیه و تحلیل کنند. به عبارت دیگر، می‌گویید اگر وقایع را از روی حقیقت بیان نمایند چندان اهمیت ندارد، زیرا در شناختن حوادث دو هزار سال قبل فایده‌ای برای ما متصور نیست. بلی، حق با شماست، البته اگر این تشریح مطابق با واقعیت باشد. لیکن اگر اصل پردهٔ نقاشی که رسم می‌کنند فقط در تخیل مورخ وجود داشته باشد، دوباره دچار همان نقصی می‌شویم که از آن گریزان بودیم. یعنی درس نویسندگان را جانشین درس معلم می‌کنیم و شاگردمان را وامی‌داریم تعلیمات آن‌ها را بپذیرد. اما اگر قرار باشد شاگرد من از دیدن پرده‌های خیالی که دیگران نقش کرده‌اند چیز یاد بگیرد، ترجیح می‌دهم این پرده‌ها را خود من ترسیم کنم، تا لاقلاً متناسب با روح و فکر او باشد.



کمتر اتفاق می افتد حوادثی که در تاریخ می خوانیم تصویر واقعی حوادثی باشد که انجام گرفته است. این حوادث در مغز مورخ تغییر شکل می دهد، تابع منافع او می شود و رنگ امیال و عقاید او را به خود می گیرد



هجدهم اروپاست. [صرف نظر می کنم، نه فقط به دلیل اینکه این دوره قیافه مخصوص ندارد و رجال ما همه شبیه هستند، بلکه برای اینکه مورخان ما فقط به خودنمایی علاقه دارند و به جز ترسیم شمایل های پرزرق و برق که اغلب با اصل مطابقت نمی کند به فکر دیگری نیستند.

به عقیده من **توسیدید**^۳ بهترین نمونه تاریخ نویسان است. او حوادث را بدون قضاوت نقل می کند ولی آنچه را که دانستن آن برای قضاوت ما لازم

است ذکر می نماید. او آنچه را حکایت می کند، از برابر چشم خوانندگان می گذراند. نه فقط بین وقایع و خوانندگان قرار نمی گیرد، بلکه خود را از نظر ایشان دور می سازد؛ طوری که خواننده گمان نمی کند دارد می خواند، بلکه خیال می کند دارد می بیند. بدبختانه، توسیدید، همیشه از جنگ گفت و گو می کند و در سرگذشت های خود، بیشتر، از چیزی که فایده تعلیماتی ندارد، یعنی از رزم و کشتار صحبت می کند.

هرودوت^۴ نویسنده ساده ای است. تاریخ او بدون تصویر رجال و بدون دستورات فلسفی است ولی چون روان و شامل جزئیات است جلب توجه می کند. اگر هرودوت در ذکر جزئیات مبالغه نمی کرد و تفصیلات کدکانه اش از کثرت سادگی به ذوق جوان لطمه نمی زد، شاید بهترین مورخ بود. زیرا باید خواننده او قوه تشخیص کافی داشته باشد.

به طور کلی تاریخ یک عیب بزرگ دارد و آن این است که فقط حوادث مهم و برجسته را که اسم و محل تاریخ وقوع آن معلوم است ذکر می کند. لیکن علل درونی و تدریجی حوادث را، چون به خودی خود واضح نیست، برای همیشه به دست فراموشی می سپارد. اغلب اتفاق می افتد که مورخان یک پیروزی یا یک شکست را علت فلان انقلاب می دانند، در صورتی که انقلاب مزبور قبل از آن هم اجتناب ناپذیر بود. جنگ فقط حوادثی را که معلول علت های اخلاقی است و مورخان کمتر به آن اعتنا می کنند، علنی می سازد.

تاریخ حوادث را بیشتر از اشخاص نشان می دهد در واقع انسان ها را فقط در بعضی از موارد خاص، که ظاهری آراسته دارند، وصف می کند؛ یعنی اشخاص را در مقام رسمی خود با زینت هایی که برای جلوه کردن به خود بسته اند در نظر ما مجسم

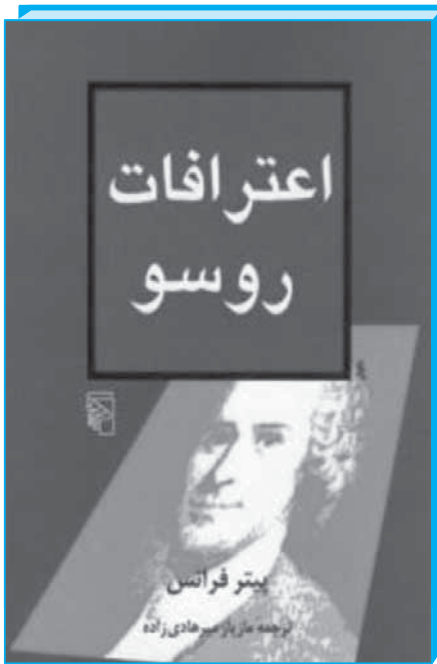
می سازد. لیکن آنان را در خانه، در اطاق کار، در میان خانواده و یا در جمع دوستان دنبال نمی کند. تاریخ، انسان را با تجمل و تشریفات توصیف می کند، بنابراین بیشتر لباس او را وصف می کند تا خود او را. من ترجیح می دهم برای شروع به مطالعه قلب بشر، شرح زندگی خصوصی مردان بزرگ را بخوانم، زیرا در هر حال شخصیت تاریخی به هر کجا فرار کند، مورخ او را تعقیب خواهد نمود و لحظه ای او را رها نخواهد کرد.

مونتنی^۵ می گوید: «آن هایی که تاریخچه زندگی رجال را می نویسند، و به آنچه از درون تراوش می کند بیش از آنچه از بیرون می رسد اهمیت می دهند، بیشتر مورد پسند من هستند.»

پلوتارک^۶ در شرح جزئیاتی که ما جرئت اظهار آن را نداریم استاد است. او با زیبایی بی مانندی مردان بزرگ را به وسیله کارهای کوچکشان نشان می دهد. وی علائمی را که ذکر می کند طوری مناسب انتخاب کرده که یک کلمه، یک تبسم یا یک اشاره قهرمان او کافی است تا خود را بشناساند.

هانپال^۷، با یک کلمه خوشمزه، به سپاهیان وحشت زده خود دل می دهد و آن ها را با خنده به رزمی می برد که ایتالیا را به او خواهد داد. منظره **آزیلا**^۸ که چوبی را اسب خود قرار داده است، محبت آن فاتح کشور ایران را در دل من بیشتر می کند. **سزار** هنگامی که از یک ده خراب عبور می کند و با دوستان خود به گفت و گو می نشیند، بدون اینکه ملتفت شود، آن متقلبی را که می گفت من فقط می خواهم نظیر **پومپه**^۹ شوم رسوا می سازد. **اسکندر** دارویی را که به آن بدگمان بود می خورد و چیزی نمی گوید. شاید این زیباترین ساعت زندگانی او باشد.

آریستید^{۱۰} اسم خود را روی صدفی می نویسد، و بدین طریق نشان می دهد



تاریخ حوادث را بیشتر از اشخاص نشان می‌دهد در واقع انسان‌ها را فقط در بعضی از موارد خاص، که ظاهری آراسته دارند، وصف می‌کند؛ یعنی اشخاص را در مقام رسمی خود با زینت‌هایی که برای جلوه‌کردن به خود بسته‌اند در نظر ما مجسم می‌سازد

که کنیه‌اش به جا است. **فیلوپومن** شنل خود را می‌کند و در منزل میزبانش هیزم می‌شکند.

سیمای بزرگان؛ کدام سیمای؟

قیافه اشخاص از خطوط برجسته صورت آن‌ها معلوم نمی‌شود و مشخصات اخلاقی آنان از اعمال بزرگشان ظاهر نمی‌گردد. غالباً طبیعت مردم در چیزهایی جزئی ظاهر می‌شود. کارهایی که از بزرگان سر می‌زند یا خیلی «معمولی» است، یا خیلی «ساختگی و تشریفاتی» و بدبختانه وقار و نزاکت عصر جدید، نویسندگان ما را وادار می‌سازد که تقریباً از کارهای نوع دوم صحبت کنند.

درست است که تمام کشورگشایان کشته نشده‌اند، تمام غاصبان در اقدامات خود شکست نخورده‌اند و در افکار غلط عوام، برخی از آن‌ها خوشبخت تصور می‌شوند ولی آن کس که فریب ظاهر را نمی‌خورد و از حالات روحی مردم سعادت آن‌ها را قضاوت می‌نماید، سرچشمه بدبختی‌های آنان را در همان موفقیت‌هایشان می‌داند زیرا می‌بیند هر اندازه قدرت و شوکت آن‌ها فزونی می‌یابد، غم و اندوهشان زیادتر می‌شود. می‌بیند دائماً جلو می‌روند، نفس آن‌ها از خستگی به شماره می‌افتد، ولی هیچ‌وقت به منزل نمی‌رسند. آن‌ها مانند مسافران ناشی هستند که برای اولین بار در منطقه کوهستانی «آپ» قدم می‌گذارند، و هر دفعه که از کوهی می‌گذرند تصور می‌کنند تمام آن ناحیه را پیموده‌اند، ولی وقتی به قله کوه می‌رسند با نومییدی تمام می‌بینند که کوه‌های بلندتری در برابرشان قرار دارد. بعد از آنکه آگوستوس^{۱۱} تمام هموطنان خود را مطیع و منقاد ساخت و کلیه رقبای خود را از پای درآورد، مدت چهل سال در بزرگ‌ترین قلمرو طول تاریخ فرمانروایی کرد، ولی با وجود این

عظمت سر خود را به دیوار می‌کوفت و با فریادهای بلندی که کاخ او را به لرزه در می‌آورد، خون سپاهیان خود را از اروس^{۱۲} مطالبه می‌نمود.

مگر غیر از این بود که بی در پی رنج‌های تازه و گوناگون برای او حاصل می‌شد؟ مگر غیر از این بود که نزدیک‌ترین دوستانش نسبت به او سوء قصد داشتند و مجبور بود بر بدنامی یا مرگ تمام نزدیکان خود بگریزد؟ آن بیچاره می‌خواست بر دنیا حاکم شود لیکن نتوانست خانه خود را اداره کند!

پی‌نوشت‌ها

۱. کلتوپاترا، آخرین فرعون مصر و از سلسله یونانی تبار بطالسه یا بطلمیوسیان، در قرن اول پیش از میلاد، بود. وی با مارک آنتونی، سردار رومی، رابطه عاشقانه برقرار کرد و سپس با او ازدواج نمود و سه فرزند به دنیا آورد. رابطه عاشقانه آنتونی و کلتوپاترا سرچشمه بسیاری از ماجراهای ادبی، تاریخی و هنری در اروپا شده است.
۲. کاساندر (حدود ۳۳۰ پیش از میلاد) از شاهان هلنی مقدونیه باستان و بنیان‌گذار دودمان آنتینتری بود.
۳. توکودیدس یا توسیدید (۴۶۰-۳۹۰ پیش از میلاد) مورخ یونانی و نویسنده تاریخ جنگ پلوپونزی.
۴. هرودوت (فوت: ۴۴۴ پیش از میلاد) مورخ یونانی، مشهور به پدر تاریخ؛ وی کهن‌ترین تاریخ‌نگار یونانی است که کتابش به نام «تواریخ» تا امروز باقی مانده است.
۵. مونتینی (۱۵۹۲-۱۵۳۳ م) نویسنده فرانسوی و یکی از تأثیرگذارترین نویسندگان فرانسوی عصر رنسانس. او فیلسوف و حکیم اخلاقی بود.
۶. پلوتارک (۱۲۷-۴۶ م) تاریخ‌نگار و زندگی‌نامه‌نویس یونانی. کتاب معروف او «حیات مردان نامی» در چهار جلد به ترجمه رضا مشایخی به فارسی ترجمه شده است.
۷. هانیپال (۱۸۳-۲۴۷ پیش از میلاد) سیاستمدار و سردار کارتاژی بود که حرکت بزرگ سپاه او از اسپانیا به رم، با گذر از کوه‌های آلپ، بعد از دو هزار سال هنوز از دستاوردهای بزرگ نظامی تاریخ به حساب می‌آید.
۸. آژیلاس، سردار اسپارتی که برای جنگ با کوروش هخامنشی، به فرماندهی سپاه منصوب و روانه آسیای صغیر شد.
۹. پومیه یا پومپئوس (۴۸-۱۰۶ پیش از میلاد) سردار رومی که آخرین شورش اسپارتاکوس را درهم شکست.
۱۰. آریستید (حدود ۵۰۰ پیش از میلاد) از سرداران و سیاستمداران بزرگ آتن بود و لقب عادل داشت.
۱۱. آگوستوس یا اکتاو (۶۳ پیش از میلاد تا ۱۴ میلادی) اولین امپراتور روم باستان
۱۲. از خدایان یونان باستان

منبع

*روسو، ژان‌ژاک، امیل یا آموزش و پرورش. ترجمه منوچهر کیا، صص ۲۶۱-۲۲۷. تهران: انتشارات گنجینه، ۱۳۴۹.

مبانی علم تاریخ

نام کتاب: مبانی علم تاریخ
تألیف: دکتر حسین مفتخری
نشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ سوم
پاییز ۱۳۹۲ (تلفن: ۰۵۲-۴۴۲۴۶۲۵۰)
شمارگان: ۱۰۰۰
تعداد صفحات: ۱۲۰

سخن گفتن در مبانی علم تاریخ چندان آسان نیست. ورود به این حوزه نیازمند آگاهی و اطلاع از حوزه‌های فلسفی و نظری برای تبیین و نقادی موشکافانه در حوزه تاریخ، تاریخ علم، فلسفه و فلسفه تاریخ است. پیشرفت و ترقی علم تاریخ، بیش از هر چیز در گرو رشد مباحث معرفت‌شناختی و روش‌شناسی علم تاریخ است. (ملائی توانی، ۱۳۸۷: ۱۱) تاریخ از علوم ضروری در حیات بشری است و به قول شارل ساماران «نیاز عمیق انسان متفکر است؛ و اگر وجود نمی‌داشت به

ناچار می‌بایست ابداع می‌شد.» (شارل: ۱۳۸۹: ۱۳) متأسفانه در ایران به‌لحاظ دشواری‌های نظری، از میان صدها مقاله و کتابی که در مباحث گوناگون تاریخ تهیه و تألیف می‌شوند، مطالعات در حوزه مبانی نظری این رشته جایی ندارد و یا جای بسیار اندکی دارد.

خوشبختانه چند سال پیش (۱۳۹۰) دکتر حسین مفتخری، دانشیار گروه تاریخ دانشگاه خوارزمی با تلاش قابل تقدیر، اثری قابل توجه و روان در حوزه «اصول و مبانی تاریخ» تدوین و تألیف کرده که لازم دیدم با توجه به نیاز جامعه دانشگاهی و نیز دبیران تاریخ مدارس شرحی کوتاه از مباحث کتاب در ذیل ارائه نمایم. شایان ذکر است این اثر از منابع اصلی درس «مبانی علم تاریخ» در دوره کارشناسی و دوره‌های تکمیلی محسوب می‌شود. مبانی علم تاریخ در یک مقدمه و هشت فصل و یک خاتمه تألیف شده است.

فصل اول

مؤلف در این فصل با عنوان‌های تاریخ چیست؟؛ بررسی و تبیین چیستی معرفت، معنا و مفهوم فلسفه، چیستی ماهیت علم، معرفت درجه یک و معرفت درجه دو، تشریح فلسفه علم، تاریخ و علم تاریخ و فلسفه تاریخ به تبیین این مفاهیم پرداخته است. وی اشاره می‌کند: «از هم‌نشینی فلسفه و تاریخ، فلسفه تاریخ شکل گرفت. فلسفه تاریخ یکی از شعبه‌های مهم فلسفه است که اهمیت آن از حوزه فلسفه به‌معنای اخص فراتر می‌رود. این اهمیت تا به آنجاست که به جرئت می‌توان گفت کمتر پدیده‌ای در

روزگار کنونی از حوزه تأثیر فلسفه تاریخ به دور مانده است.» (مفتخری، ۱۳۹۲: ۱۵) مؤلف همچنین می‌نویسد: «مقصود از «فلسفه تاریخ» صرفاً این نیست که این حوزه معرفتی متکفل توضیح اسباب و علل حوادث و وقایع است (آن‌گونه که مراد ولتر از فلسفه تاریخ بود) چنین کاری در خود حوزه تاریخ (تاریخ‌نویسی تحلیلی) و توسط خود مورخ بدون اینکه فیلسوف تاریخ باشد، به انجام می‌رسد» (همان: ۱۶)

فصل دوم

فصل دوم به تبیین کلیات فلسفه نظری تاریخ می‌پردازد؛ مباحث این فصل عبارت است از: تطور فلسفه‌های نظری تاریخ، همانند ۱. فلسفه‌های ادواری - اسطوره‌ عهده باستان، ۲. فلسفه‌های خطی - دینی عهده میانه، ۳. فلسفه‌های خطی - غیردینی عهده جدید (عصر ترقی)، ۴. فلسفه‌های دوری مدرن. سپس مهم‌ترین فیلسوفان نظری تاریخ و آرایشان را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد. فیلسوفانی نظیر آگوستین^۱، ابن خلدون، ویکو^۲، مارکس^۳، اشپنگلر^۴، توین بی^۵ و هگل^۶ نویسنده ویکو را از مهم‌ترین فیلسوفان قرن هفده و اوایل قرن هجدهم میلادی به‌شمار می‌آورد. (همان: ۲۶) در نقد دیدگاه‌های هگل معتقد است «جامع‌ترین نظریه در مورد فلسفه تاریخ به هگل تعلق دارد و تاریخ از دیدگاه هگل، تاریخ اندیشه و تفکر تاریخی است.» (همان: ۲۷)

فصل سوم

در فصل سوم نویسنده، کلیات فلسفه علم تاریخ را مورد بررسی قرار



سیدحسین رضوی خراسانی دانشجوی دکتری تاریخ

کارکردگرا، جامعه را همچون یک کل تلقی می‌کند که از جهاتی شبیه یک اندام است با درک اجتماع به‌عنوان یک مجموعه. تبیین کارکردی عبارت از تشخیص فایده هر جزء برای مجموعه و نیازی است که از آن برطرف می‌کند.» (همان: ۱۰۳)

فصل هشتم

این فصل با سرفصل «علیت و پیش‌بینی در تاریخ» آغاز می‌شود و با زیرعنوان‌هایی چون: علیت در تاریخ، تصادف، سلسله علل، شرط لازم و کافی، علل دور و نزدیک، پیش‌بینی در تاریخ، پیش‌بینی و پیش‌گویی تدوین ادامه می‌یابد. نویسنده با سرتیتری با عنوان «انتظار از تاریخ» بحث خود را پایان می‌برد و در بخشی از آن به نقل از کالینگ وود می‌نویسد: «ارزش تاریخ آن است که به ما می‌آموزد انسان چه کرده است و به این ترتیب انسان چیست؟» (همان: ۱۱۵-۱۱۴)

پی‌نوشت‌ها

1. Augustinus
2. vico
3. Marx
4. Spengler
5. toynbee
6. Hegel
7. Diltay
8. Croce
9. C wood

منابع

۱. ملاتی‌توانی، علیرضا، درامدی بر روش پژوهش در تاریخ، تهران، نشر نی، چاپ دوم، ۱۳۸۷.
۲. ساماران، شارل، با همکاری گروه مؤلفان، روش‌های پژوهش در تاریخ، ترجمه ابوالقاسم بیگناه و دیگران، مشهد، آستان قدس، چاپ سوم، جلد اول، ۱۳۸۹.
۳. مفتخری، حسین؛ مبانی علم تاریخ، تهران، سمت، چاپ سوم، ۱۳۹۲.

عینیت، دانش تاریخ و معضل عینیت، مدعیات عینیت‌گرایان و نسبی‌گرایان، بی‌طرفی مورخ، آن‌ها را به نقد می‌کشد. در بخشی از این فصل آمده است: «مورخ بدون واقعیات بی‌ریشه و عبث است و واقعیات هم بدون مورخ مرده و بی‌معناست.» (همان: ۲۷)

فصل ششم

در این فصل که با سرفصل اصلی روش‌شناسی تاریخی آغاز می‌شود، عناوین دیگری نیز مطرح و بررسی می‌شوند. نظیر؛ ۱. روش تحقیق و روش‌شناسی، قلمرو و مسائل روش‌شناسی، ارزیابی و دو پارادایم اثبات‌گرا و تاریخی‌گرا، تاریخ‌نگاری اثبات‌گرا و تاریخی‌گرا.

فصل هفتم

نویسنده با سرفصل اصلی «تبیین در تاریخ» و زیرفصل‌های ضرورت تبیین در تاریخ، توصیف و تبیین، تفاوت تبیین در علوم طبیعی در تاریخ، تبیین، تأویل و تفسیر، علت، دلیل، تبیین‌های تاریخی؛ به بیان نقطه‌نظرهای خود می‌پردازد، سپس به تبیین سه نوع، تبیین از تاریخ پرداخته و آن‌ها را به ترتیب با عناوین ۱. قانونیت باوری (الگوهای فراگیر) ۲. تأویل‌گرایی، تفسیرگرایی (تاریخیت‌باوری) و معناگرایی ۳. تبیین‌های روایی، نقلی (تکوینی) مورد بررسی قرار می‌دهد. (همان: ۷۵) و به دنبال آن سایر تقسیم‌بندی‌ها از تبیین، نظیر تبیین کارکردی و ساختاری را مورد بررسی و مطالعه قرار می‌دهد. در بخشی از این فصل آمده است «الگوی

می‌دهد و اشاره دارد که این فلسفه را به نام‌های فلسفه انتقادی تاریخ (critical philosophy of history) یا فلسفه تحلیلی تاریخ (Analytical philosophy of history) می‌خوانند. در این فصل سرفصل‌هایی با عناوین، تاریخچه، قدمت و علل پیدایش فلسفه علم تاریخ، مسائل و قلمروها، آمده است. نویسنده مسائل مهمی را که در فلسفه علم تاریخ، کاوش و تحلیل می‌شوند نظیر؛ ۱. روش‌شناسی پژوهش تاریخی؛ ۲. عنصر‌گزینی در تاریخ؛ ۳. تفسیر تاریخی؛ ۴. پیش‌بینی در تاریخ؛ ۵. امکان یافتن قانون‌مندی‌های تاریخ؛ و ... مورد بررسی قرار می‌دهد. سپس دیدگاه‌های مهم‌ترین فیلسوفان انتقادی نظیر ویکو، دیلتای^۷، کروچه^۸ و کالینگ وود^۹ را به نقد می‌نشیند.

فصل چهارم

در این فصل نویسنده با طرح سرفصل‌های علمیت تاریخ و تاریخ و طبقه‌بندی علوم، ویژگی‌های معرفت علمی، تاریخ و معرفت علمی، به تجزیه و تحلیل آنان می‌پردازد و جایگاه تاریخ را در کنار سایر علوم تبیین می‌کند.

فصل پنجم

در این فصل نویسنده مسئله معرفت‌شناسی تاریخی را با طرح سؤالاتی از قبیل؛ آیا تاریخ ساخته مورخان است؟ آیا به نتایج تحقیقات مورخان می‌توان اعتماد کرد؟ علل گوناگونی تحلیل‌های مورخان چیست؟ (همان: ۵۸) آغاز می‌کند و سپس با طرح عناوینی چون معرفت‌شناسی،

یک کتیبه تاریخی در شیراز کشف شد

یک کتیبه تاریخی در کوه‌های اطراف شیراز کشف شد که بررسی‌های اولیه نشان از قدمت ۷۰۰ ساله آن دارد. به گزارش مهر، در نزدیکی این سنگ نوشته، آثار تاریخی مختلفی نیز وجود دارد که به ثبت ملی نیز رسیده است. معاون اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری فارس در خصوص کشف این کتیبه به خبرنگار مهر گفت: قسمتی از این کتیبه از بین رفته و تنها قسمتی از آن در یکی از کوه‌های اطراف شیراز یافت شده است.



عبدالرضا نصیری با بیان اینکه، به احتمال زیاد، این کتیبه مربوط به قرن هشتم هجری است اظهار داشت: در این خصوص باید بررسی و پژوهش‌های باستان‌شناختی صورت گیرد تا قدمت این کتیبه مشخص شود.

نصیری با تأکید بر اینکه این اثر تاکنون شناسایی نشده بود، افزود: با تهیه چند عکس از این اثر و ارسال آن به اداره کل میراث فرهنگی فارس مشخص شد این اثر تاریخی است. وی گفت: بخشی از این سنگ نوشته توسط افراد سودجو به بهانه یافتن گنج آسیب دیده و بخشی از آن نیز از بین رفته است. وی با بیان اینکه قدمت کتیبه به سده هشتم هجری می‌رسد، تأکید کرد: تا زمانی که بررسی‌ها و پژوهش‌های تخصصی روی این اثر انجام نشود نمی‌توان به درستی درباره قدمت و حتی نوع خطوط حک شده بر روی آن اظهار نظر کرد. وی بیان کرد: طبق شواهد موجود، خطوط این کتیبه به خط رقاغ نگاشته شده و واژگانی مانند خادم و مقام در آن به وضوح دیده می‌شود.

معاون اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری فارس بیان کرد: در محلی که این کتیبه کشف شده، چند اثر تاریخی مربوط به دوره تیموریان تا سده‌های کنونی اسلامی وجود دارد که همگی در فهرست آثار ملی نیز به ثبت رسیده‌اند.

وی تصریح کرد: با توجه به اینکه عمده سنگ نوشته‌های دوره اسلامی متعلق به سنگ‌های قبر است به دلیل آنکه کتیبه یاد شده در دل کوه جای گرفته، می‌توان آن را تنهاترین کتیبه سنگی دوره اسلامی شیراز دانست.

به گزارش مهر، از آنجا که کتیبه مذکور توسط سیاوش آریا فعال و دوستدار میراث فارس شناسایی شده، پرونده ثبتی آن نیز به نام وی تهیه می‌شود.

کنده کاری ۴۳۰ هزار ساله انسان کشف شد

باستان‌شناسان موفق به کشف قدیمی‌ترین کنده کاری انسان با قدمت ۴۳۰ هزار سال شدند. به گزارش ایران، این کنده کاری قدیمی‌ترین اثر انسان بر پوسته یک صدف است. تاکنون تصور می‌شد قدیمی‌ترین نقش‌ها به ۱۳۰ هزار سال پیش بازمی‌گردد اما با کشف اخیر تاریخچه زندگی انسان‌ها دستخوش تغییر خواهد شد.

استفان مونرو، محقق و باستان‌شناس، می‌گوید: این کشف می‌تواند باعث بازنویسی تاریخ انسان شود. این اثر هنری شامل خطوطی است که انسان‌های پیشین روی پوسته یک صدف حکاکی کرده‌اند. به عقیده باستان‌شناسان، حکاکی به‌وسیله **هوموار کتوس**، یا انسان‌های راست‌قامت، حک شده است. هوموار کتوس‌ها در آفریقا تکامل یافته و سپس به بیرون از آفریقا مهاجرت کرده‌اند.

برخی فسیل‌های این انسان‌های اولیه در شرق آسیا (جاوه) نیز کشف شده است. آن‌ها انسان‌های خردمند و باهوشی بوده‌اند. دکتر مونرو اضافه می‌کند سال‌ها پیش این پوسته صدف را در رودخانه‌ای در اندونزی پیدا کرده‌اند؛ با این حال تاکنون قدمت دقیق این حکاکی معلوم نشده بود.

باستان‌شناس **ژوزفین جوردن** از دانشگاه لاپرز هلند می‌گوید: حکاکی هندسی روی پوسته صدف نشان از یک رفتار هنری دارد. آن‌ها انسان‌های هوشمندتری بوده‌اند، تحقیقات ما روی پوسته صدف طی سال‌های اخیر مشخص کرد این حکاکی قدیمی‌ترین اثر هنری انسان است که نشان از مهارت‌های انسانی دارد.

منبع
وبگاه تاینک؛ باویرایش

در شماره ۵۶، مقاله آقای زاور (سفرنامه‌های حج در دوره قاجار) به اشتباه به نام زوار منتشر شد. بدین وسیله از نامبرده پوزش می‌طلبیم.

تسلیت

مطلع شدیم هر یک از آقایان دکتر منصور صفت گل، دکتر علی محمد ولوی و دکتر عباس سرافرازی در غم درگذشت برادر خود به سوگ نشسته‌اند. به این عزیزان تسلیت می‌گوییم و برای بازماندگان، آرزوی سلامتی و طول عمر داریم.